

An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES



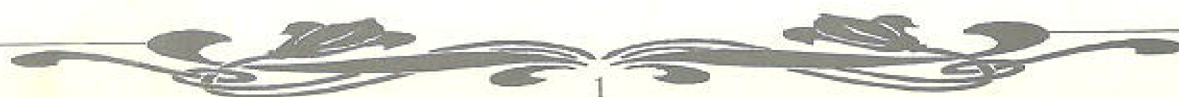
چشم‌انداز
CHASHM ANDAAZ

دریچه‌ای به باغ همیشه سبز

«گردآیه‌ای از و درباره یهودیان و یهودیت»

ویژه‌نامه سال نو ۵۷۵۹

بهاء ۳ دلار



مبارک باد
MAZAL TOV
SIMCHA (CELEBRATION) DIRECTORY

Engagement . Wedding . Bar/Bat Mitzva . Showers . Brit . Birthday . Anniversaries

کبابی کاشر در قلب پیکو

کباب کوبیده ۱/۹۹
دل و جگر ۱/۹۹
جوجه کباب و برگ ۲/۹۹

(۳۱۰) ۸۵۴ - ۳۰۳۰

قنادی

قنادی لوپاله (کاشر)
(۳۱۰) ۶۵۹ - ۴۹۶۶
شیرینی و نانها بدون استفاده از فرآورده‌های شیری ساخته میشود.

قنادی وی‌ینا
(۳۱۰) ۳۹۵ - ۱۱۱۵

French Bakery
قنادی شیرینی‌سرا
(بدون مصرف روغن حیوانی)
6900 Reseda Blvd. Reseda, CA 91335
(818)996-5104
18000 Ventura Blvd. Encino, CA 91316
(818)757-1248
12231 Santa Monica Blvd.
Los Angeles, CA 90409
(310)207-7120

نقره فروشی

نو بهار
بزرگترین وارد کننده نقره‌های ایران با قیمت‌های غیر قابل رقابت
(۲۱۳) ۶۲۴ - ۵۱۷۴

همیشه شیرین کام باشید

قنادی مینیون

هر روز نان بربری تازه از ۹ صبح تا ۷ بعدازظهر، قبول سفارش کیک عروسی، تولد و غیره، شیرینی‌های بدون فرآورده‌های شیری هم با سفارشات قبلی موجود است.
طعم و عطر شیرینی‌های مینیون را در هیچ قنادی دیگر پیدا نخواهید کرد

(818) 774 - 9920
18353 Vanowen St. # G
Reseda, Ca 91335
Located at Valley Produce Plaza

کارت عروسی

زیباترین کارتهای عروسی برمیتصوا ـ بت میتصوا
در مدت چهار روز
Print Run - Westwood
(310) 824-5150

مینو عرضه کننده زیباترین
کارتهای عروسی، برمیتصوا و بت میتصوا
با طرح‌های متفاوت در بورلی هیلز
در اسرع وقت با ۲۰٪ تخفیف کلی
تلفن: (۳۱۰) ۶۵۷ - ۷۱۸۰

ربای ملکان
انجام هرگونه مراسم مذهبی
عقد و ازدواج، سخنرانی، برمیتصوا و بت‌میتصوا
(۳۱۰) ۲۷۵-۸۸۵۲

دی جی: سامی
(۸۱۸) ۶۸۲ - ۸۱۶۳

تک نوازی

پیمان اخلاقی (پیانو)
(۳۱۰) ۲۰۸- ۲۹۲۷

فتو



فیروزه
FIROOZEH
Photography
آتلیه عکاسی
(310) 289-9898
11766 Wilshire Blvd., #110
Los Angeles, CA 90025

گل آرایی

آموزش سبزی آرائی
با سبزیجات و میوجات مختلف، پرنده، درخت نخل، قایق و گلهای زیبا بسازید و سفره‌های برمیتصوا، بت میتصوا، تولد و هفت سین خود را بیارائید.
(۸۱۸) ۸۸۱ - ۱۲۸۹



چشم انـداز

Published by:
International Judea Foundation
P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

سردبیر: داریوش فاخری
مدیر داخلی: شهرام سیمان
سردبیر بخش پزشکی: دکتر نیسان بامداد
مدیر اجرائی: لیلی کاهن (بنایان)
مدیر اداری سازمان سیامک: ریتا فرشادفر
روابط عمومی: عاشر آرام‌نیا
مترجمان: بدیع بدیع‌الزمانی - ژوزف مبسری - پیمان اخلاقی - منیژه شایسته (یوم‌طوبیان) - رامین نیک روش - موریس آخامزاده - مینو ذهابیان (کوتال) - مینو مقیمی (حکیمی)

نویسندگان همراه: پرفسور امنون نتصر (اورشلیم) - دکتر ژاله پیرنظر (برکلی -کالیفرنیا) - شیرین‌دخت دقیقیان (تهران - ایران) - شهره نوفر و فریار نیکبخت (لوس آنجلس)
با همیاری دیگر افراد هیئت اجرائی سازمان سیامک، اختر برلوا، رویا برلوا، مهرداد دلرحیم، سعید بنایان و فریدون فولادی

نماینده مجله چشم‌انداز در نیویورک: مهری صبی
تایپ‌ست: مینو حمودوت
امور هنری: انتشارات نازگل

چشم‌انداز، نشریه‌ایست برای بازتاب افکار و دست‌آوردهای یهودیان دنیا، هدف ما روشنگری واقعیت‌های یهودیت، مسایل، آرزوها و امید یهودیان، مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف‌های بشردوستانه انسان‌های جهان می‌باشد.
نظرهای نویسندگان، متعلق به آنان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.
چشم‌انداز، در انتخاب مقاله‌های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی‌ها، به عهده‌ی صاحبانشان است. نوشته‌های رسیده، بازپس فرستاده نمی‌شود.
نامه‌های بدون نام و نشانی، قابل استفاده نخواهد بود. در صورت تمایل، از مقالات شما، با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا استفاده می‌شود.

تلفن: ۹۴۲۷ - ۴۷۱ (۳۱۰)
فکس: ۹۴۲۸ - ۴۷۱ (۳۱۰)

در این شماره میخوانید

سازمان سیامک و مجله چشم‌انداز سال نو عبری را به عموم همکیشان عزیز تبریک می‌گوید

شماره ۶۳ تیر - مرداد ۱۳۷۷ תשרי תשנ״ט

No. 63 August/September 1998



در جستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده‌ایم

داریوش فاخری

دریچه‌ای به باغ همیشه سبز

وقتی قرار شود که از دین صحبت شود، خواهی ناخواهی خطها کشیده می‌شوند و انسانها پشت آن خطها می‌ایستند و از پشت حصارهای باورهای تلقین شده به خود، دیگرانِ غیر خودی را بیرون نگاه میدارند و خودیها را دورشان جمع میکنند. این یارگیریها در طول اعصار ادامه داشته و خواهد داشت. حصارها فرو میریزند و حصارهای جدیدی به مقتضای زمان و انگیزه‌ها سربلند می‌کنند - چهره یاران دیروز عوض می‌شوند و دشمنان امروز را نشان میدهند و یا برعکس. زیرا که انسان بسیار زود دریافت که از دین می‌توان بعنوان وسیله‌ای بسیار آسان استفاده نمود و دیگری را سرکوب کرد. با دین می‌توان جنگ راه انداخت. می‌توان شکل عوض کرد و دورو شد. می‌توان از خود سلب مسئولیت نموده و با آن احساس برتری و یا به دیگری تجاوز کرد.

وقتی قرار شود از دین صحبت شود، برای یک یهودی، صحبت از قومیّت و فرهنگ او نیز در میان خواهد بود که با دین او از هم مجزّا نیست. ما چون مسیحیان دارای فرهنگهای متفاوتی به آنگونه که بر دین ما برتری داشته باشد نیستیم و همینطور چون مسلمانان و یا بودائیها و بسیاری از ادیان دیگر. مسلمان ایرانی و عراقی دارای دینی مشترک ولی فرهنگ و قومیّتی کاملاً متفاوتند. از این نمونه می‌توان موارد بسیاری را در میان دیگر ادیان نیز یافت. برای همین وقتی ما از دین می‌نویسیم یعنی از قوم و فرهنگ خودمان هم داریم می‌نویسیم.

وقتی قرار شود از دین صحبت شود مخصوصاً دین یهود، امکان اینکه با کور فرهنگی - یهودی ستیزی غیر یهودیان و یا دین ستیزی حتی یهودیان روبرو شوید، بسیار محتمل است.

با این همه مشکل و معضلاتی که در پیش است چرا باید از دین و یا زیبائیهای منکر شده آن توسط انسان سخن گفت؟ برای آنکه به نظر من شاید وقت آن است که با نگاهی دوباره بتوانیم از برخی از بی عدالتیهایی که در حق آن رفته سخن به میان بیاوریم. ببینیم آیا وسیله‌ای دیگر یا وسیله‌ای مناسب برای رویاروئی ما انسانهای در خطر از دست دادن هویت انسانی و ارزشهایی که تا بحال انسان نگاهمان داشته، می‌تواند باشد یا خیر؟ بجای رد کامل دین بعنوان افرادی که تنها برای جدایی انسان از آن سخن رفته، ببینیم چگونه در شکل گیری احساس و فهم ما از جهان و خودمان در طول تاریخ مؤثر بوده و در این برهه تاریخی (خصوصاً برای ما یهودیان ایرانی) می‌تواند کارساز باشد.

ما وارد فرهنگی شده‌ایم که در شرطی شدن و فردی شدن ما و از آن راه برده شدنمان در زیر قید دیکتاتورترین سیستم تاریخ بشر می‌کوشد. دیکتاتورترین و خودکامه‌ترین فرمانروای جهان همان سیستم بازار پول است که با استفاده از فورمولهای بازاریابی و فنون قابل رویت و گاه غیر قابل رویت یا با استفاده از انحصار و در پی انحصار طلبی هر چه را در سر راه میکوبد و هر چه که برای استفاده بیشتر مالی لازم دارد را به نام «فرهنگ» در ذهن و مغز و روح آدمهایی میکند که شرطی شده‌اند. حالا ما فرهنگ خشونت داریم، فرهنگ کوکاکولا داریم و بسیاری از فرهنگهای دیگر که باورهای ما را پس میزند و باورهای مانع کارشان را بد مینامند تا جنس و کالایی را به ما بفروشند.

در جلسه هیئت مدیره شرکت کوکاکولا در سال ۱۹۹۳ بود که اعلام شد برای آنکه این

نوشیدنی بتواند جای خود را در شبه قاره هند باز کرده و تثبیت شود: «**ما باید به چای اعلام جنگ بدهیم**» جا نشین شدن چای توسط کوکاکولا توسطی جنگی تمام عیار (اگر چه از اسلحه گرم استفاده نمی‌شود ولی از وسایل و فنون بازاریابی استفاده کامل میگردد) نابودی چای تنها نیست. یک فرد هندی وقتی در قهوه‌خانه خود چای مینوشد با دوستانش راجع به جامعه خودش حرف می‌زند، در مورد دیگری دل می‌سوزاند، اخبار جامعه را و مشکلات افراد آن را سبک و سنگین کرده و شاید در حل آن می‌کوشد. با از بین رفتن «چای» چای خوردن - تولید چای و محل آن در فرهنگ و سنت یک کشور و دید و راه و روش زندگی سنتی یک قوم و ملت نیز در خطر نابودی است.

وقتی صحبت از دین می‌شود، باید دید چرا اینهمه دین زشت و بدترکیب و مضرّ به حال اجتماع نشان داده می‌شود؟ چرا و چه کسانی میخواهند دین را از تمامی جنبه‌های زندگی ما دور نگاهدارند؟ این خواست، به نفع چه کس و کسانی تمام می‌شود؟ و آیا بهتر نیست چون دیگر جوانب زندگی انسان، در مورد دین نیز دست به یک شناخت و بررسی و تطبیق و استفاده مناسب از آن بزنیم. ببینیم این کار چه منافعی برای ما عرضه می‌کند؟ آیا میتوان از این راه انسان‌تر ماند؟ ببینیم آیا وجود یک ربای که دین را می‌پروراند برای جامعه نافع‌تر است یا سازنده و تهیه کننده فیلمهای مبتذل و نابوده کننده هالیوودی. فیلمسازی که با استفاده از آخرین تکنیکهای بازاریابی استفاده از مواد مخدر - همجنس بازی - سکس بی پروا و ملاحظه، قتل و خشونت را چون امری عادی و گاه بعنوان امری قهرمان ساز بخورد من و شما و نسل بعد از ما می‌دهند؟ آیا بی دلیل نیست که همین‌ها دین را بد می‌دانند و بد می‌خوانند؟ همین فرهنگ است که از «**مارک مک‌گوایر**» برای آنکه بهتر از دیگران چوبی را به توپی می‌زند بیشتر تقدیر می‌کند و بر او ارزش می‌گذارد تا برندگان جایزه نوبل مملکتش. فرهنگی که خیل گناهکارانش بی هیچ خجالتی اولین سنگ را بسوی متهم به گناه پرتاب می‌کند و قیافه بی گناهان را به خود میگیرند.

من منکر آن نیستم که یک ربای ممکن است تنها به فکر پول جمع کردن باشد. من انکار نمیکنم افرادی دین دار هستند که سر دیگران را در تجارت کلاه میگذارند. من میدانم که خجالت‌آور است جلو پای کسانی افراد جامعه بلند می‌شوند که ارزشی دینی ندارند ولی قیافه دین‌داری به خود میگیرند. ولی این به خودی خود دلیلی برای دور انداختن دین و زیبایی ارزشهای آن نیست. همانطوری که با وجود چند عالم دیوانه فیزیک که باعث تولید بمبهای مرگ‌آور شدند ما دربست فیزیک و فیزیک‌دانان را دور نریختیم. با وجود قاضی‌های بد و رشوه گیر، قانون را از جامعه‌مان نراندیم و بی قانون زندگی نکردیم. پول راکه باعث بسیاری از جنایات، لشکرکشیها، تجاوزات و نارساییهای ما شد را ترک نکردیم و در «**پول سوزان**» جهانی این آفت خانمانسوز را از میان جامعه بشری دور نیانداختیم و جای آن «**ارزش**» را نگذاشتیم. که

بر هر کالایی و باوری می‌توان قیمت گذاشت ولی نمی‌توان بر آن ارزش گذاشت.

به جرأت می‌توان گفت که در جامعه امروز ما نگاهداری دین هیچ دو نفری مثل هم نیست. هر کسی تعبیر خودش را از دین دارد. یکی بسیار دین را جدی میگیرد و یکی بالکل منکر آن میشود. بطور کلی دریافت ما از دین یهود بسیار کم است. با کوله‌باری بسیار سبک از ایران آمده‌ایم. بسیاری از مقامات مذهبی ما به سردرگمی عجیبی گرفتارند. کمتر کسی راه درست نجات ما را می‌داند. رهبری، به سواد نیست - به اعتقاد نیست - به عمل نیست - به این است که چند نفر با هیاهو دور یک نفر سینه بزنند و به دیگران جرأت حرف زدن ندهند - رابطه‌ای میان مقامات مذهبی و افراد جامعه کمتر بوجود میآید، مگر در مجالس ترحیم که هر چه گفته شود حتی طولانی - خسته کننده - و بی معنی جای هیچ گونه بحثی نیست - پس این مقام مذهبی از کجا میتواند در کمال خودش بکوشد اگر من نتوانم با او بحث کنم؟ من چگونه به کمال برسم اگر او نتواند با من بحث کند؟

نه کتابی نوشته می‌شود نه مقاله‌ای. چرا؟

بنابراین یکی یکی از دین دور و از جامعه فراری می‌شوند. ازدواج مختلط صورت میگیرد و تنبلان و آسان خواهان کار مشکل‌تر جستجو و فراگیری را رها کرده و رد دین که آسانتر است را می‌گزینند.

این شماره چشم‌انداز را بعنوان هدیه سالی نو، با زحمت بسیار زیاد تهیه کردیم. این شماره چیز تازه‌ای ندارد. نگاهی تازه است. دیدنی است از نو - از یهودی و از یهودیت و درباره این دو. درباره آنچه که گفته‌ایم یا درباره‌مان گفته‌اند. از یهودیانی که ولگرد و کولی جهان نبوده، بلکه سرگردان جهان بوده‌اند. اقلیت بی وطنی که هموطنی بسیاری در این جهان را بر خود گزیده‌اند.

قوم بیابانگردی که نحوه تفکر و روش زندگی جهان را، به قول «توماس کاهیل» نویسنده کتاب پر فروش «هدیه یهودیان»، برای همیشه تغییر دادند و باعث و بانی تمدن غرب شدند. یهودی‌ای که «مارک تواین» درباره‌اش نوشته است: «اگر آمار راست بگویند یهودیان فقط ۱/۴ یک درصد نژاد بشری‌اند. به معنی دیگر غبار ستاره ناچیزی که در شعله کهکشان شیری گم است.

بنابراین میبایستی خبری از یهودی نباشد. اما اینطور نیست. او همیشه شنیده شده. مثل هر کسی دیگر در این دنیا مهم است، و اهمیتش هیچ ربطی به تعداد کمش ندارد.

کمک به پیدایش اسامی نامهای بزرگ در ادبیات، علوم، هنر، موزیک، امور مالی، پزشکی و علوم پیچیده به نسبت ضعف تعداد کل جمعیتش بسیار بیشتر میباشد. در تمامی اعصار دست به جنگی جانانه زده است و این کار را در حالیکه یک دستش از پشت بسته بوده است، انجام داده. او می‌توانست شخصی ناموفق و بی ارزش باشد و هیچ توقعی هم از او نداشته باشند...یهودیان تمام (فرهنگهای بزرگ و از بین رفته و یا خاموش فعلی) اینها را دیده و زنده مانده‌اند و هنوز مثل همیشه نه گذار اعصار، نه ضعفی در اندام، نه کاهشی در انرژی و نه مبارزه طلبی فکری پیشرو در آنها نشان داده می‌شود.

همه چیز فنا پذیر است جز یهودی...چه چیزی رمز جاودانی اوست؟»

ما هم خواستیم راز این جاودانگی را دریابیم و شاید از این راه بتوانیم برخی از باورهای نادرست را نیز روشن کنیم.

خواستیم از تعطیلات غربت (بی دینی‌مان) بیرون بیائیم و یهودی بودنمان را آنگونه که هست و نه آنگونه که فکر میکنیم و یا ادا در میاوریم، بشناسیم. چراکه دست یافت ما از این شناسایی و این تفکرات، «کیستی و هستی ماست».

ببینیم که بزرگان این قوم در مورد خلقت، غیر یهودیان - آرزوها و امیدهایمان - صلح - زن - رابطه‌مان با خدا - محیط زیست و بهداشت، چه عقایدی دارند. آیا به راستی ما شکل میمون بودیم؟ آیا زمین گرد است؟ آیا زن شخصیتی درجه دوم دارد؟ و هزار سئوال دیگر.

می‌بینیم که به قول حافظ: «کفرست در این مذهب خود بینی و خودرأیی». این دینی است که در آن حتی خداوند حرف آخر را نمی‌زند چه برسد به آنکه شخصی بی مشورت و نه بر اساس رأی جامعه بتواند فتوا بدهد. این دینی است که

نه تنها بر دیگران برتری ندارد، بلکه همه را یکی میداند و فرزند یک انسان «**تا دیگری را بر دیگری برتری نباشد**».

خواستیم بشناسیم - با هم بشناسیم ژرفای این دین (قوم - فرهنگ) را، والایی اندیشه بزرگانش را از میان واژه‌های سخت و پر از معنی بیرون بکشیم. به بینشی برسیم که از رنگ و نور آن معرفت و عشق را ببینیم.

می‌خواستیم خود عشق را ببینیم. خالی از قصه گویان حرفه‌ای و سخن پردازان - خواستیم آن «**جور دیگر**» را ببینیم. خواستیم بجای معجزه در تکرار بی وقفه عجایب خلقت غرق شویم همانگونه که «**حییم لوتزاتو**» گفته بود. این شماره آئینه جادو نیست. قصه یهودی، قصه تازه‌ای نیست. اما جهان امروز ما با جهان دیروزمان فرق دارد. ما از دل حادثه‌های گوناگون و از اوج دردمندیهای بی پایان میآئیم. از فقر ناامیدیها ولی نه ناامید. ما نمی‌خواهیم در مرگ منجمد شویم. فکر کردیم زیبایی یهودیت را باری دیگر از زیر غبار زمان بیرون بکشیم. می‌گویند خلیفه‌ای نادان به لیلی گفت: «**از دگر خوبان تو افزون نیستی**» و لیلی جواب داد: «**گفت خامش چون تو مجنون نیستی**».

خواستیم دیگر بار - مجنون وار به این لیلی نگاه کنیم. به لیلی‌ای که فقط مجنون می‌شناسدش، سلامی دوباره کنیم.

اعتقاد داریم که هدف غایی زندگی، آنطور که فلیکس آدلر گفته بود: خوشبختی نیست، بلکه **با ارزش بودن** است. این مجموعه، گرد آیه ارزشهای قوم یهود است. برای با ارزش کردن زندگی تک تک ما.

مایی که اگر چون «**یوسف**» به اسارت این فرهنگ آمده‌ایم بتوانیم با تکیه بر آگاهی از آنان به سربلندی برسیم.

اگر چون «**اوراهام**» بخاطر باورمان از سرزمینمان رانده شدیم، نور الهی و رسالت خداوندی را به اطرافیانمان بپاشیم.

اگر عزت و شوکت و بزرگی شاهزادگیمان را چون «**مشه**» از ما دریغ کردند، پشت پا به اسارت جسم و تن بزنیم و به سرزمین شیر و عسل پا بگذاریم.

شاید بتوانیم با شناخت دوباره این فرهنگ «**هاینریش هاینه**» - «**فرانتس کافکا**» - «**آلبرت اینشتن**» - «**باروخ اسپینوزا**» - «**زیگموند فروید**» و «**سر آیزیا برلین**» زمانه خود شویم.

میخواستیم به خانه خودمان برگردیم که به قول سمندر شاعر:

«**این خانه قشنگ است**

ولی خانه من نیست»

این خانه بوی چادر الهی مادرم، «سارا» را نمی‌دهد. من می‌خواهم وقتی فرزندان من و ما چون «**اسحق**» بر قربانگاه معبد پول و پول پرستی و خودگرایی این فرهنگ قرار گرفته‌اند، صدای ضجه‌های مادرم «سارا» را بشنوم که برای من اشک میریزد - سینه میدرد و خون میبارد.

من میخواهم «ربوقا» دور از چشمان پدرم «اسحق» که کور است و نمی‌بیند مرا روانه خانه پدریش کند که «حتماً» از خانواده «خودم» زن بگیرم.

من میخواهم مادرم مرا اگر چون «مشه» به آب میسپارد و روانه میکند که جانم را نجات بدهد، اگر شاهزاده‌وار تربیت می‌شوم قوم خودم را فراموش نکنم و با آنها به خانه برگردم.

گفتیم شاید شما هم بخواهید با من بیایید.

دست عزیزانی را که توأم با دیگر خدمتگزاران سازمان سیامک در داوطلبانه ترجمه‌ی این نوشتار ما را همراهی کرده و «دریچه‌ی به باغ همیشه سبز» را برای همهٔ ما گشوده‌اند را میفشارم. این دوستان از سرتاسر آمریکا از قشرهای مختلف سنی، شغلی و باورهای مذهبی به ما پیوستند. نام عزیزان به ترتیب حروف الفباء:

دارا ابایی - مجید ابایی - هوشنگ ابرامی - لیدا احدیان - پیمان اخلاقی - نادیا ادهمی - نیسان بامداد - بهمن بهنام - ژاله پیرنظر - ناهید پیرنظر - فلورا پوراتی - منیژه خصوصی - داریوش دیان - آزیتا روحپرور - فرشاد رفیع - فرهاد زمردی - شایسته ساکت خو - سهیلا سلیمانی - دیوید سینایی - رابرت صالح ربیع - جهانگیر صداقت فر - پروانه صراف - رویا فاخری - داریوش کدری - امیر اردلان کروری - مینو کوتال - منوچهر کاهن کاشی - شهلا کهنیم - گیتا لاله‌زاری - عطا لاوی - ژوزف مبسری - شهاب مرادزاده - لیلی مرغزار - آونر منظور - زهره میزراحی - مینو مقیمی - موسی میکائیل - بهروز مهدیان - موریس ناعیم - شهره نظر - ملکشاه نعمان - شهره نوفر - همایون نی‌داود - سعید نیکو - شان نیلی - ژرژ هارونیان - مشفق همدانی - مئیرا یدیدصیون - عزی یرمیان.

شالم

سال نومبارک

اگر انسان خوش قلبی هستید و وقت دارید، در کارهای داوطلبانه و خیریه سازمان سیامک شرکت کرده و با ما به دیگران کمک کنید این کار، زیباترین تجلّی انسان بودن شماست.

גרוه یاران سازمان سیامک تقدیم می‌کند

سوکا پارتی

امسال نیز مانند سالهای گذشته در پناه سوکای زیبای

سازمان سیامک به شادی خواهیم نشست

شنبه شب ۱۰ اکتبر ۱۹۹۸

شبی فراموش نشدنی و سرشار از نشاط را به خاطر داشته باشید

برای تهیهٔ بلیط و آگاهی از جزئیات این جشن سنتی

هر چه زودتر با دفتر سازمان شماره تلفن

۹۴۲۷ - ۴۷۱ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

SUCCOT

دریچه‌ای به باغ همیشه سبز

آموزش - آموختن - آموزشگاه Education

ربی شیمعون بریوخای گفته است: اگر شهری کاملاً نابوده شده در سرزمین ایسرائل دیده شد، بدانید که دلیلش عدم پرداخت حقوق معلمین تورا و کیش بوده، بر طبق آیهٔ ۱۱ - ۹ کتاب یرمیا که گفته است: «چراکه اینان تورای من را ترک کردند».

Rabbi Simeon ben Yohai said: "If you see cities in the Land of Israel that are destroyed to their very foundation, know that it is because they did not provide pay for teachers of the Bible and of tradition, according to Jeremiah 9, 11 ff., 'because they abandoned My Torah.'"

Y. Hagigah, 1, 7.

ربا سخنرانی خود را با یک لطیفه آغاز می‌کند تا شنوندگانش به وجد در آیند پس آنگاه مطالب جدی را عنوان می‌کند.

Rabbah would open his discourse with a jest, and let his hearers laugh a little. Then he would become serious.

Shabbah, 30.

غزل غزلها، دانایی و خرد است؛ کتاب عابدان، فهم و هوش است؛ و کتاب امثال، دانش است.

The Song of Songs is Wisdom; the Book of Ecclesiastes is Understanding, and the Book of Proverbs is Knowledge.

Zohar, iii, 64b.

افزایش به دانش توأم با افزایش بر غم است.

He who increases knowledge, increases sorrow.

Ecclesiastes

هیچ کس فقیر نیست بجز کسی که فاقد دانش باشد.

No one is poor except one who lacks knowledge.

Talmud

همیشه از آموزگارت دلائل را جویا شو و مآخذ را بپرس.

Be sure to ask your teacher his reasons and his sources.

Rashi

هر آنکه به کودک چیزی می‌آموزد، گویی او را آفریده است.

He who teaches a child, it is as though he created it.

Talmud

آموزش داده میشد که: «یک شخص عالم در شهریکه در میان شرایط لازم دیگر تمدن به مدرسه ابتدایی ندارد نباید اقامت افکند».

It was taught: "A scholar should not take up his abode in a town in which there is not, among other requisites of civilization, an elementary teacher."

Sanhedrin, 17b.

یک معلم باید از راه کوتاهترین طریق تدریس نماید.

A teacher should teach by a short method.

Pesahim, 3.

اخلاق مهمتر از آموزش است.

Morality is more important than learning.

Talmud

کسی که نمی‌آموزد زندگیش را از دست خواهد داد.

He who does not learn forfeits his life.

Hillel

بالاترین فرمان پیشبرد آموختن است.

The advancement of learning is the highest commandment.

Maimonides

تا لحظهٔ مرگ باید آموخت.

A man should never stop learning, even on his last day.

Maimonides

بر آنکه بداند که چگونه نقش را بخواند بیشتر حقیقت دریافته میشود تا تاریخچه.

To him who knows how to read the legend, it conveys more truth than the chronicle

Martin Buber

دنیا پر از اسرار درخشان، شگفت‌انگیز و متعالی است؛ و فقط دست کوچکی که جلوی چشمان ماست مانع میشود که ما نور را ببینیم.

The world is full of radiant, wonderful, and elevating secrets, and it is only the small hand held up before our eyes which prevents us from seeing the light.
Baal Shem Tov

چراغی برای یک نفر چراغی است برای صدها نفر.

A light for one is a light for one hundred.
Talmud

همه چیز را از مرشد نمی‌توان آموخت، همیشه استثنایی هست.

We cannot learn everything from "general principle" -- there may be exceptions.
Talmud

آموزگاران همانا نگاهبانان راستین ملت‌اند.

Those who truly guard the state are the teachers.
Jerusalem Talmud

آنکه می‌آموزد یک پنجم پاداشی را که یک آموزگار می‌گیرد، دریافت می‌کند.

He who learns receives but one fifth of the reward that goes to one who teaches.
Midrash Song of Songs

تو مجاز به ورود با اسلحه به مدرسه و مراکز تعلیم و تربیت، نیستی.

You are not allowed to go into a house of learning with weapons.
Talmud

Obeying Commandments اجرای فرامین

مردی که یک فرمان را اطاعت کرده باشد، از آسمان به او کمک میشود که فرمانهای بسیاری را اطاعت کند.

A man who has obeyed one commandment is helped by Heaven to obey many commandments.
Mekilta Beshallah.

پیرامون گفته مزمور خوانان که: «بانگ خداوندکو-آه «قوی» است»، گفته شده است که پروردگار خود را با تمام نیرویش آشکار نکرده، بلکه به نسبت نیرو و توان هر فرد بر او ظاهر میشود.

Commenting upon the words of Psalmist, "The voice of the Lord is 'Ko-ah' (powerful)," it is said that God reveals Himself not with His own overwhelming might, but "L'fi Koho Shel Kol Ehad W'ehad"--according to each man's individual power and capacity.

Midrash Tanhuma, Buber, Jethro, 17.

آنکه در راه راست گام برمیدارد خدا را ستایش میکند.

He who walks in straight paths honors God.

Bemidbar Rabbah, 8, 3.

برای خدا چه فرقی میکند که حیوان را از گردن بکشند و یا از پشت سر ولی فرامین برای تزکیه و پاکی مردم صادر شده‌اند.

What difference does it make to God whether one slaughters the animal at the throat or at the back?
But the Commandments were given to purify the people.

Tanhuma Shemini, 5.

ربای شیمون بن الیعزر میفرماید: «آنکس که از روی عشق و محبت (به ویژه پرهیزکاری) رفتار می‌کند بزرگتر از کسی است که از ترس «به خداوند» کاری انجام میدهد.

Rabbi Simeon ben Eleazar said: "Greater is he who acts (namely, who is pious) from love than he who acts from fear (of God)."

Sotah, 31a.

مهم این نیست که هر روز چه تعدادی از فرامین (تورا) را به اجرا در می‌آوریم. اصل مهم این است که با چه روحیه و ذهنیتی از آنها پیروی می‌کنیم.

The important thing is not how many separate commandments we obey, but the spirit in which we obey them.

Baal Shem Tov

همهٔ ۶۱۳ فرمان در ده فرمان گنجانده شده‌اند.

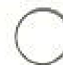
All the 613 commandments are included in the Ten Commandments.

Rashi

خداوند از شما چه میطلبد؟ عدالت، دوست داشتن خوبی‌ها و اطاعت از خداوند. فروتنانه در راه خدا رفتن.

What does the Lord require of you? Only to do justice, and to love goodness, and to walk humbly with God.

Micah



فرمانبری به دلیل عشق بهتر است از فرمانبری بخاطر ترس.

To obey out of love is better than to obey out of fear.
Rashi

Honoring Parents احترام به پدر و مادر

به پدر و مادر و همچنین به برادر بزرگترت احترام بگذار.

Honor thy father and thy mother-including, also, thine older brother.

Ketubot, 103.

هر فردی بهمان اندازه که به پدرش عزت و احترام میگذارد بهمان ترتیب به پدرزنش نیز باید احترام گذارد.

A man must honor his father-in-law as much as his father.

Midrash Tehillim, 7, 4.

اگر کسی که والدین خودش را از دست داده است و شادی و سرور خود را با خداوند تقسیم کند، خداوند نیز پدر و مادرش را برای ساعات شادی خودش دعوت خواهد کرد، چراکه آنها شرکای خداوند برای زاده شدن آن فرزند بوده‌اند.

If a man whose parents are no longer living, invites God to share in his hour of joy, God invites the man's parents to share in the hour of joy, for they are partners with God in their son.

Zohar, iv, 220a.

پدر و مادر خود را احترام بگذار همانطوریکه پروردگار را ارج میدهی، زیرا هر سهٔ آنها در خلق تو شریک بوده‌اند.

Honor thy father and thy mother, even as thou honorest God; for all three have been partners in thy creation.
Zohar, iii, 93a.

کسی که اولیاء خود را تأمین نمی‌کند، به حرامزادگی خود شهادت می‌دهد.

He who does not sustain his parents testifies to his own illegitimacy.

Eliyahu Rabbah, 26.

به پدر و مادر و خداوند احترام بگذار چون تو فرزند هر سه آنها هستی.

A man should honor his father and mother as he honors God, for all three are partners in him.
Judah Hanassi

ربی شمعون بر یوحای گفت: «احترام گذاشتن به پدر و مادر امر مهمی است، زیرا خداوند آنرا از احترام به خود مهم‌تر میداند. دربارهٔ خداوند گفته شد که او را با ثروت خود ارج گذار. اگر ثروتی داری وظیفهٔ تو است و اگر ثروت نداری مجبور نیستی. ولی در مورد احترام به پدر و مادر، حتی اگر ثروت نداری مقام آنها را باید ارج دهی. «پدر و مادر خود را ارج بده حتی اگر برای تأمین روزی خود از خانه‌ای به خانهٔ دیگر به گدایی بروی».

Rabbi Simeon ben Yohai said: "Great is the honoring of father and mother, for God makes more of it than of honoring Himself. About God, it is written: 'Honor the Lord with thy substance' (Prov. 3:9); if you have substance, you are obligated to do so, and if you have no substance, you are not obligated. But, when it comes to honoring father and mother, whether you have substance or not, "Honor thy father and thy mother,' even if you have to beg your living from door to door."

Yer. Peak, 15d, top.

احترام به پدر و مادر حتی مهم‌تر از احترام به خدا است.

To honor parents is even more important than to honor God.

Simeon bar Yochai

بشنو ای پسر من، به دستورات پدرت عمل کن و آن چیزهایی که مادرت به تو آموخته است را از یاد مبر.

Hear, my son, the instruction of your father, and do not forsake the teaching of your mother.

Proverbs

احترام به پدر و مادر از احترام به خداوند مهم‌تر است.

To give honor to your parents is even more important than honoring God.

Simeon ben Yohai, Jerusalem Talmud

Honoring Others احترام به دیگران

به کسی که در او نشانه‌های بزرگی و شخصیت والا می‌بینید احترام بگذارید.

He who recognizes greatness in his fellow-man must show him respect.

Pesahim, 113.

Marriage ازدواج

برای همسر اختیار کردن یک پله پایین برو (از نظر خانوادگی)

Descend a step (in family rank) and take unto thyself a wife.

Yebamot, 63.

چرا سلطنت دودمان شائول کوتاه بود؟ زیرا که از تباری والا مقام بود.

Why was the dynasty of Saul so brief in point of years? Because it was of impeccable family pedigree.

Yoma, 22.

توراه به ما یک درس می‌آموزد: ابتدا خانه‌ات را بساز، سپس پیوند زناشویی ببند.

The Torah teaches us a lesson: first, build a home, and then marry.

Sotah, 44.

داماد نمی‌تواند وارد خوپا (حجله) شود مگر اینکه عروس این اجازه را به او داده باشد.

A groom cannot go under the canopy unless his bride permits him.

Wayyikra Rabbah, 9, 6.

آنکه دخترش را به همسری مردی سالخورده در می‌آورد و یا زنی برای پسر نابالغش می‌گیرد، مرتکب اشتباه می‌شود.

He who weds his daughter to an old man, and he who gives a wife unto his minor son, commits a wrong.

Sanhedrin, 76.

ازدواج بـه دشواری شکافتن آبهای دریـای سرخ [توسط حضرت موسی] است.

Mating is as hard as the cleaving of the waters of the Red Sea.

Sotah, 2.

ازدواج با زنی از طبقهٔ اجتماعی بالاتر از خود، کاری عاقلانه نیست. زنی از یک طبقه از خود پائین‌تر را به همسری برگزین.

It is not wise to take a wife of superior rank--rather go down a step in choosing a wife.

Yebamot, 63a.

خداوند بطور مداوم دنیاهایی جدید را خلق میکند. چگونه؟ با فراهم آوردن موجبات ازدواج میان مردم.

God creates new worlds constantly. In what way? By causing marriages to take place.

Zohar, i, 89a.



یک مرد نباید با فکر به اینکه ممکنست روزی زنش را طلاق بدهد، با او ازدواج بکند.

A man should not marry a woman with the thought in mind that he may divorce her.

Yebamot, 37.

آنکه برای پول و ثروت ازدواج میکند، فرزندانی ناخلف خواهد داشت.

He who weds for money will have delinquent offspring.

Kiddushin, 70.

وقتی روحی از بهشت به زمین فرستاده می‌شود دارای بخشی نر و بخشی ماده است. نیمه نر وارد بدن پسری و نیمه ماده وادر بدنی مؤنث می‌شود. چنانچه شایسته باشند، خداوند موجبات یگانگی آنها را در ازدواج فراهم می‌آورد. این ازدواج به معنای واقعی است.

When a soul is sent down from Heaven, it is a combined male and female soul. The male part enters the male child and the female part enters the female. If they are worthy, God causes them to re-unite in marriage. This is true mating.

Zohar, iii, 43b.

ازدواج همچون شکافتن دریای سرخ است. در یک سوی دریا غرق شدن بود و در سوی دیگر نجات. در ازدواج در سویی شادی و در سوی دیگر اشک ریزان است. در مزامیر داود لغت (Bekosharot) در ارتباط با ازدواج به کار برده شده است. این واژه را میتوان به دو بخش تقسیم کرد: Beko به معنی گریه و Shirot به معنی آوای شادی.

Marriages are like the dividing of the Red Sea. At the division there was drowning on one side and salvation on the other. At the marriage there is joy on one side and weeping on the other. In Sotah 2a, the word "Bekosharot" (Psalm 68:7) is used with reference to marriages. This word may be divided into two parts: Beki (weeping) and Shirot (songs).

Zohar, ii, 170b.

ربای جکرب گفته است: «مردی که همسری ندارد، بدون دارایی است و بدون یاور، بدون شادی، بدون برکت و بدون کفاره. دیگران بر آن بدون آرامش (رفاه) و بدون زندگی را افزودند. ربای حیا به گملا گفت: «او انسانی کامل نیست همچنانکه گفته شده است: و خداوند آنان (مرد و زن) را انسان نامید». دیگران گفته‌اند: «شباهت به خداوند در مرد مجرد کاسته میشود».

Rabbi Jacob said: "He who has no wife remains without goods, without a helper, without joy, without a blessing and without atonement."
Others add: "Without peace (welfare) and without life."
Rabbi Hiyya ben Gamla said: "He is not a whole man, as it is said: 'And He called their (male and female) name Man.'"
Others said: "The unmarried man diminishes the likeness of God."

Bereshit Rabbah, 17, 2; Yebamot, 62, 63.

نور و برکت مقدس خداوند، بر مردی که ازدواج کرده نازل می‌شود. مرد مجرد نیمه انسان است و نور الهی بر آنچه کامل نیست نمی‌تابد.

The Shekinah can rest only upon a married man, because an unmarried man is but half a man, and the Shekinah does not rest upon that which is imperfect.

Zohar Hadash, iv, 50b.

هر کسی که به درآمد زنش چشم داشته باشد موفق نخواهد شد.

Whoever depends on his wife's earnings will not succeed.

Talmud

کسی که از وظیفه ازدواج سر باز می‌زند بر تصویر الهی خدشه وارد میسازد.

He who remains unmarried impairs the divine image.

Rabbi Akiva

فرزندان نالایق نصیب کسانی می‌شوند که برای پول ازدواج می‌کنند.

Whoever marries for money will have unworthy children.

Talmud

مرد بی همسر در برابر وسوسه‌ها بی دفاع است.

A man without a wife has no defense against temptation.

Talmud

آفریدگار پیوسته دنیاهای تازه می‌آفریند. چگونه؟ با فراهم نمودن ازدواج‌های تازه.

God is forever creating new worlds. How is this done? By bringing about new marriages.

Zohar

در روزگار کهن، رسم سرزمین یهود این بود که در قبال تولد هر فرزند پسر، یک درخت سَرو، و در ازای هر فرزند دختر، یک نهال اقاقی کاشته می‌شود. هنگامی که فرزندان آنان به سنّ ازدواج می‌رسیدند، سایبان ازدواج آنان باید از شاخه‌های این دو درخت ساخته می‌شد.

A tradition in old Judea was for a cedar tree to be planted when a male child was born and an acacia tree when a female child was born. When they became adults and married, the canopy for their marriage was to be constructed from branches of these two trees.

Talmud

هر گاه‌که انسانی از همسر نخست خود طلاق می‌گیرد، محرابی که در آن پیوند ازدواج بسته‌اند، شروع به گریستن می‌کند.

When a man divorces his first wife, the altar where they married begins to cry.

Talmud

هر مرد زنی راکه شایستهٔ اوست خواهد گرفت.

Every man receives the wife he deserves.

Sotah, 2.

مرد بدون همسر، بدون خوبی، بدون یار، بدون خوشی، بدون برکت و بدون بخشایش است.

A man without a wife lives without good, without help, without joy, without blessing and without forgiveness.

Kohelet Rabbah, 9, 7.

Feelings احساس

تنها احساس، احساس را می‌فهمد.

Only feeling comprehends feeling.

Heinrich Heine

Freedom & Bondage اسارت و آزادی

پرنده‌ای که در کنج قفس بال و پر خود را جمع کرده است، به آدمی می‌گوید: تو آب و دانه‌ای راکه برایم مهیّا شده است می‌بینی، امّا از اسارت من بی خبری.

The caged bird says: you see my food, but you do not see my captivity.

Kohelet Rabbah, 55, 2.

از زمان خروج قوم بنی ایسرائل از مصر، همواره از آزادی به گویش عبری سخن رفته است.

Since the Exodus, freedom has always spoken with a Hebrew accent.

Heinrich Heine

آزادی را در تمامی سرزمین و به همهٔ ساکنان آن اعلام کن.

Proclaim liberty throughout the land, unto all the inhabitants thereof.

Leviticus

سرنوشت و آزادی هر دو مکمل یکدیگرند. اولی کسی به سرنوشت خود خواهد رسید که آزادی را به راستی لمس کند.

Destiny and freedom are solemnly promised each to the other. (But) only the man who makes freedom real to himself achieves his destiny.

Martin Buber

علما می‌گویند که یهودیانی بودند که قلب و روحشان چنان آغشته به بردگی شده بود که آزادی را قبول نمیکردند. هنگامیکه موسی به آنان خبر خوش را داد که خداوند میخواهد آنان را آزاد کند در جواب گفتند که خداوند عهد کرده که ما باید چهار صد سال در بردگی بمانیم و زمان آزادی ما هنوز فرا نرسیده است.

The Sages tell us that there were Jews whose hearts and souls became so enslaved that they did not want to be set free. When Moses brought them the good news of God's intention to liberate them, they said to him: "God decreed that we must be slaves for four hundred years, and our time is not yet up."

Shemot Rabbah, 15, 1.

تمام انقلاب‌ها بدست عده‌ای اقلیت انجام میشوند.

All revolutions are the work of a minority.

Max Nordau

Exceptions & Rules استثناء و قاعده

یک استثنا نوری است که بر یک قاعده میتابد.

An exception casts light on a rule.

Numbers Rabbah

Wasting اسراف

کسیکه میراث زیادی به او رسیده و میخواهد هر چه زودتر از آن خلاص گردد باید رختی از کتان بپوشد و از ظروف شیشه‌ای استفاده کند.

He who has inherited much and desires to lose his inheritance should clothe himself in linen and use glassware.

Baba Metzia, 29.

Tear اشک

دری نیست که با اشک گشوده نگردد.

There is no gate that tears cannot penetrate.
Zohar

آنان که بذر اشک می‌افشانند شادمانی درو خواهند نمود.

Those who sow in tears, will reap in song.
Psalms

Temperance اعتدال

اندکی تحسین کردن شخص در حضور وی مجاز است ولی هیچگاه وی را تمام و کمال تحسین مکن.

A little praise of a man may be uttered in his presence, but complete praise in his presence is forbidden.
Brubin, 18.

هشت چیز در دنیا وجود دارد که مقدار کم آن خوب و فراوانیش بد است: مسافرت، آمیزش جنسی، ثروت، کار، شراب، خواب، نوشابه‌های چاشنی دار و دارو.

There are eight things of which a little is good, and too much is bad: travel, mating, wealth, work, wine, sleep, spiced drinks, and medicine.
Talmud

بیش از اندازه صالح و بیش از اندازه عاقل مباش.

Do not be too righteous, and do not be too wise.
Ecclesiastes

Capital Punishment اعدام

به کسیکه بایستی اعدام شود یک پیمانه شراب مخلوط با کندر داده میشود تا مدهوش گردد.

He who is to be executed is given a quart of wine to drink, mixed with frankincense, so that he may lose consciousness.
Sanhedrin, 43.

برای کسیکه به مرگ محکوم شده است روش کشتن آسانی انتخاب کنید.

Choose an easy death for one who must be executed.
Talmud

Good Deeds اعمال نیک

بن عَزای می‌گفت: «پاداش عمل نیک، عمل نیک است، و مجازات گناه، گناه».

Ben Azzai said: "The reward of virtue is virtue, and the punishment of sin is sin."
Abot, 4, 2.

خوشا به حال کسی که عمل و کردارش بیشتر از دانش و علمش باشد.

Happy is he whose deeds are more than his learning.
Eliyahu Rabbah, 17.

شخص برای کردار خود و همچنین بخاطر معاشرت با اشخاص محترم مورد احترام قرار میگیرد.

There is a respect which a man receives for himself; and there is a respect received because a man is intimate with another who is respected.
Hakdamah to Tikkune Zohar, 12a.

من آسمان و زمین را به شهادت میگیرم که هر انسان یهودی یا غیر یهودی، مرد یا زن، خادم و یا مخدوم، نسبت به کردار شخص خودش مورد مرحمت پروردگار قرار میگیرد.

I take as witness unto me Heaven and earth; whether it be Israelite or Gentile; male or female, servant or maid--the Holy Spirit rests upon each, according to the deeds of each.
Eliyahu Rabbah, 9.

شخصیت یک انسان با در نظر گرفتن اعمالش در یک موقعیت خاص، مورد قضاوت قرار می‌گیرد.

A man is judged only according to his acts at a particular moment.
Rosh ha-Shanah, 16.

اگر انسان خود نیکی نمیکند، نباید به کارهای نیک پدرش متکی باشد.

If a man does no good, he may not depend upon his fathers' goodness.
Midrash Tehillim, 146, 2.



کسی که میتصوا میکند مرزها و دروازه‌های بهشت را گسترش میدهد.

He who performs Mitzwah extends the boundaries of Heaven.

Zohar, iii, 113a.

شخصی که دست یاری به نیازمندی می‌دهد نه تنها عمر آن شخص را طولانی می‌کند بلکه به طول عمر خود نیز می‌افزاید.

He who lengthens the life of a poor man has his own life lengthened when his time to die arrives.

Zohar, iii, 85a.

اگر خود محتاج و نیازمند هستید، هرگز از خود نگذرید که به یک محتاج دیگر بدهید.

Neglect not thine own poor in order to give to others who are poor.

Zohar, iv, 206a.

زندگی انسان در صورتی زندگی حقیقی است که دست یاری به هم نوعانش دهد.

The life of a man is not true life if he does not take care to aid his fellow-man.

Betzah, 32.

محتاجان را شریک خانوادهٔ خود سازید.

Let the poor be members of thy houschold.

Abot, 1, 5.

امضاء کننده کردار نیک الهی است.

The divine sings in noble deeds.

Abraham Joshua Heschel

همه چیز به عمل و کردار آن بستگی دارد.

Everything depends on deeds.

Rabbi Akiva

عمل از گفتار تنها، بهتر است.

Deeds--not talk--count.

Ethics of the Fathers

کردار مهرآمیز بهتر از صدقه دادن است.

Deeds of loving-kindness are greater than charity.

Sukkah, 49.

بر یهودیان مقرر شده است که با هر که روبرو میشوند با نیکی و مهربانی رفتار کنند.

اگر انسان خوش قلبی هستید و وقت دارید، در کارهای داوطلبانه و خیریه سازمان سیامک شرکت کرده و با ما به دیگران کمک کنید این کار، زیباترین تجلّی انسان بودن شماست.

Israelites are enjoined to deal kindly with everyone they encounter.

Midrash Tehillim, 52, 6.

آغاز و خاتمه تورا انجام کردار نیک و دوستی است.

The beginning and the end thereof (Torah) is the performance of loving-kindness.

Sotah, 14a.

در سال پر نعمت افراد با یکدیگر برادرانه رفتار میکنند.

When the year has been prosperous, people become brotherly toward each other.

Bereshist Rabbah, 89, 4.

خوشا آنکه کردارش بیش از آنچه آموخته باشد.

Happy is the one whose deeds are greater than his learning.

Midrash Rabbah

خداوند به اعمال تو بیشتر ارج میگذارد تا فضیلت اجدادت.

God prefers your deeds to your ancestors' virtues.

Genesis Rabbah

بهتر است میتصوائی بکنی تا اینکه برای خدا شمعی بیافروزی.

It is better to perform a Mitzwah than to light a candle before God.

Shemot Rabbah, 37:3.

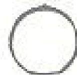
در ابتدا خداوند فقط یک بشر آفرید تا به ما بیاموزد که نابودی زندگی یک نفر به منزلهٔ ویران کردن تمام دنیاست و کتاب مقدس به ما یادآوری می‌کند که نجات دادن زندگی یک انسان برابر با نجات یک دنیاست.

In the beginning, God created only one person in order to teach us the lesson that if you destroy a single person it is as if you have destroyed the whole world. And, the Scripture reminds us, if you save the life of a single person, it is as if you have saved the whole world.

Mishneh Torah

ارزش کار خیر به ترتیب اهمیت:

آنکه به یک نادار پیش از آنکه وی درخواست کمک کند یاری دهد،
آنکه به یک بینوا پس از آنکه وی درخواست کمک کند یاری دهد،
آنکه با خوش بینی، ولی کمتر از آنچه، باید کمک کند،
آنکه با رنجیدگی خاطر و اکراه به دیگران مدد کند.



[Descending levels on giving charity:]
The person who gives to the poor before being asked.
The person who gives to the poor after being asked.
The person who gracefully gives less than he should.
The person who gives with resentment.
Maimonides

مراحل اخلاقی خیریه:
اینکه دهنده و گیرنده برای هم ناشناس باشند.
اینکه دهنده بداند که گیرنده کیست اما گیرنده، دهنده را نشناسد.
اینکه دهنده نداند که گیرنده کیست اما گیرنده، دهنده را بشناسد.

1083. [Descending ethical scale on giving charity:]
That the giver and the receiver are unknown to each other.
That the giver knows who is receiving, but the receiver does not know who is giving.
That the giver does not know who is receiving, but the receiver knows who is giving.
Maimonides

Hope امید

امید و آرزوی خود را تا آخرین دقایق زندگی از دست مده.

692. As long as a person breathes, he should not lose hope.
Talmud

تا زنده هستی امیدوار باش، تا زندگی وجود دارد، امید هست.

While there is life there is hope.
Y. Berakot, 9,1.

Man انسان

از اینرو در ابتدا فقط یک مرد آفریده شد که هیچ انسانی نتواند به دیگری بگوید که پدران من از نیاکان تو برتر بودند؛ برای اینکه با دانش به این نکته که همه انسانها از یک ریشه‌اند از ستیز خانواده‌ها، حمله انسانها به یکدیگر و دزدی جلوگیری شود.

A single man only was created in order to keep one man from saying to another: My forefather was greater than yours; to exclude pride of ancestry; to prevent families from quarreling, and men from assaulting and robbing one another, by virtue of the knowledge that they are all of one stock.
Mishnah Sanhedrin, 4, 5.

انسان با گریه و زاری وارد و از این دنیا خارج می‌شود. با عشق و جهل می‌آید و میرود.

Man enters and departs this life crying and weeping.
He comes and he leaves in love and ignorance.
Ecclesiastes

روزی اسکندر کبیر در سفری به سرزمینی دوردست، با پادشاه آن کشور ملاقاتی داشت. پادشاه که به کار داوری میان مردم مشغول بود، از میهمان خود دعوت نمود که در کنار وی بنشیند.
دو مرد در دادگاه حضور یافتند.
یکی از آنان گفت: «من خانه‌ای از این شخص خریده‌ام و در هنگام تعمیر خانه، در آن گنجینه‌ای یافتم. می‌خواهم این گنجینه را به او باز گردانم ولی او از پذیرفتن آن خودداری می‌کند.»
دیگری پاسخ داد: «من اطلاعی از وجود این گنجینه نداشتم و به من تعلق ندارد. از آنجایی که این خانه و زمین آن را به او فروخته‌ام، این گنجینه مال اوست.»
پادشاه پرسید: «آیا فرزند پسری داری؟»
و آنگاه از دیگری پرسید: «آیا فرزند دختری داری؟» هر دو شخص پاسخ مثبت دادند.
پادشاه گفت: «پس بگذارید این دختر و پسر با هم ازدواج کنند و گنجینه را بعنوان جهاز ازدواجشان با هم داشته باشند.»
اسکندر لبخندی زد و گفت: «درکشور ما قانون چنین است که هر آنچه کسی بیابد در اختیار پادشاه قرار می‌گیرد.»
پادشاه با شگفتی به او نگریسته و گفت: «آیا آفتاب به سرزمین شما میتابد؟» «آیا باران، حبوبات و میوه‌ها را رسیده و سرسبز می‌کند؟»
اسکندر گفت: «بلی»
پادشاه پرسید: «آیا در سرزمین شما حیوانات وجود دارند؟»
اسکندر گفت: «بلی»
پادشاه گفت: «پس مطمئناً آفتاب و باران بخاطر حیوانات بیگناه به سرزمین شما می‌آیند و نه بخاطر اشخاص ناعادل. ولی در سرزمین ما، درخشش خورشید و ریزش باران بخاطر انسانهاست و حیوانات بخاطر ما خوراکشان را دریافت می‌کنند.

Once the great Alexander visited a king in an outlying corner of the world. The king acted as a magistrate and invited his guest to sit beside him. Two men came before the court. One said: "I have bought a house from this man, and while repairing it, a treasure was found. I offered to return it to him, but he refuses to accept it."
The other said: "I knew nothing of the treasure, and it does not belong to me. Since I sold him the house and the lot, the treasure is his property."
The king said: "Have you a son?" and to the other: "Have you a daughter?" "Yes," was the answer from each. "Then," continued the king, "let them marry and keep the treasure as their dowry."
Alexander smiled, and remarked: "In our country the law is that the king takes unto himself whatever is found."
His host looked at him in astonishment, and replied: "Does the sun shine in your land? Does the rain ripen grain and fruits?"
"Yes," responded Alexander
"Are there beasts in your land," the king inquired.
"Yes," answered Alexander.

"Then surely, the sun and rain come to your land for the sake of the innocent beasts; not for the sake of unjust men. In our land, however, the sun shines and the rain descends for the sake of men, and the beasts receive their food for our sake."

Introd. to Tanhuma Buber, 152.

مهم این نیست که چگونه باید در کنار قبر و سرداب‌های زیرزمینی دعا بخوانیم، بلکه بتوانیم در آسمانخراشها انسان بودن خود را حفظ نماییم.

Our concern is not how to worship in catacombs but how to remain human in skycrapers.

Abraham Joshua Heschel

کمال توراه است که ما را به سوی کمال انسانی رهبری می‌کند. توراه انسانی را نشانه می‌کند که پیرو اعتدال باشد، پیرو قوانین طبیعت بوده و در خوردن، نوشیدن و لذت بردن از روابط جنسی اخلاقی، جانب اعتدال را گرفته و در جمع بشر با راستی و درستی زندگی کند، ولی در بیابان دورافتاده یا قلّهٔ کوه زندگی نکند یا لباسهای ناراحت به تن نکند و به هیچ عنوان به بدن خود صدمه نزند.

The perfection of Torah leads us to perfection. . .it aims at a person following a path of moderation, following the laws of Nature, eating, drinking, enjoying moral sexual intercourse, all with moderation, and residing among people honestly and righteously, but not living in distant wildernesses or on mountain peaks, or dressing ourselves in uncomfortable clothes, or in any way afflicting the body.

Maimonides

من به جنبهٔ تراژیک تاریخ معتقدم. به تراژدی انسانی که سخت کار می‌کند و هرگز آنچه راکه می طلبد بدست نمی‌آورد. و آنگاه تراژدی تلخ‌تر در انسانی که عاقبت آنچه را که می‌طلبد بدست می‌آورد و می‌فهمد که آن را نمی‌خواهد.

I believe in the tragic element of history. I believe there is the tragedy of a man who works very hard and never gets what he wants. And then I believe there is even the more bitter tragedy of a man who finally gets what he wants and finds that he doesn't want it.

Henry Kissinger

نکوش که آدم موفقی بشوی، بلکه بکوش که انسان با ارزشی بشوی.

Try not to become a man of success, but rather try to become a man of value.

Albert Einstein

برای نجات زندگی یک انسان، نباید زندگی انسان دیگری را قربانی کرد.

The life of one man may not be sacrificed to save the life of another man.

نکته مهم آنست که هرگز از پرسیدن نایستیم. کنجکاوی هم بدون دلیل آفریده نشده. انسان وقتی درباره اسرار احدیت، زندگی و واقعیت فکر می‌کند، مبهوت می‌ماند. کافیست که انسان فقط کمی از این امر را بفهمد و هرگز از کنجکاوی خودش دست برندارد.

The important thing is not to stop questioning. Curiosity has its own reason for existing. One cannot help but be in awe when he contemplates the mysteries of eternity, of life, of the marvelous structure of reality. It is enough if one tries merely to comprehend a little of this mystery every day. Never lose a holy curiosity.
Albert Einstein

توقع فروتنی در برابر ابعاد نجومی فقط بخاطر بزرگی آن ابعاد، چیزی بیش از نوعی «خودپسندی علمی» نیست...مهم و شگفت انگیز روان انسان است.

To expect us to feel "humble" in the presence of astronomical dimensions merely because they are big, is a kind of cosmic snobbery.
. . . What is significant is mind.
Viscount Herbert Samuel

انسان را میتوان به حیوانی توصیف نمود که میتواند بگوید «من».

Man can be defined as the animal that can say 'I.'
Erich Fromm

انسان هر چه بزرگتر و قویتر شود متمایل‌تر و مستعدتر به دیوخویی است.

The greater the man, the greater his evil inclination.
Talmud

اگر خداوند به آدم نیاز نداشت انسان چگونه زندگی می‌کرد؟

How would man exist if God did not need him...?
Martin Buber

من همیشه در تلاشم که رفتار انسانها را نه مسخره کنم، نه برایشان سوگواری کنم و یا به آنها اهانت کنم، بلکه فقط آنها را درک کنم.

I have made an unending effort not to ridicule, not to bewail, not to scorn human actions, but to understand them.
Baruch Spinoza

در گذشته خطر برده شده انسان را تهدید میکرد و در آینده خطر آدم ماشینی شدن.

The danger in the past was that men became slaves. The danger of the future is that men may become robots.
Erich Fromm

Humanity انسانیت

همه چیز بستگی به این دارد که چگونه انسانی هستید.

Everything depends upon the sort of person a man is.
Kelim, 17, 11.

به خدمتکاران خودت توهین و در تشویق آنها کوتاهی مکن. چرا که بدترین خصلت به چشم نداشتن کار دیگران است. با حیوانات مهربان باش چون سوارانی که مرکب خود را تازیانه می‌زنند، مجازات خواهند شد.

Never insult your servants and do not stint in praising them, for the worst quality is ingratitude. Do not be ungrateful to animals, for riders who stick their spurs into horses will be punished.
Judah ben Samuel

انسانیت بالاترین درجه نامعقولی است. بنابراین نمیتوان با بحث‌های نامعقول آن را تحت تأثیر قرار داد.

. . . Humanity is in the highest degree irrational, so that there is no prospect of influencing it by reasonable arguments.
Sigmund Freud

Faith ایمان

آنکه در کنیسا با اطرافیان حرف می‌زند جایی در آنجا نداشته و ایمان کافی ندارد و مکانی در حضور خدای اسرائیل. او ثابت می‌کند که خدایی ندارد.

Woe to him who converses in the synagogue; he shows us that he does not belong there; he diminishes the faith; he has no share in the God of Israel; he proves that he has no God.
Zohar, i, 256a.

در جنگ با پلیدی فقط ایمان است که اهمیت دارد.

In the struggle with evil, only faith matters.
Baal Shem Tov

کتاب مقدس نوشته‌ای است خارق‌العاده، نمودار بسیاری از اصول و حرفهایی است که اعتبار خود را در طی هزاران سال حفظ کرده‌اند و به ما دیدگاهی از ایمان را ارائه میکند که هنوز با اعتبار در انتظار ظهور است.

The bible is an extraordinary book, expressing many norms and principles that have maintained their validity throughout thousands of years. It proclaimed a vision of faith for men that is still valid and awaiting realization.

Erich Fromm

خداوند به موسی گفت: «ایمانی که فرزندان اسرائیل در اجرای فرمان رفتن به دریای سرخ نشان دادند برای من دلیل کافی است که دریا را برای آنها به دو بخش کنم».

God said to Moses: "The faith shown by the Children of Israel in obeying the command to march forward into the Red Sea is sufficient reason for Me to divide the sea for them."

Mekilta Beshallah, 3.

آنکه حقیقتاً ایمان دارد تا اندازه زیادی از برخی اختلالات روانی مصون است، با پذیرش اختلالات جهانی از اختلال عصبی شخصی مصون میماند.

The true believer is in a high degree protected against the danger of certain neurotic afflictions; by accepting the universal neurosis he is spared the task of forming a personal neurosis.

Sigmund Freud

من با ایمان کامل معتقدم آفریننده به کسانی که فرامین او را پاس می‌دارند پاداش میدهد و آنان راکه از فرامین او سرپیچی میکنند مجازات میکند.

I believe with perfect faith that the Creator rewards those who keep His commandments and punishes those who transgress them.

Maimonides

آدمی، از طریق ایمان، معنای دنیا را تجربه میکند و از راه عمل به دنیا معنی می‌بخشد.

Through faith humankind experiences the meaning of the world; through action we give the world meaning.

Leo Baeck

ایمان (تحلیل) شدنی نیست. آنجاکه پرسش از حقیقت ابدی پیش می‌آید، صحبت از اطاعت و اعتقاد نیست، صحبت از «فهمیدن» و «دانستن» است.

Faith is not commanded. Where the question is of eternal truth, there is nothing said of believing but understanding and knowing.

Moses Mendelssohn

هر جاکه روی من روم، هر جا سکنی گزینی، من گزینم. قوم تو مردمان من هستند و خدای تو خدای من.

. . . Whither thou goest, I will go; and where thou lodgest, I will lodge; thy people shall be my people, and thy God, my God.

Ruth 1:16-17

در ایمان سئوال جایز نیست، و بدون دین پاسخی وجود ندارد.

With faith, there are no questions, and without faith there are no answers.

"The Chofetz Chaim"

به خورشید حتی آندم که نتابد ایمان دارم، به عشق حتی هنگامیکه آنرا احساس نکنم ایمان دارم، به خداوند حتی اگر خاموش بماند ایمان دارم.

I believe in the sun even when it is not shining.
I believe in love even when not feeling it. I believe in God even when He is silent.

Scratched on cellar walls by anonymous people hiding from Nazis

مصائب بشری بزرگتر از آنند که آدمیان بتوانند بدون ایمان با آنها روبرو شوند.

Human misery is too great for men to deal with without faith.

Heinrich Heine

کاغذ می‌سوزد ولی سخنان پرواز میکنند.

The paper burns, but the words fly away.

Rabbi Akiba

باران Rain

چه هنگام یهودیان و غیر یهودیان، با یکدیگر فریاد شادی سر می‌دهند؟ هنگامی که باران می‌آید.

When do Jews and Gentiles rejoice together? When it rains.

Talmud

باران از رستاخیز مهم‌تر است، چراکه رستاخیز فقط شامل نیکوکاران خواهد شد، امّا باران به همهٔ آفریدگان زندگی می‌بخشد.

Rain is greater than the resurrection since that is only for the righteous. Rain is for everyone.

Talmud

بخشش Forgiveness

آنکه از درگاهِ الهی طلب بخشش دیگران را می‌نماید، هنگامی که خودش نیازمند است، زودتر مورد بخشش قرار می‌گیرد.

He who asks mercy for another, while he himself is in need, will be answered first.

Talmud

هر آن چه بین تو و خداوند هست در روز کیپور بخشیده می‌شود. آن چه بین تو و همنوع تو باشد، تا هنگامی که او تو را نبخشد، بخشیده نمی‌شود.

Things between thee and God are forgiven on Yom Kippur. Things between thee and thy fellow-man are not forgiven thee, until he has forgiven thee.

Sifra to Ahare.

بخشش تبه کار بی رحمی است.

The mercy of the wicked is cruel.

Proverbs

بدخواهی Malice

کسی که چاله‌ای میکند خود در آن میافتد و کسی که سنگی می‌پراند به خودش بر می‌گردد.

Whoever digs a pit will fall into it. He who rolls a stone, it will come back upon him.

Proverbs

کسانی که باد میکارند، گردباد درو میکنند.

Those who sow the wind will reap the whirlwind.

Hosea

مردم می‌گویند: «سازنده پیکان اغلب خود بوسیله یکی از تیرهایش کشته خواهد شد».

People say: "The maker of arrows is often slain by the very weapons he fashions."

Pesahim, 28.

دزدیدن افکار دیگران بزرگترین دزدی است.

Stealing a man's thought (deception) is the worst form of theft.

Tos. Baba Kamma, 7, 8.

شخصی که تیر کمان می‌سازد به احتمال قوی با یکی از آنها کشته می‌شود.

A man who makes arrows is often slain by one of them.
Talmud

Planning برنامه‌ریزی

فرصت از آن کسی است که آمادهٔ دریافت آن باشد.

Opportunity falls into the hands of him who is receptive towards it.
Yalkut to Shemot, 168.

شخص نباید همه پولش را در یک گوشه بگذارد.

A man should not place all his money in one corner.
Bereshit Rabbah, 76:3.

هر برنامه‌ای که عجولانه ریخته شود احمقانه است.

Any plan formulated in a hurry is foolish.
Rashi

اگر نمیدانی به کدام مقصد میروی، هر جاده‌ای تو را به مقصد خواهد رساند.

If you don't know where you are going, then any road will take you there.
Talmud

Greatness بزرگی

احترام و افتخار از کسیکه شایستگی‌اش را نداشته باشد دوری میجوید.

Honor departs when it is sought by the undeserving.
Midrash Tehillim, 16.

بزرگی به سراغ کسی میرود که دنبال مقام و منزلت نمی‌رود.

Greatness seeks out the man who runs away from greatness.
Erubin, 13.

به هنگام منازعه میان دو نفر، آن که نخست تسلیم می‌شود، شخصیت اصیل‌تری را از خود نشان می‌دهد.

When two men quarrel, the one who yields first displays the nobler character.
Talmud

بشریت Humanism

چه کسی مورد احترام قرار می‌گیرد؟ او که خود به بشریت احترام می‌گذارد.

Who is honored? He who honors mankind.
Ben Zoma, Pirke Avot

ایمان بشر اعتقاد به خداوند و در نتیجه به بشریت است و نه بر هیچ آئین بخصوصی.

Man's creed is that he believes in God and therefore in mankind, but not that he believes in a creed.
Leo Baeck

اهل منطق برای خود همان چیزی را آرزو می‌کنند که برای تمام بشریت آرزو می‌کنند.

Men who are ruled by reason desire nothing for themselves which they would not wish for all mankind.
Baruch Spinoza

افکار من باغ بهشت را در قلب من شکل میدهند.

My thoughts form an Eden in my heart.
Judah Halevi

باغ بهشت را مرزی نیست.

(The Garden of) Eden has no limit.
Talmud

بهداشت Health

میز غذای خود را در مقابل خدایت تجسم کن - غذایت را خوب بجو و عجله نکن.

Regard thy table as the table before the Lord. Chew well, and hurry not.
Zohar, iv, 246a.

انسان قبل از نشستن بر سر سفرهٔ غذا، باید از بیرون و درون پاکیزه باشد. این کار برای سلامتی او و بدنش لازم است.

A man should be clean within and without before going to his table to eat; this is appropriate for a man; it is healthful and it builds up his body.
Zohar, ii, 154a.

انسان نباید از یک لیوان بنوشد سپس همان را به دیگری بدهد. اما یکبار شخصی اینکار را نسبت به تشنه‌ای که از او درخواست آب کرده بود، انجام داد. تشنه از نوشیدن خودداری کرده و درگذشت.

One shall not drink from a glass, and then give it to another. But once a man did so, when a thirsty person asked him for a drink. The thirsty man declined it and he died from thirst.
Derek Eretz Rabbah, 8.

در تشویش بودن برای واقعه‌ای که هنوز به وقوع نپیوسته است، بیماری خطیر و وخیمی میباشد.

It is a serious disease to worry over what has not occurred.
Solomon ibn Gabirol

هر سرباز باید توجه منحصر به فردی را که (در اسرائیل باستان) به قواعد پاکیزگی معطوف می‌شد، مورد تقدیر قرار دهد.

A soldier must admire the singular attention that was paid to the rules of cleanliness (in ancient Israel).
George Washington

اگر بعد از غذا چهار ذرع راه نروی، غذایت هضم نخواهد شد.

If you don't walk four cubits after a meal, you won't digest your food.
Talmud

پاکیزگی شخصی، اساس پاکی روحی بوده و راه رسیدن به درگاه الهی است.

Personal cleanliness is the foundation of spiritual purity; it is the path by which one attains to the Kingdom of Heaven.
Abodah Zorah, 20b.

پایان کار Conclusion

یک ضرب‌المثل کهن می‌گوید: «بسیای از خران باری از پوست کره خرها را حمل میکنند».
هنگامی که مُشه و هارون طوایف یهودی را به سوی صحرا هدایت میکردند، پسران جاه‌طلب هارون، ناداب و ابیهو، به یکدیگر گفتند: «وقتی که پیشوایان پیر درگذشتند، ما رهبری را به دست خواهیم گرفت.»
ولیکن خداوند فرمود: «خواهیم دید که اول چه کسی دیگری را به خاک خواهد سپرد».
(این دو پسر قبل از هارون و مُشه درگذشتند. م.).



اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس
اورنج کانتی - سان دیاگو



محفل و شبهای پر خاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید. بهادر کیترینگ پرسابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرایی کند



سیستم گلات کاشر کیترینگ بهادر
زیر نظر مستقیم ربای
Rabbi Yehuda Bukspan
می باشد

تلفن: ۷۱۳۵ - ۶۰۹ (۸۱۸)

18750 Oxnard St., #412, Tarzana, CA 91356

Father پدر

خوشبخت فرزندی که بتواند جای خالی پدر خود را پر کند.

Happy is the son who can fill the place made vacant by his father.

Pesikta Zutarta, Bereshit, 28.

همانگونه که پدران ما برای ما کاشتند ما هم برای فرزندان خود می‌کاریم.

As my fathers planted for me, so do I plant for my children.

Tanhuma, Tetzaweh.

آنکه کودکی را پرورش میدهد شایسته آنستکه پدر خواند شود نه آن کسیکه موجب بوجود آمدن او شده است.

He who brings up the child is to be called its father, not he who gave him birth.

Shemot Rabbah, 46, 5.

یک پدر نباید نسبت به دخترش خساست روا دارد.

A father should not be miserly towards his daughter.

Y. Ketubot, 4, 12.

An ancient saying goes: "Many an old ass carries a load of hides from young foals."
As Moses and Aaron led the tribes of Israel into the desert, Aaron's two ambitious sons, Nadab and Abihu, said to each other: "When the old leaders pass away, we shall take control of the leadership."
But God said, "Let us first see who buries whom."

Talmud

مردم میگویند: «آن خوش است که پایان خوشی داشته باشد».

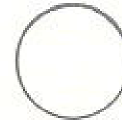
People say: "All is well that ends well."

Pesikta Zutarta, Bereshit, 47, 28.

انسان با دستان بسته به دنیا می‌آید. به این معنی که «دنیا مال من است» و با دستان باز این دنیا می‌رود یعنی که «بنگرید، چیزی با خود نبردم».

Man enters the world with closed hands, as if to say: "The world is mine." He leaves it with open hands, as if to say: "Behold, I take nothing with me."

Ibid.





ص ۲

«اطلاعیه»

انتخابات هیئت مدیره سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)

سازمان سیامک بدین وسیله برگزاری انتخابات برای دوره جدید هیئت مدیره را به اطلاع عموم میرساند. لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

۱ - علاقمندان میتوانند با ارسال نامه‌ای که حداکثر نصف صفحه باشد نامزدی خود را اعلام نمایند. در این نامه که میتواند به فارسی و یا انگلیسی باشد با ذکر نام و نشانی، مطالبی راجع به اهداف، نظریات و تجربیات فعالیتهای اجتماعی مطرح نمائید.

شرط انتخاب شدن عضویت در سازمان میباشد. شما میتوانید با تکمیل پرسشنامه و پرداخت وجه لازم به عضویت سازمان درآئید. کسانی که در عرض سال گذشته هر گونه کمک مالی به سازمان کرده‌اند از پرداخت حق عضویت مبری هستند. اطلاعات مربوط به داوطلبین بعد از این مهلت از طریق فهرست اسامی چند هزار نفری سازمان به اطلاع عموم و همچنین اعضای سازمان خواهد رسید.

۲ - انتخابات در ماه سپتامبر برگزار خواهد شد. شرط رای دادن عضویت در سازمان است و شمارش آراء از طریق حسابدار قسم خورده و مستقل (CPA) خواهد بود.

همکیشان عزیز: سازمان سیامک به گواه صاحب نظران و بخش عظیمی از افراد جامعه از فعالترین و مؤثرترین تشکیلات این جامعه میباشد. شاید که مهمترین عامل برای این تحرک و تأثیر این باشد که درهای سازمان همواره برای دریافت عقاید متفاوت و جدید باز بوده و امکان فعالیت برای هر کسی که خواستار آن بوده داده شده.

نقطه نظر سازمان این است که کار اجتماعی در انحصار طبقه خاصی از جامعه نیست و نباید باشد. مشکلات و مسائل فراوانی است که حل آنها احتیاج به همکاری و مساعدت همگی افراد جامعه را دارد. با شرکت فعالانه در این انتخابات قدم اول را برای مبارزه با این مشکلات و تضمین آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندان خود برداشته‌اید.

مرامنامه سازمان سیامک به شرح زیر می‌باشد:

۱ - روشن نمودن عقاید عمومی به مسائل مربوط به یهودیت.
۲ - مخالفت با تعصبات نژادی و حمایت از حقوق بشر.
۳ - اشاعه فرهنگ - علائق و پیشرفتهای یهودیان در سراسر دنیا.
۴ - کمک به هدفهای انسانی و همکاری با سازمانهای فرهنگی - اجتماعی برای بهبود وضع بشریت.
۵ - آشنا نمودن یهودیان مهاجر از ایران به مسائل و نقش آمریکا و همکاری سازنده و فعال در آنها.
۶ - نگاهداری سنت‌های خوب و ارزنده فرهنگ ایرانی - دور نگاهداشتن مسائل خانمان برانداز فرهنگ نو و گذشته - تلفیق ارزشهای خوب فرهنگ یهودی - ایرانی - آمریکایی برای سازندگی نسلی سازنده با فرهنگی انساندوستانه.
۷ - روشن نمودن صیونیزم (بمثابه عشق و امید به سرزمین صیون و بازسازی آن) و نگاهداری میراث‌های با ارزش یهودی برای نسل جوان یهودی آمریکایی، که پیشینه ایرانی دارند.
۸ - همکاری سازنده و دائمی برای تلفیق غیر قابل اجتناب نسل نو با سازمانهای یهودی آمریکایی موجود.
۹ - شناخت ترتیب و گسترش تفاهم و رابطه بهترین علائق مشترک کشورهای آمریکا - اسرائیل و ایران.
۱۰ - وجود سازمان کاتالیزری است برای ایجاد رابطه بهتر بین نسل نو و نسل قدیم.

مردی که دختر و پسر نداشته باشد کامل نیست.

A man is not a complete man if he has no son and daughter.

Raia Mehemna, iii, 34a.

پدران غالباً برای شایستگی پسران خویش مورد احترام قرار می‌گیرند.

Fathers are often respected because of the merit of their sons.

Tanhuma Wayyikra, 5.

شایستگی پدر نفعی برای پسر ندارد.

The merits of the father do not benefit the son.

Sanhedrin, 104.

چنانچه همسر مردی درگذشته و فرزندان بزرگی از خود بجای گذارده باشد، مرد باید تا زمانی که فرزندانش ازدواج نکرده‌اند، از ازدواج دوباره خودداری کند. این را از ابراهیم می‌آموزیم که نخست ایزک را داماد کرد و پس از آن خود با کتورا ازدواج نمود.

If a man's wife has died and she has left him grown-up children, he should not take another wife before he has married off his children. We learn this from Abraham, who first married off Isaac and after that wedded Keturah.

Bereshit Rabbah, 60.

میان پسران خود تفاوتی قایل نشو و با همهٔ آنان رفتاری یکسان داشته باش.

Show no partiality among your sons. Treat all of them alike.

Shabbat, 10.

پسرم تربیت پدرت را آویزهٔ گوش کن و به دستورات مادرت بی اعتنایی مکن.

My son, heed the discipline of your father, and do not forsake the instruction of your mother.

Proverbs

تنها زمانی که پسر باید از فرمان پدر سرپیچی کند زمانی است که پدر از او بخواهد گناه بکند.

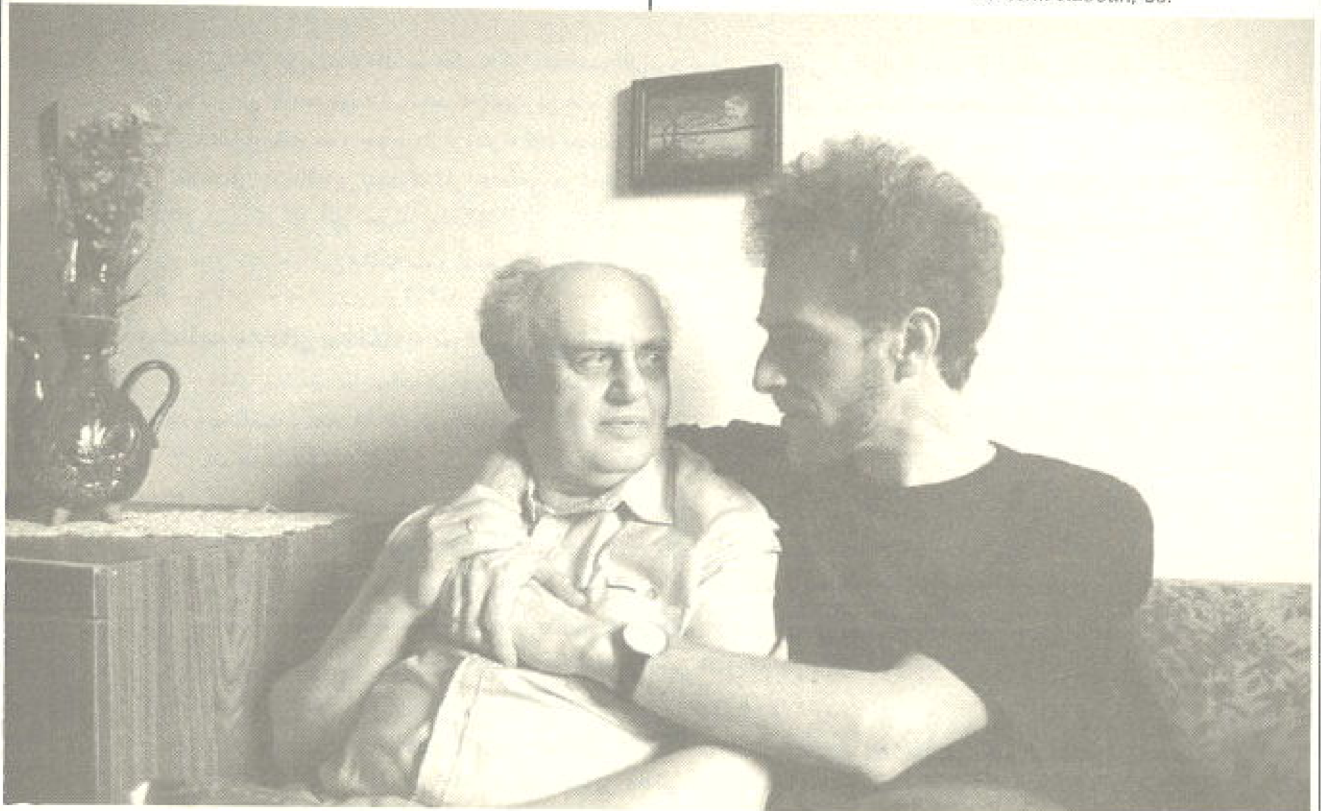
The only time a son should disobey his father is if the father orders him to commit a sin.

Talmud

آنکه فرزندی را پرورش میدهد پدر خوانده میشود نه آن مردی که فقط موجب به دنیا آمدن او شده است.

He who raises a child is to be called father, not the man who only gave it birth.

Exodus Rabbah



پدر فرزندان خود را دوست دارد اما آنها هم فرزندان خود را دوست دارند.

A father loves his children, but they love their children.
Talmud

هنگامیکه پدری گلایه میکند که پسرش راه نادرست را گزیده است، چه باید بکند؟ باید او را بیشتر از همیشه دوست بدارد.

When a father laments that his son has taken to evil ways, what should he do? Love him more than ever.
Baat Shem Tov

شوق داشتن پدر چیزی است که از کودکی در نهاد هر کودک خردسالی نهاده شده است.

. . . It is the longing for the father that lives in each of us from his childhood days.
Sigmund Freud

Physician پزشک

طبیبی که پول نمی‌گیرد ارزش پول گرفتن ندارد.

A physician who takes no fee is worth no fee.
Baba Kamma, 85.

غالباً به پزشکی که خود بیمار است گفته میشود: «نخست خود را مداوا کن و سپس دیگران را».

A physician who is himself unwell is usually told: "Cure thyself, and then cure others."
Midrash Aggadat Bereshit, 4, 25.

اگر پزشکی قادر نیست دارویی برای درمان جسمی بیمارش بدهد، باید موجب گردد تا دارویی برای روح آن بیمار فراهم آید.

If a physician cannot give his patient medicine for his body, he should bring it about that medicine be given him for his soul.
Zohar, I, 229b.

آنچه شیرین است برای زخم مضر است.

Things that are sweet are harmful to a wound.
Baba Kamma, 85.

مثلی می‌گوید: دری که بر کار خیر بسته است به دکتر و دوا باز است.

The proverb says: "The door that is closed to a Mitzwah is open to a physician."
Shir ha-Shirim Rabbah, 6, 1.

به خوردن دارو عادت مکن و بکوش از خوردن دارو، حتی بهنگام بیماری، پرهیز کنی.

Acquire not the habit of drugs, and avoid taking medicine if possible even when you are ill.
Pesahim, 113.

پزشکی که در دوردست است یک چشمش کور است. (بدین معنی که پزشک آشنای خانواده بیماری شما را بهتر درک می‌کند).

A physician from a far has a blind eye (namely, the family doctor understands your case better).
Baba Kamma, 85.

Wealth پول و ثروت

در فراوانی، قحطی و در رفاه فقر را فراموش مکن.

Remember famine in a time of plenty, and poverty and want in a season of prosperity.
Wisdom of Sirach

معمولاً آدمی سعی می‌کند که چیزی برای خود بسازد، حال آن که بهتر می‌بود کوشش کند که چیزی از خود بسازد.

Man is usually trying to make something for himself rather than something of himself.
Jascha Heifetz

فریب این باور را نخورید که ثروتمند بودن یک مرد دالّ بر هوش او است. شواهد فراوانی وجود دارند که خلاف این امر را ثابت می‌کنند.

Do not be fooled into believing that because a man is rich he is necessarily smart. There is ample proof to the contrary.
Julius Rosenwald

به هنگام فراوانی و برکت، شاد باشید، و به هنگام سختی، به یاد داشته باشید که هر دوی این دوره‌ها را خداوند آفریده است.

When you are experiencing prosperity be happy, and when things are going against you remember: God created both of these times.
Ecclesiastes 7:14

مُشه بر آن نبود که مفهوم مالکیّت خصوصی را از میان ببرد. برعکس، مُشه می‌خواست که هر کس دارایی و مِلکی از آن خود داشته باشد، تاکسی چنان فقیر نباشد که زندگی خود را به عنوان کارگر مزدور و در چهارچوبی برده‌وار سپری کند. آزادی، اصل حاکم بر افکار مُشه بود.

Rabbi Eliezer ben Hyrcanus said: "He who teaches his daughter Torah is as if he taught her frivolity."
Ben Azzai, however, said: "A man is bound to teach his daughter Torah."

M. Sotah, 3:4.

آنکه به نوه‌اش می‌آموزد مانند اینست که از کوه سینای آموزش دریافت کرده است.

He who teaches his grandson is as if he had received his teaching from Mount Sinai.

Kiddushin, 30.

آنچه را که کودکی در خیابان میگوید همانی است که پدر و مادرش در خانه بزبان می‌آورند.

What a child says on the street, the parents say at home.

Talmud

کودک را به راهی که باید بپیماید رهنمون شو، و هنگامیکه پیر شد از آن راه منحرف نخواهد شد.

Train a child in the way he should go, and when he is old he will not depart from it.

Proverbs

اگر کسی به فرزند خود حرفه‌ای نیاموزد مثل آن است که به او دزدی یاد داده است.

Whoever does not teach his son a trade, teaches him robbery.

Tosefta (Kiddushin)

بالاترین عزتی که به فرزندانم میتوانم بدهم عشق به قوم و وفاداری به خود است.

The greatest esteem I can give my children is love for our people, loyalty to self.

Theodor Herzl

دختر همچون مادرش خواهد بود.

Like the mother, so is the daughter.

Ezekiel

کسی که بچه یتیمی را بزرگ کند مانند آن است که او، آن فرزند را به این جهان آورده است.

Whoever rears an orphan, it is as though he has brought him into the world.

Talmud

ما نباید به کودک بگوئیم: «چیزی به تو خواهم داد» و بعد تصمیم خود را عوض کنیم، زیرا اینکار به کودک می‌آموزد که دروغ بگوید.

We should not say to a child: I will give you something, and later change our mind. For this teaches the child to lie.

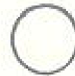
Sukkah, 46.

کودکان به حضور الهی راه دارند.

Children receive the presence of the Shekinah.

Kallah Rabbati, Baraita, 8.

آنکه کودک را از دانش دین محروم دارد مانند آنستکه ارثیه او را دزدیده باشد.



Moses did not desire to abolish the notion of private property. Instead, Moses wanted everybody to own some property, so no person would be so poor so as to spend his life as a serf with the mindset of enslavement.
Freedom was the prevailing principle in Moses's thoughts.
Heinrich Heine

بهتر آن است که انسان، ثروتمند زندگی کند، تا آن که ثروتمند بمیرد.

It's better to live rich than to die rich.
Ernst Lubitsch

هیلل می‌گوید «هر چه ثروت بیش، اضطراب بیشتر. هر چه زن بیشتر، خرافات بیشتر، هر چه برده بیشتر، دزدی بیشتر.

Hillel said: "The more property, the more anxiety; the more wives, the more superstition; the more slaves, the more robbery."
Abot, 2, 7.

نقره (پول) حرامزاده‌ها را پاکیزه می‌کند.

Silver purifies the bastards.
Kiddushin, 71.

با ثروت خود به میتصوا کردن و صدقه دادن بپرداز مبادا آنگاه که مال نداری در انجام آن ناتوان باشی.

Perform charity and Mitzwot with thy wealth, lest thou fail to do them when thou art without wealth.
Tanhuma Buber Reeh, 12.

ثروتمندترین اشخاص آنهایی هستند که از دارایی خود راضی‌اند.

Who is rich? He who rejoices in his lot.
Ethics of the Fathers

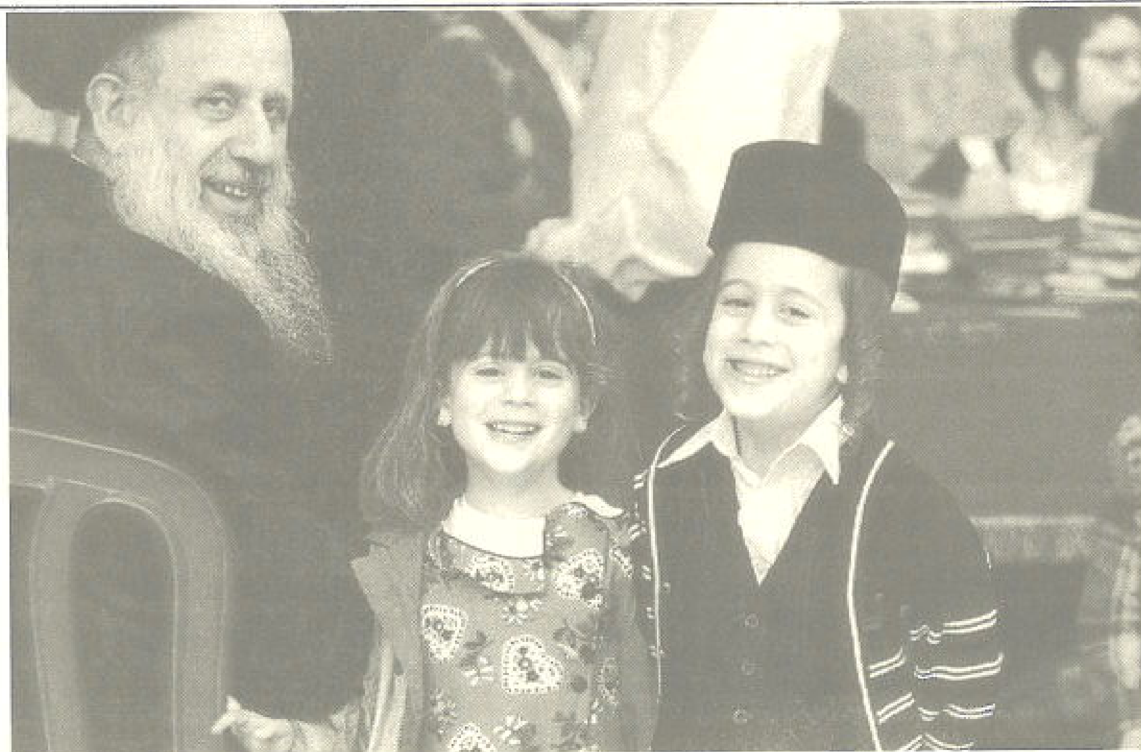
دارا و ندار را نمیتوانید با یکدیگر مقایسه کنید.

You cannot compare the man who has bread with the man who has not.
Talmud

چه کسی واقعاً ثروتمند است؟ آنکه از سهم خود راضی باشد.
Who is truly rich? He who is happy in his portion.
Abot, 4, 1.

Parenting تربیت فرزند

ربی الیعزر بن هرکانوس می‌فرماید: کسیکه به دخترش تورا یاد بدهد مانند آنستکه به او درس سبکسری و هرزگی آموخته باشد. ولی بن ازای میگوید: هر مردی موظف است که به دخترش تورا بیآموزد.



He who denies a child religious knowledge robs him of his inheritance.

Sandedrin, 91b.

کودک را تهدید مکن: یا او را تنبیه کن و یا او را ببخش.

Don't threaten a child: Either punish him or forgive him.

Talmud

پدری که زود عصبانی می‌شود فرزندش را احمق بار می‌آورد.

A father who quickly loses his temper teaches his sons to be fools.

Nachman of Bratshav

هرگز نباید به کودکی قولی داد و آنرا عمل نکرد زیرا از این راه کودک می‌آموزد که چگونه دروغ بگوید.

A person should not promise to give a child something and then not give it, because in that way the child learns to lie.

Talmud

کودکی که در فراگیری قوی است را باید همچون بزرگان مورد ستایش قرار داد.

. . . If a child has great learning we must honor the child as if he were an elder.

Zohar

و یک کودک آنها را رهبری خواهد کرد.

And a little child shall lead them.

Isaiah 11:6

اگر شاخه جوان یک درخت مو را خم نکنی، هنگامیکه به شاخه‌ای محکم تبدیل شد نخواهی توانست آنرا خم کنی.

If you do not bend the twig of a vine when it is young, you cannot bend it when it hardens.

Midrash Mishle, 22.

دنیا بر نفس کودکان در آموزشگاه استوار است.

The world itself rests upon the breath of the children in the schoolhouse.

Shabbat, 119b.

تشویق دیگران به کار نیک

Persuading Others To Do Good Deeds

آنکه برادر خود را به انجام کار نیک تشویق میکند مانند آنست که خود کار نیکو کرده باشد.

He who persuade his brother to perform a good deed is as if he had performed it.

Sanhedrin, 99.

آنکه دیگری را به انجام کار نیک وا می‌دارد بزرگتر از آن کسی است که خود کار خیر انجام میدهد.

Greater is one who prompts a man to do good than one who does it.

Baba Batra, 9.

تشویق دیگران به اعانه دادن دشوارتر از آنست که شخص خود ببخشد، و پاداش آن نیز به همان نسبت بیشتر است. «آنانکه افراد بسیاری را به درستکاری رهنمون میشوند (همچون ستارگان) تا ابد خواهند درخشید».

It is more difficult to prompt others to give than to give oneself, and the reward is correspondingly great. "They that turn the many to righteousness (shall shine) as the stars for ever and ever." (Dan. 12:3)

Baba Batra, 8b.

Repentance توبه

مقام آنکه نزد وجدان خود شرمنده باشد بالاتر از کسی است که دیگران (او را بخاطر کار خطایش) شرمسار سازند.

He who is shamed by his own conscience is greater than the one who is shamed by others.

Taanit, 15.

پشیمانی عمر انسان را طولانی‌تر می‌کند.

Repentance prolongs a man's life.

Talmud

Torah تورا

نه شمشیر در کنار توراه جایی دارد و نه توراه در کنار شمشیر.

If the Bible, then no sword. If the sword, then no Bible.

Talmud

تورا مشابه یک زن خوب است.

The Torah is likened unto a good woman.

Yebamot, 63.

تورا با محبت شروع میشود و با محبت خاتمه می‌یابد.

The Torah commences with kindness and ends with kindness.

Sotah, 14.

تورات همچون دو جاده است، یکی آتش و دیگری یخ. بهتر آن است که همیشه در وسط راه برویم.

The Torah is like two paths, one of fire and one of ice. It is best to walk in the middle course.

Y. Hagigah, 2, 1.

The more Torah, the more life. The more study, the more wisdom. The more counsel, the more discernment. The more charity, the more peace.

Hillel

همانند باران، **تورا** نیز از برکت خود هم گل و گیاه مفید می‌شکوفاند و هم خاربوته‌های سمی می‌پروراند.

Like rain, the Torah nourishes useful plants and poisonous weeds.

Vilna Gaon

برای تفسیر شایسته‌ی **تورا** باید به خاطر داشته باشیم که: کل آن سترگ‌تر از مجموعه‌ی قطعات آنست.

To interpret the Torah properly we must remember that the whole of it is more than the sum of its parts.

Mordechai Kaplan

عصاره «**تورا**» در خلاقیت خردمندانه آن است.

The essence of the Torah is intellectual creativity.

Joseph B. Soloveitchik

سیمخا توراه به معنی «لذت از تورا» است، و ان بدین معنی است که فقط کافی نیست که یک یهودی لذت را در **تورا** بیابد، بلکه **تورا** نیز میباید لذت را در فرد یهودی کشف کند.

Simchat Torah means "the Torah's joy," and implies that it is not sufficient for a Jew to discover joy in the Torah, but the Torah should also discover joy in the Jew.

Joseph B. Soloveitchik

فقط کتاب مقدس و مطالعه آن بود که قوم سرگردان را در هر کجا به یکدیگر ربط داد.

It was the Holy Book, and the study of it, which kept the scattered people together.

Sigmund Freud

غزل غزل‌ها خرد و دانایی است. کتاب عابدان فهم و درک است و کتاب امثال، دانایی و بصیرت است.

The Song of Songs is Wisdom, the Book of Ecclesiastes is Understanding, and the Book of Proverbs is Knowledge.

Zohar

اگر نان نباشد «**تورا**» نیست و اگر «**تورا**» نباشد، نان نخواهد بود.

No bread, no Torah; no Torah, no bread.

Mishneh Torah



کلمات و آیات تورات لازم و ملزوم یکدیگرند. هر آنچه در یک عبارت و آیه سربسته و مرموز باقی میماند در عبارت یا آیه دیگر افشاء میگردد.

Words of Torah need each other. What one passage locks up, the other discloses.

Bemidbar Rabbah, 19, 27.

معنی تورات صلح و صفا میباشد.

Torah is Peace.

Zohar, iv, 176b.

هنگامیکه مُشه نخستین وحی خود را از خداوند دریافت کرد، همزمان قدرت آینده نگری نیز به او اعطاء گردید. آنگاه مُشه سنهدرین را دید که پیرامون تورات گفتگو میکردند و او ربای اکیبا را دید که قوانین درون آن را بدون شماره کشف میکرد. مُشه گامی به عقب برداشته و گفت: «پروردگارا، من نمیتوانم مأموریت ترا بپذیرم زیرا آنچه را که می‌بینم و می‌شنوم در نمی‌یابم». آنگاه فرشتگان نازل شده و رخ مُشه را به سوی رواق‌های دیگر سنهدرین برگرداندند و او گفتگوی آنها را شنید که میگفتند: «این قانون از کجا آمده است؟ روایتی است که از مُشه در کوه سینا به ما رسیده است». پس موسی آرام گشت و گفت: «من مأموریتم را میپذیرم و خواهم رفت».

When Moses received his first revelation from God, he received at the same time the power to look into the future. He observed the Sanhedrin discussing the Torah, and he beheld R. Akiba discover within it new laws without number. Moses stepped backwards, saying: "I cannot accept Thy mission, O Lord, for I do not understand what I hear and see."
The angels came and turned his face toward other Sanhedrin courts. He heard them say: "Whence comes this Law? It is a tradition received from Moses at Sinai."
Moses then became calm, and said: "I accept my mission and I shall go."

Midrash Abkir in Yalkut to Exodus. 3.

تورا فقط در دین اسرائیل به کمال میرسد.

The Torah cannot assume perfection except in Israel.

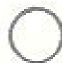
Nahmanides

تورات قفسه داروی انسانیت است.

The Bible is the great medicine cabinet of humanity.

Heinrich Heine

۸۶۱ هر چه **تورا** بیش، زندگانی بیشتر. هر چه کسب علم بیش، خرد بیشتر. هر چه کنکاش و مشورت بیش، بصیرت بیشتر. هر چه خیرات بیش، صلح افزون تر.



هیچ خطی از «تورا» را از معنی درست آن جدا مکن.

Don't divest lines from the Bible from their literal meaning.

Talmud

داستانهای تورا فقط پوستهٔ خارجی تورا هستند، این چه غم‌انگیز است برای آنها که این داستانها را اصل تورا می‌پندارند.

1013. A man [who travels] . . . when he returns home has a duty to offer his wife [sexual] pleasure . . . for two reasons. The first is because for him to find pleasure is a religious pleasure....The second is that should his wife become pregnant, the Heavenly partner gives to the still-unborn a sacred soul.

Zohar

Accusation تهمت

تهمت از جنگ افراد بدتر است. اسلحه از نزدیک صدمه میزند و تهمت از راه دور.

Slander is worse than weapons: weapons injure from near, slander injures from afar.

Talmud

جاه‌طلبی Ambitiousness

جاه طلبی (قدرت طلبی) شخص دارنده این خصلت را نابود می‌کند.

Ambition destroys its possessor.

Talmud

میل انسان در افزایش ثروت و احترام به خود منبع اساسی فلاکت اوست.

Man's ambition to add to his wealth and honor is the chief source of his misery.

Maimonides

به هر چه امروز انسان باور دارد، روزی رویایی بیش نبود.

Every thing man believes in was once a dream.

Theodor Herzl

آنچه که بوده است همان است که خواهد بود، آنچه که انجام شده همان است که انجام خواهد شد زیر پهنه تابش خورشید هیچ چیزی تازه نیست.





جبر و اختیار Free Will

پیش از آنکه روح در بدن نوزادی که در دم بدنیا آمدن است سکنی گزیند، هسته کالبد او به محضر دادگاه الهی آورده میشود و سرنوشت خود را دریافت میدارد. اینکه قسمت کودک ثروت خواهد بود یا فقر، دختر میشود یا پسر، شیردل خواهد شد یا بزدل، بلند یا کوتاه، زشت یا زیبا، چاق یا لاغر، مورد احترام قرار خواهد گرفت یا مورد بی اعتنایی مشخص میگردد. اما یک چیز در سرنوشت مشخص نمی‌گردد و آن اینکه این کودک انسانی خوب یا بد خواهد شد. زیرا که باید حق آزادی انتخاب داشته باشد. این روح، بدون هیچ گونه اعتراضی وارد بدن می‌گردد تا به این دنیا وارد شود. آنگاه به فرشته‌ای سپرده می‌شود که توانایی آموختن توراه و انجام فرایض نیک اخلاقی و مذهبی را به او اعطا می‌کند. سپس به بهشت برده می‌شود و فرشته می‌گوید: «این روح‌ها در بدنی مانند بدن تو بوده‌اند و به خاطر اعمال نیکشان در طول حیات، اکنون پاداش نیکویی‌شان را دریافت میکنند». بعد به جهنم می‌روند و فرشته می‌گوید: «این روحها مثل تو بودند ولی اعمال پلید انجام دادند. عمل آنها را تقلید مکن». و آنگاه روح به رحم بازگردانده میشود.

Before the soul is given residence in the body of a child about to be born, the kernel of the body is brought to the Heavenly Tribunal, where it receives its fate: whether the child will enjoy riches or poverty; whether it be male or female, heroic or cowardly, tall or short, handsome or homely, fat or thin, respected or ignored. One thing, however, is not subjected to predestination, namely whether the child will be good or bad, since it must have freedom of will.

A soul is given residence despite any protestations in the body to be born. It is then given over to an angel who endows it with the capacity of learning the whole Torah and of performing all the Mitzvot. It is taken to Paradise, and the angel says: "These were souls in bodies like yours, and because they did well in life, they are now enjoying their rewards." Next it is taken to Gehenna, and the angel declares: "These were like you, and they did evil. Do not imitate them." Then the soul is returned to the womb.

Tanhuma to Tazria.

تورات، پیامبران و دیگر مقدسان به ما ثابت می‌کنند که انسان به سوی راهی که می‌خواهد برود، هدایت می‌شود.

It can be proved by the Torah, the Prophets and the other sacred writings, that man is led along the road which he wishes to follow.

Makkot, 10b.

همه چیز از پیش برای ما معین گردیده ولی آدمی آزاد است.

Everything is foreknown, but man is free.

Abot, 3, 19.

ربای یوحنان می‌گوید: «خدمتگزاری به خداوند فقط توسط افرادی که آزادی اخلاقی و معنوی دارند، امکان پذیر است و نه توسط بردگان. [یک برده توانایی انتخاب ندارد].

R. Johanan b. Zakkai said: "God can be served only by free moral agents, and not by slaves."

Kiddushin, 22b.

ربی آخا می‌گوید: خداوند بر سر چگونگی آفرینش آدمی به فکر فرو رفت. او با خود اندیشید: «اگر آدمی را چنان فرشتگان بیافرینم، او موجودی جاودانه خواهد شد. از سوی دیگر، اگر او را همچون جانوران بیافرینم، عمر او محدود خواهد شد». سرانجام تصمیم گرفت که این انتخاب را به ارادهٔ آزاد آدمی واگذارد. اگر آدمی خود گناه نکرده بود، همچنان موجودی جاودانه باقی می‌ماند.

Rabbi Aha said: God deliberated how to create man. He said to himself: If I create him like the Angels, he will be immortal. If I create him like the beasts, he will be mortal. God decided to leave man's conduct to his own free choice, and if he had not sinned, he would have been immortal.

Bereshit Rabbah, 8, 11.

همه چیز از پیش تعیین شده است، با این حال به بشر حق انتخاب داده شده است. با نظر مثبت قضاوت انجام خواهد گرفت، با این حال همه چیز بستگی به فزونی کردار نیک دارد.

Everything is foreseen, yet freeaom of choice is granted. The world is judged favorably, yet all depends on the preponderance of good deeds.

Rabbi Akiva

همه چیز از پیش رقم زده شده است، اما آزادی انتخاب نیز داده شده است.

Everything is foreseen, yet freedom of choice is given.

Rabbi Akiba, Pirke Avot

۱۳۵ تا هنگامی که از بالا مقرّر نشده باشد، آدمی حتّی به انگشت خودش هم آسیبی نمی‌رساند!

A man does not hurt his finger unless it is decreed from above.

Hullin, 7.

خداوند سرنوشت یک انسان را تعیین میکند ولی درستکار یا بزهکار بودنش را تعیین نمیکند.

God decides what shall befall a person, but not whether he will be righteous or evil.

Talmud

آراء عمومی Majority Rule

ر. ینایی گفته است: خداوند به موسی حکم نهایی بر قوانین را اهداء ننمود. بعنوان نمونه قانون بخصوصی را در نظر گرفت و به موسی آموخت که چگونه از همان قانون مشخص در موارد متفاوت می‌توان برداشت‌های متفاوت موافق و مخالف داشت و موسی پرسید: «پس چگونه باید تصمیم بگیرم؟» خداوند پاسخ داد: «مسأله را به بحث و شور و رأی عمومی بگذار و تصمیم نهایی را بر مبنای نظر اکثریت اتخاذ کن».

R. Yannai said: God did not give to Moses the final ruling on the laws. He selected as an example, a certain law, and showed Moses that it could be applied pro and con in actual cases. Moses asked: "But how shall we decide?" God replied: "Place the question to a vote following the discussion, and decide according to the opinion of the majority."

Shoher Tob, 12.

به هنگام قضاوت، خداوند جهان را مطابق فضایل اکثریت جمعیت آدمیان داوری می‌کند.

When God judges the world, He judges it according to the merits of the majority of the population.

Zohar, ii, 194a.

توراه میتواند به ۴۹ طریق تفسیر شود. خداوند به حضرت موسی گفت «بر طبق رأی اکثریت تصمیم بگیر».

Torah can be interpreted in 49 varied ways. God told Moses, "Decide according to the majority."

Talmud

رهبر جامعه نباید بدون مشورت مردم انتخاب یا منصوب شود.

We must not appoint a leader over the community without first consulting the people.

Talmud

ربی اسحق می‌فرماید: «یک حکمران نباید به مقامی منصوب شود مگر با مشورت اولیه جامعه».

Rabbi Isaac said: "A ruler is not to be appointed unless the community is first consulted."

Berakot, 55a.

امنیت در مشاوره توده‌ها نهفته است.

Safety lies in the counsel of multitudes.

Proverbs

آداب معاشرت Manners

زمانی نوح به سختی مشغول کار بود و زمین را برای کاشتن درختان انگور آماده میکرد. شیطان فرود آمد و از او در مورد کارش سوآل نمود وقتی که آگاه شد که آن بزرگ در اندیشه پرورش درخت انگور است در دم داوطلب همکاری شد و زمین را با خون گوسفند، یک شیر، یک خوک و یک میمون کود داد، شیطان هنگامیکه کارش را به انجام رسانید گفت: «حالا اگر مردی لیوانی از آب انگور بنوشد، همچون بره رام و آرام خواهد شد؛ و اگر دو پیمانه بنوشد، همچون شیر جسور و بی باک شده، و چنانچه سه لیوان بنوشد، همچون خوک پلید و حیوانی گشته و اگر چهار پیمانه بنوشد شعورش را از دست داده و همچون یک میمون به رقص پرداخته و سخنان بی معنی خواهد گفت.

Once while Noah was hard at work, breaking up the ground for a vineyard, Satan drew near and inquired what he was doing. On ascertaining that the Patriarch was about to cultivate the grape, he at once volunteered to assist him in his task. He began to fertilize the soil with the blood of a lamb, a lion, a pig and a monkey.

"Now," said Satan, when his work was done, "If a man drinks one glass of the juice of the grape, he is as meek and gentle as the lamb; if he drinks two glasses, he becomes bold and fearless as the lion; if he drinks three glasses, he grows as foul and beastly as the pig; and if he drinks four glasses, he loses his senses, dances, and talks nonsense like a monkey."

Tanhuma, Noah, to Gen. 9:20.

بهترین مبین هوش انسان طرز رفتار او بر سر میز غذاست.

There is no better index to intelligence than the way one behaves at the table.

Solomon ibn Gabirol

هیچکس نباید وارد خانهٔ کسی شود، تا زمانیکه به او اجازهٔ وارد شدن بدهند.

A man should not enter another's home, until he is given permission to enter.

Peskta Zutarta, Wayyikra.

شخص نباید از لیوانی نوشیده و سپس آنرا به دیگری بدهد که از آن بیاشامد.

A man should not drink of a glass, and give it to another to drink from it.

Derek Eretz Rabbah, 5.



جوانان و سالمندان Youth & Elders

سالخوردگانتان خوابهای رویایی خواهند دید و جوانانتان رویاهای بینش گرانه خواهند داشت.

Your old men shall dream dreams, your young men shall see visions.

Joel 2:28

طول زندگی مهم نیست، محتوای آن مهم است.

Life is not a matter of extent but of content.

Stephen Samuel Wise

راو یوسه بن کیما این چنین گفت:
زندگی تأسف برای آن چیزی است که می‌رود و باز نمی‌گردد. از او پرسیدند «آن چه چیز است؟» پاسخ داد: «دوران کودکی».

It was said by Rabbi Yose ben Kisma:
"Life is a sorrow for the one thing which leaves and does not return."
"What is that?" he was asked.
"One's childhood."

Talmud

اعمال یک انسان در جوانی، صورتش را در هنگام سالمندی سیاه می‌کند.

The deeds of a man in his youth blacken his face in his old age.

Shabbat, 152.

مرد پیر در خانه بار است اما زن پیر گنج است.

An old man in the house is a burden, but an old woman is a treasure.

Talmud

کامیابی یک مملکت را از روی رفتاری که با سالمندانش می‌کند قضاوت کن.

Judge a country's prosperity by its treatment of the aged.

Rabbi Nahman of Bratslav

اگر در جوانی به آرمانهایمان نرسیم پس کی؟ در زمان پیری که نمی‌رسیم.

If I do not acquire ideals in my youth, when will I? Not in old age.

Maimanides

World جهان

مرکز جهان درست همانجایی است که شما ایستاده‌اید.

The center of the world is exactly where you stand.
Bekorot, 8.

دنیا همانند نزدبانی است که برخی از آن بالا میروند و بعضی دیگر پایین میآیند.

The world is like a ladder--some ascend and some descend.
Tanhuma Matot, 9.

زمین مانند توپی دور خودش میچرخد. همواره بخشی از آن بالا و قسمتی دیگر پایین است. مردم نقاط گوناگون بسته به آب و هوای هر مکان رنگ پوست متفاوتی دارند. در قسمتی از جهان روز است و قسمت مقابل آن شب است. جایی هست که در یک فصل بخصوص روشنایی روز برقرار است و تاریکی در آن وجود ندارد.

559. The earth revolves in a circle like a ball; always a part is above and a part is below. The natives of different origins have different colors of the skin, according to their respective climates. There is a portion of the world where it is daylight, while it is night in the opposite region. There is a place where at a certain season it is only daylight and not night.
Zohar, iii, 10a.

جهان به شکل توپی ساخته شده است.

The world is shaped like a ball.
Y. Abodah Zorah, 3, 1.

مغتنم بدان و بخور، مغتنم بدان و بنوش که این دنیا چون جشن عروسی است.

Snatch and eat; snatch and drink; for this world is like a wedding.
Erubin, 54.

ربای سایمون بن گمالئل می‌گوید: «دنیا به روی سه اصل استوار است: عدالت، حقیقت و صلح».

Rabban Simeon ben Gamaliel said: "The world is sustained by three things: Justice, Truth and Peace."
Abot, 1, 18.

در جنگ بین خودت و دنیا، طرف دنیا را بگیر.

In a fight between you and the world, back the world.
Franz Kafka

همهٔ زمان‌ها یکسان نیستند.

Not all times are equal.
Tamid, 1.

Flattery چاپلوسی

زبان حیله گر خود را از بین میبرد. دهان چاپلوس هم وسائل نابودی خود را فراهم میسازد.



A deceitful tongue brings destruction to itself, and a flattering mouth works its own ruin.

Proverbs

کیفر چاپلوسی بسیار سنگین است، چاپلوسی برابر با گناه بت‌پرستی است.

Great is the penalty for flattery. Flattery is equal to the sin of idolatry.

Midrash Gadol u-Gedolah, 16.

حضور الهی Shekhinah

نور الهی یا روح مقدس در قلبی غمگین تجلّی نمیکند بلکه در قلب‌های شاد جای دارد.

The Divine Presence (Shekinah), or the Holy Spirit, does not rest upon a sad heart, but only upon a joyful one.

Shabbat, 30b.

خداوند در بیابان در قالب بوته‌ای خار به مُشه ظاهر شد، نه در قالب درخت انجیر یا خرنوب که برای انسان با ارزش است که بیآموزد که هیچ جای جهان خالی از حضور الهی نیست.

140. God appeared to Moses in a despised thorn-bush, not in a carob tree or a fig tree, which men value, in order to teach that there is no place on earth void of the Divine Presence.

Shemot Rabbah on verse 3, 3.

خداوند جای تمام کائنات است، ولی کائنات جای او نیست.

God is the place of the universe, but the universe is not His place.

Midrash Tehillim, to Ps. 90:1.

در هیچ کجائی از عالم نیست که شخینا حضور نداشته باشد.

There is no space unoccupied by the Shekinah.

Bemidbar Rabbah, 12, 4.

خداوند فضای عالم است، عالم چیست؟ همان شخینا است.

God is the space of the world. What is the world? The Shekinah.

Zohar, iv, 242a.

حسادت Jealousy

حسادت پژوهشگران موجب افزایش دانش می‌شود.

The jealousy of scholars increases wisdom.

Baba Batra, 21.

اگر حسادت نبود دنیا بر پا نمی‌بود.

Were it not for envy, the world could not stand.

Midrash Tehillim, 37, 1.

هنگامی که به موسی گفته شد که روزهای زندگیش به پایان رسیده است، او از خدا پرسید که چرا باید بمیرد. خداوند پاسخ داد: «زیرا که من یوشوع را مأمور کرده‌ام تا قوم بنی اسرائیل را به کنعان رهنمون شود». موسی گفت: «بگذار که او رهبری کند و من خادم او باشم». خداوند پذیرفت ولی هنگامی که موضوع را به یوشوع اعلام داشت، یوشوع ناخشنود گردید. موسی پرسید: «آیا نمی‌خواهی که من زنده بمانم؟» آنگاه یوشوع موافقت نمود که سرور موسی باشد. امّا هنگامی که در آستانه ورود به چادر مقدس بودند، ابری پدیدار گشت. یوشوع در میان آن بود ولی موسی بیرون از مکان مقدس بود. آنگاه موسی گفت: «هزار مرگ بر یک لحظه احساس حسادت ترجیح دارد» و درخواست مرگ نمود.

When Moses was told that his days had ended, he asked God why he must die. God replied: "Because I have assigned Joshua to lead Israel into Canaan." Moses replied: "Let him lead, and I shall be his servant." God gave his consent, but when he announced it to Joshua, the latter was displeased. Moses asked: "Do you not wish me to live?" Joshua then agreed to become the master of Moses. When, however, they were about to enter the Holy Tent, a cloud appeared. Joshua was within it, but Moses was outside the sacred spot. Moses then said: "A hundred deaths are preferable to one pang of jealousy." And he asked to die.

Dibre ha-Yamin shel Moshe.

حفاظت محیط زیست

Environmental Protection

آن که نهالی را بی هنگام از ریشه بکَند، مثل اینست که پنجه به قتل جانداری آلوده کرده است.

If a man kills a tree before its time, it is as though he murdered a soul.

Rabbi Nahman of Bratslav

هنگام محاصرهٔ شهر در جریان جنگ، درختان اطراف شهر را قطع نکن. می توانی از میوهٔ آنها بخوری، امّا اجازه نداری که آنها را قطع کنی. آیا در طول محاصره، درختان خواهند توانست که از نزد تو بگریزند؟

When you are laying siege to a city for a long time, in the process of making war against the city, you are not allowed to take an axe to the surrounding trees and make war on them. You are allowed to eat the fruit of the trees but you are not allowed to cut down the trees. Are the trees capable of fleeing from you when you lay siege?

Deuteronomy 20:19

درختان برای همراهی با انسان آفریده شده‌اند.

Trees were created for man's companionship.

Genesis Rabbah

هیچ درختی را حتی در شهر مورد محاصره نباید از بین برد. از میوه آن درخت بخور ولی تنه درخت را قطع نکن.

You must not destroy [a besieged city's] trees. You may eat of them, but you must not cut them down.

Deuteronomy

هر کس که درخت میوه را قطع کند، مانند آن است که مرتکب قتل شده است.

The person who chops down a tree that can bear fruit is like a person who commits murder.

Nachman of Bratslav

Wealth Protection حفظ مال

یک پرنده در دست بهتر از صد پرنده در هوا است.

Better one bird securely bound than a hundred free and flying.

Kohelet, R., 4,9.

نبایستی که بشر نسبت به هیچ بخش از مایملک خویش که احتمالاً بعدها بکار آید، تخریب روا دارد.

A man should destroy nothing of his property of which he may later be able to make use.

Yebamot, 11.

Truth حقیقت

مجازات دروغگو چنین است که حتی هنگامیکه راست میگوید نیز کسی سخنش را باور نمیکند.

This is the penalty for the liar: even when he tells the truth, no one believes him.

Sanhedrin, 89b.

این روزها کژی به پا خواسته و حقیقت به خاک افتاده است.

Nowadays falsehood stands erect and truth lies prostrate on the ground.

Zohar, ii, 188.

گفتن حقیقت سخت و سنگین است فقط بعضی از اشخاص بدان تن میدهند.

Truth is heavy; therefore few wear it.

Midrash Samuel on Abot, 4.

مُهر خداوند حقیقت است.



The seal of God is truth.
Shabbat, 55.

...انسان باید حقیقت را، حال منبع آن هر کس و یا هر چه هست، بر خود بپذیرد.

. . . One should accept the truth from whatever source it proceeds.
Maimonides

Treating Animals حمایت حیوانات

انسان جایز نیست که قبل از آنکه به حیوان خود غذا داده باشد غذا بخورد زیرا نوشته شده است که: «من علف برای گلهٔ گاو تو در کشتزار فراهم می‌کنم» و آنگاه می‌گوید: «که تو شکم خود را سیر کنی».

A man is not allowed to eat before he has fed his animal, because it is written: "I will provide grass in the fields for your cattle," and then says: "that you shall eat your fill" [Deuteronomy 11:15].
Talmud

قبل از تغذیه خود به حیوان خود غذا بده.

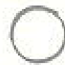
Do not eat before you have fed your animal.
Talmud

«[حیوان] مادر را با کودکش نگیر.» ...هر چند که کتاب مقدس ذبح گونه‌های خاصی از حیوانات را مجاز ساخته است، با این حال اقدام به عمل مخرّبی را که منجر به نابودی یک گونهٔ حیوانی بشود، ممنوع می‌کند. هر کس که حیوان مادر و کودکانش را در همان روز بکشد، و یا هنگامی که آنها قادر به پرواز هستند آنها را به دام بیاندازد، چنان تصور می‌شود که آن نوع از مخلوقات را منقرض کرده است.

"Do not take the mother together with her young"-the Bible does not allow something destructive that causes the extinction of any species even if it has allowed for the ritual slaughtering of that species. And anyone who kills a mother and her children on the same day, or takes them when they are capable of flying, is thought of as if they had destroyed the species.
Nachmanides on Deuteronomy 22:6

هیچ کس نبایستی حیوانی (رام یا وحشی) یا پرنده‌ای را بخرد مگر آنکه بتواند غذای او را مهیا کند.

No man may buy a beast, an animal, or a bird until he provides it with food.
Talmud



در جهان لطف خداوند بوده شامل حال کسی

شکرگزارم از اقدام سازمان سیامک که بعد از عنایت گره از کار کسی میگشاید

بدینوسیله سپاسگزاری خود و خانواده خود را از سازمان اعلام میدارم.

که مدت ۵ سال است به آمریکا آمده‌ام و

قبلاً شغلی نداشته بودم و بیکار و دچار مشکلات شده

چه از جهت اجاره، قبوض، چه از جهت غذا و چه از جهت

دیگر از قبیل دواها و مخارج و غیره و تماس با سازمان که قرار کمک

به خانواده بنده و فرزندانم نموده سازمان سیامک میباشد

متشکرم چون که سازمان سیامک برای خانم بنده و

فرزندان بنده کار پیدا کرده و برای خود بنده هم کار

پیدا خواهد کرد. به این وسیله قدردانی خود را از سازمان سیامک

اعلام میدارم و امیدوارم روزی قادر باشم که به سازمان

کمک نمایم تا سازمان هم بتواند به اشخاص بیشتری کمک

نماید. باشد که همگان خیر در این امر خیر پیشقدم باشند

ضمناً متشکرم که برای

مخارجات ماهیانه هشتصد دلار پرداخت نمودند به مالک ساختمان پرداخت کردند با کمال تشکر مخلص

تا من توانستم روی پای خودم بایستم

شما چطور

کارنامهٔ سالی که گذشت و ترازنامهٔ مالی سازمان سیامک

سازمان سیامک همه ساله به مناسبت فرا رسیدن ایام روش‌هشانا و کیپور ترازنامهٔ مالی خود را در سالی که گذشت در معرض دید و قضاوت افکار عمومی جامعه قرار میدهد. همانطور که در بیلان سالیانه سازمان می‌بینید یکی از بزرگترین اقلام هزینه سازمان مربوط به انتشار، چاپ و توزیع نشریهٔ چشم‌انداز می‌باشد. چرا که نشریه چشم‌انداز کنیسای ما - مجتمع فرهنگی ما - و محل آموزش ما برای خودمان و جامعه است.

مقاله‌ای نوشته نمیشود که در بالا بردن سطح آموزش - دید و شرف و عزت انسان یهودی و در غایت، تمامی انسانهای جهان بی تأثیر نباشد.

از ویژه نامهٔ صدمین سالگرد پیدایش صیونیسم گرفته تا ویژه نامهٔ پنجاهمین سالگرد تشکیل دولت اسرائیل که بسیاری آنها را در کتابخانه‌هایشان نگه داشته‌اند - تا مقالاتی دربارهٔ بهبود روابط زناشویی - فرزندان و نوجوانانمان از خطرات اعتیاد به مواد مخدر گرفته تا رابطه دین و سلامتی - بهداشت - تاریخ یهود - مقالات سیاسی و برداشت‌های تکنولوژی و راهی که بشر می‌رود را هدیه چشم خوانندگانمان کردیم.

حرفهایی را نوشتیم که کسان دیگر نمی‌نوشتند - چرا که برای ما سرنوشت همه ما از خواست بیجای یک نفر و یک عده بالاتر است. و از همه مهم‌تر همه برای ما یهودی هستند، بدون توجه به میزان پول و منطقه مسکونی و نوع کسب و کارشان. ما خانوادهٔ هزار فامیل نمی‌شناسیم. خانواده ما، اجتماع ماست. این نشریه برای همه منتشر می‌شود. عده‌ای دوستش دارند و عده‌ای ندارند. در این مورد کاری نمی‌توان کرد، ولی به طرفداری از انسانهای پاک نهاد برمی‌خیزیم و ارزشهای خوب جامعه را گسترش می‌دهیم.

انتشار هر شمارهٔ مجله با توجه به در نظر گرفتن درآمد حاصله از محل آگهی‌ها بیش از چند هزار دلار برای سازمان هزینه در بر دارد. در حال حاضر چشم‌انداز بطور ماهیانه و تیراژ قریب به ده هزار شماره منتشر می‌شود که حدود نُه هزار شماره توسط پست ارسال می‌گردد.

از افتخارات دیگر سازمان سیامک در سالی که گذشت کمکهای نقدی و غذایی به افراد مستمند و خانواده‌های نیازمند بود. ارسال مواد غذایی، پوشاک و لوازم منزل و سایر کمکهای انسانی بدون وقفه ادامه داشته و خواهد داشت. یافتن کار و اشتغال برای افراد نیازمند و محتاج به کار و همچنین در اختیار گذاردن اطلاعات، آشنایی و ازدواج جوانان با صرف صدها ساعت کار مداوم و اختصاص چندین صفحه از نشریه چشم‌انداز جهت آشنایی و پیوند جوانان جهت ازدواج و تشکیل خانواده یکی دیگر از خدماتی است که به آن می‌بالیم.

دیگر از خدمات سازمان، کمک به مدارس یهودی، ایرانی و غیر ایرانی، جهت تعلیم و تربیت کودکان یهودی و ایجاد آینده‌ای بهتر برای نسل فردای جامعه می‌باشد.

کلاس نیایش برای بانوان، تیمهای ورزشی برای نوجوانان، رسیدن به درد و آرزوی کودکان و نوجوانان یتیم و یا از خانه رانده شده یهودی، دفاع از شرف یهودی ایرانی در برابر مقالات ضد یهودی نشریات، یافتن محل مسکونی برای خانواده‌های از خانه رانده شده و یا بی بضاعت از میان ده‌ها کار ارزنده و بی چشم‌داشت افراد سازمان است که با کمکهای مالی جامعه به سرانجام میرسد.

اما امسال هم بیش از همه چیز دل نگرانی داریم و دلواپسی. از کارهایی که نشده - کارهایی که میتوانست بشود و نشد. ترس فردای نوجوانانمان و جوانانمان دارد ما را مثل خوره میخورد - قتل - دستگیری - خشونت - روابط جنسی - سقط جنین - اعتیاد - بی فردایی و بی توجهی‌ها دارد ما را مثل خوره میخورد.

آنچه در زیر می‌خوانید لیست اسامی افراد غیرتمندی است که اهمیت کار سازمان را درک کرده و برای آینده خود و فرزندانشان با ما همراه شدند. این انسانهای شایسته، پاکتهای ارسالی درون مجله راکه دیدند، سرسری از آن نگذشتند. رویشان را بر نگرداندند و بهانه نیاوردند. مثل بسیاری که، تنها اظهار ارادت بی پایان به سردبیر این نشریه، و یا افراد داوطلب سازمان سیامک کردند ولی از پرداخت حتی ده دلار سر باز زدند، نبودند. فقط این نشریه را بهترین نشریه دنیا نخواندند، بلکه در ادامه بقایش دست به جیب بردند که ما که روزها و شبهای بی نهایتی را داوطلبانه کار میکنیم، تنها نباشیم. به زبانی ساده‌تر عزت نفس داشتند - انسانهای شایسته‌ای بودند و با ارزش هستند. درد اجتماع درد آنها هم بود. این درد مثل خوره آنها را هم میخورد...شما چطور؟

فرانک باصری - جلال وثیق - الیاس اسماعیل زاده کرمانی - دارا و مژده ابائی - دوریس نورامید - زهره مثبت - دکتر مایکل مایکلز - شهرام تیموری - لطف‌الله حی - شهرام جاویدزاد - عزت‌الله آذری - ژوزف وصال - ایزک و شهلا زرگر - شلومو هارونی - ایرج زکائی - منصور بنونی - فری دیانیم - عزیزالله اربه - جاکوب اصیل - ژوزف ساقیان - اسحق کاهن - اسحق کاشانی - قدسیه دقیقیان - بطیا ابراهیم - اولین و حمید میشکان - پروین رفیعی - پرویز طاهری - لاله‌زار سلیمانی - صیون ربان - جمشید بخرد - موریس عزیزی - فروغیه طبیب‌زاده - هلن حکیم شباتیان - سعید نظریان - یعقوب نظریان - نجات‌الله سیمانطوب - شهرام فرزان - هما فرح نیک - منوچهر نطنزی - اسحق آفاری - یعقوی حکیمی - لوئیز گبای - دانیل یاشارل - طوبی یومطوبیان - فلور رستگار - پرویز شریفی - صیون

ادهمی - دالیا آذربان - ایرج هورفر - طلعت داودیان - امانوئل مازال - لیدا سیمحائی - فرخ منعم‌پور - منیره کهنیم - فرانک صرافیان.

از همگی شما متشکریم - باشدکه دعای خیر دریافت کنندگان این کمک‌ها بدرقهٔ راه شما باشند.







بیلان و ترازنامه سازمان سیامک
از تاریخ ۶/۳۱/۹۸ تا ۶/۳۱/۱۹۹۷

مبلغ	هزینه‌ها و کمکهای پرداختی
۵۵۱۲۵.۰۰	هزینه‌های چاپ و انتشار مجله چشم انداز
۱۴۶۳۳.۰۰	هزینه‌های پست و ارسال مجله چشم انداز
۴۸۹۴.۰۰	هزینه‌های تلفن
۱۳۹۶۲.۰۰	پرداخت مالیات‌های حقوق و سایر مالیات‌ها
۳۳۷۴۵.۰۰	هزینه حقوق پرداختی به دو نفر کارکنان تمام وقت سازمان
۲۷۱۶۹.۰۰	هزینه برگزاری مراسم روش‌هشانا و کیپور ۱۹۹۷
۱۴۰۰۰.۰۰	پرداختی ودیعه جهت برگزاری مراسم روش هشانا و کیپور ۱۹۹۸
۵۰۹۳.۰۰	هزینه‌های گردهم‌آیی جوانان
۳۱۱۶.۰۰	هزینه‌های اداری و ملزومات
۱۸۶۶۷.۰۰	هزینه کرایه مکان سازمان
۱۵۶۲۷.۰۰	هزینه‌های کمک به خانواده‌های نیازمند (شامل کمکهای نقدی و جنسی)
۲۱۰.۰۰	هزینه تشکیل کلاس عبری
۲۷۵۰.۰۰	کمک‌های مالی به پژوهش‌های پرفسور امنون نتصر
۳۰۰۰.۰۰	کمک به آکادمی عبری اتز جیکوب
۳۰۰۰.۰۰	کمک به آکادمی عبری تورت حییم
۱۰۲۶۰.۰۰	کمک به آکادمی عبری نن إلی
۲۱۶۰۴۶.۰۰	**جمع کل پرداختیها**
۲۸۱۲۱۰.۴۸	**جمع کل درآمدهای نقدی از محل اعانات و آگهی‌های مجله چشم انداز**
۷۶۵۰.۰۰	**جمع کل درآمدهای جنسی در طی سال**
۲۱۵۴۵۳.۸۶	**موجودی بانک در پایان دوره مالی ۷/۱/۱۹۹۷**
۲۸۸۲۶۸.۴۸	**موجودی بانک در پایان دوره مالی ۶/۳۱/۱۹۹۸**

It is Always a Pleasure to see My Reflection in The Mirrors (eyes) of yours Beautiful Souls!

Fernando

May God Blessed you All!

If God one Day Blackout All Source of Light, The universe will Be Bright, Just ~~Because~~ of yours Beautiful Eyes!

A Homeless ~~Guy~~ Guy

P.S. See Back



خجالت دیگران Shaming Others

با مهمان خود وارد بحث عالمانه مشو، مگر اینکه بدانی که او میتواند آنرا درک کند و این گفتگو موجب شرمساری او نمی‌شود.

«تو نباید مرتکب قتل بشوی». معنی این فرمان اینستکه: تو نباید با اعمالت موجب بجوش آمدن خون برادرت بشوی.

"Thou shalt not murder." This means: Thou shalt not cause thy brother's blood to boil with bitterness because of thine actions.

Pesikta Rabbati, 25:1.

آنکه از راه شرمساری دیگران برای خود افتخار بدست می‌آورد در دنیای دیگر سهمی نخواهد داشت.

He who honors himself through the shame of another will have no portion in the World-to-Come.

Y. Hagigah, 2:1.

در مورد فضائل مردی که شایسته‌ی تحسین نیست داد سخن مده زیراکه باعث شرمساری‌اش خواهی شد.

Do not praise a man if he deserve it not, for thus wilt thou cause him shame.

Zohar, i, 232b.

آنکه خون کسی را میریزد تصویر الهی را جریحه‌دار می‌کند.

He who sheds blood impairs the divine image.

Rabbi Akiva

کسی را خجالت نده تا تو هم خجالت زده نشوی.

Shame not and you will not be shamed.

Moed Katon, 9.

خداوند God

پروردگار در طوفان، زمین لرزه و آتش نبود، بلکه در صدایی آرام و کوتاه.

The Lord was not in the wind. . . not in the earthquake. . . not in the fire. . . but in a still, small voice.

Bible, I Kings 19:11

و خداوند فرمود: من در رنگین کمان، قول و قراری ابدی بین خود و هر موجود زنده با هر تن‌پوشی بر روی زمین خواهم دید.

And God said. . .
"I will see in the rainbow an everlasting covenant between God and every living creature of all flesh that is upon the earth."

Bible, Genesis 9:16

گفته میشود بزرگترین ستایش خدا، منکر شدن او بوسیله کافرین است، زیرا که کافر آفرینش را آنچنان کامل میداند که وجود خالق را غیر ضروری میداند.

It has been said that the highest praise of God consists in the denial of Him by the atheist, who finds creation so perfect that he can dispense with a creator.

Marcel Proust

خواست و تمایل من انجام دادن خواست خداوند است...نه انجام تمایلاتم از خدا.

It is my desire to do God's will, not that God do my will.

Rabbi Isaac Meyer of Ger, the Gerer Rebbe

مذهبی بودن من مشتمل بر تحسین فروتنانهٔ روحی بی نهایت برتر است، که خود را در واقعیت، در میزان اندکی از واقعیت که ما با فهم ضعیف و گذرای خود درک می‌کنیم، آشکار می‌کند. اخلاق از حداکثر اهمیت برخوردار است، البته برای ما، نه برای او.

My religiosity consists in a humble admiration of the infinitely superior spirit that reveals itself in the little that, with our weak and transitory understanding, we can comprehend of reality. Morality is of the highest importance, but for us, not for God.

Albert Einstein

مردم باید فرصتی برای خود فراهم آورند که در آن دریابند معنای واقعی وحدت خداوند چیست. دستیابی به پاره‌ای از وحدت لایتجزا دستیابی به کل آنست...اگر من...فقط یک فرمان را از راه عشق به خداوند بدرستی انجام دهم مانند آنستکه به گونه‌ای به خداوند یکتا پیوسته‌ام و در اجرای همه فرامین کوشیده‌ام.

People should allow themselves the opportunity to really know what the unity of God means. To grasp a part of the non-divisible union is to grasp the whole.
. . . If I . . . fulfill just one commandment in and through the love of God, it is, in a manner, as I have (joined with the One and) satisfied them all.

Ba'al Shem Tov

کسی که میخواهد با دیگران حرف بزند بدون اینکه با خدا صحبت کند آرزویش برآورده نمی‌شود، وکسی که بخواهد با خدا حرف بزند بدون اینکه با مردم صحبت کند صدایش شنیده نخواهد شد.

The word of someone who wishes to speak with people without speaking to God cannot be fulfilled; and the word of someone who wishes to speak with God without speaking with people is never heard.

یک برگ چمنی نیست که ستاره خود را در آسمان نداشته که تا با قاطعیت باو بگوید «رشد بنما».

There is not a single blade of grass that has not its own star in heaven that strikes it and says, "GROW!"

Genesis Rabbah

خدای زمین و خدای آسمانها یکی است و سرزمین اسرائیل سمبل آن است.

The God of history and the God of nature cannot be separated, and the Land of Israel is a token of their unity.

Martin Buber

از مدّتها پیش، قوهٔ استدلال آدمی به این نتیجه رسیده است که خدا به هیچ چیز احتیاج ندارد، امّا همه نیازمند اویند.

Reason has long since decided that God needs nothing, but that all things need Him.

Saadiah Gaon

هر صبحگاه دنیای جدیدی را می بینیم - این هدیه خداوند است و هر انسانی بایستی بدارند که هر روز از نو متولد می‌شود.

The world is new to us every morning-this is God's gift, and every person should believe he is reborn every day.

Baal Shem Tov

خداوند تو را برکت دهد و حفظ کند. خداوند نور خود را بر چهره تو بتاباند و به تو مرحمت داشته باشد.

The Lord bless you and keep you. The Lord make His face to shine upon you and be gracious unto you. The Lord lift up His countenance upon you and give you peace.

Numbers

کردار اخلاقی، محل ملاقات انسان و پروردگار است.

Moral action is the meeting-place between the human and the divine.

Leon Roth

زندگی رُمان خداوند است بگذار خودش آنرا بنویسد.

Life is God's novel so let him write it.

Isaac Bashevis Singer

خداوند باریک‌بین است ولی بدخواه نیست.

God is subtle but He is not malicious.

Albert Einstein

خداوند با عالم هستی مهره طاس نمیریزد.

God does not play dice with the universe.

Albert Einstein

خداشناسی Piety

از مرد خداپرست بترس، چراکه خداوند خواسته‌های او را جواب خواهد داد. از مرد خدا نشناس بترس، چراکه ممکن است تو هم در مجازت او شریک بشوی.

Fear the God-fearing man, for God does His will. Fear the ungodly man, lest thou share in the punishment meted out to him.

Midrash ha-Gadol, 503.

وارد رابطه پاک شدن شامل نادیده گرفتن همه چیز نمیشود، بلکه باید همه چیز را در خود دید...هر آنکه دنیا را در خداوند میبیند، در بارگاه او حضور خواهد یافت. چگونه انسان میتواند وجود داشته باشد اگر خداوند به او نیاز نداشته باشد؟ تو به پروردگار نیاز داری برای اینکه وجود داشته باشی و آفریدگار نیز به تو نیاز دارد زیرا که معنای زندگی اینست...دنیا یک نمایش الهی نیست، بلکه تقدیر الهی است.

Entering into the pure relationship does not involve ignoring everything but seeing everything in the You. . . . Whoever beholds the world in Him stands in His presence. How would man exist of God did not need him. . . . You need God in order to be, and God needs you-for that is the meaning of life. . .The world is not a divine play, it is divine fate.

Martin Buber

پیش از آنکه خدایت را بیابی باید خود را بشکنی.

Before you can find God you must lose yourself.

Ba'al Shem Tov

تصادفِ [علمی] وسیله‌ایست که خداوند برای ناشناخته نگاهداشتن خود برگزیده است.

Coincidence is God's way of remaining anonymous.

Albert Einstein

خداگونه شدن انسان Godliness

در اصل، تمام افراد بشر شبیه به همند. تمام ما بخشی از یک کلّ هستیم؛ ما یکی هستیم.

In essence, all human beings are identical. We are all part of One; we are One.

Erich Fromm

کسیکه از روی اصول اخلاقی عمل میکند، مثل اینست که خودش را در کارهای پروردگار خالق همراه کرده باشد.

He who does a moral act associates himself with God in His creative work.

Shabbat, 10a.

ابا سائول گفت: «من از پروردگار تقلید میکنم. همچنان که او بخشنده و مهربان است، من نیز بخشنده و مهربان خواهم بود».

Abba Saul said: I will imitate God. As he is merciful and gracious, I will also be merciful and gracious.

Mekilta Shirah, 3. See also Shabbat, 133.

«آیا کسی میتواند به دنبال شخینا برود؟» معنی این عبارت اینست که از شخینا، پیروی کن، از خداوند تقلید کن.

Can a man go behind the Shekinah? The phrase means: Follow the example of the Shekinah. Imitate God.

Sotah, 14.

آدمی به یک معنا آفریننده است و بنابراین همکار با خداست.

Man is, in a sense, a creator, and therefore a collaborator with God.

Shabbat, 10a.

خداوند نمونهٔ بزرگ مهر و محبت است. دنیا صرفاً با مهر و محبت آفریده شد. ربای سیملای می‌گوید: کتب پنجگانهٔ «عهد عتیق» با عمل مهر و محبت آغاز میگردد: **«خدا پوشینه‌ای از پوست ساخت تا تن آدم و همسرش را بپوشاند»**، و با عمل دیگری از مهر و محبت پایان می‌یابد: **«خدا موسی را در دره به خاک سپرد»**. آدمی باید از این کردارهای مهرورزانه خداوند تقلید کند و بر بینوایان رختی بپوشاند، به دیدار بیماران برود، سوگواران را تسلی خاطر بخشد، و درگذشتگان را به خاک بسپارد.

ما از این می‌آموزیم که شخص، هر چند که بالاترین مقام را هم داشته باشد، نباید خود را ورای انجام فروتنانه‌ترین کردار یاری به همنوع و همدردی با سایر انسانها بداند. به گفته میکا (۶:۸): «گام برداشتن فروتنانه با پروردگار» همانا شرکت در مراسم خاکسپاری و همراهی عروس به خانه بخت است.

هنگامی که دسته‌هایی از مردم در حال انجام چنین مراسمی از جلوی مکتب ربای یهودا گذر میکردند، وی به منظور شرکت در این مراسم کلاسش را تعطیل کرده و به پیروانش میگفت: «انجام این فرایض بر درس خواندن برتری دارد».

او شاگردان خود را مرخص می‌کرد، و میگفت: «عمل کردن به کار نیک بر آموختن صرف مقدّم است».

God is the great exemplar of lovingkindness. The world itself was created solely in lovingkindness (Psalm 89:3). Rabbi Simlai observes: The Pentateuch begins with an act of lovingkindness: God made garments of skin to clothe man and his wife; and ends with another: He buried Moses in the Valley. It is in such gracious deeds that man can and should imitate God, who clothes the naked, visits the sick, comforts the mourners, and buried the dead.

We learn from this that no one, however dignified his station, should think himself too good for the humblest offices of human help and sympathy. In the words of Micah (6:8), "to walk humbly with thy God," is found the duty of joining the funeral procession, or the company conducting the bride to the wedding. When such a procession passed his School, Rabbi Judah was accustomed to dismiss his Disciples, saying: Doing takes precedence over studying.

Sotah, 14a; Sukkah, 49b; Y. Hagigah, 76c. (Combined).

قاضی‌ای که رأی حق می‌دهد مانند این است که در راه خلقت با خدا همکاری کرده باشد.

The judge who renders a just decision is as though he had collaborated with God in the work of creation.

Shabbat, 10a.

برای خدا گونه شدن، آدمی باید در این کار آفرینش با خدا شریک شود.

Man, to be Godlike, must be partner with God in this act of creation.

Shabbat, 10a, 119b.

و خداوند انسان را مظهری از خود آفرید، مرد و زن را مظهری از خود آفرید.

And God created man in His image, in the image of God He created him; male and female He created them.

Genesis 1:27

Wisdom خرد

کسی که رسم و عقیده موروثی را چشم بسته بدون آنکه شعور و قضاوت خود را در میان گذارد انجام دهد مانند کوری است که دیگران را دنبال کند.

The man who accepts tradition without applying his own intelligence and judgment is like a blind person following others.

Bahya ibn Pakuda

خوشا آنکه خرد را یافته است و آنکه به درک میرسد زیرا که این کالا بهتر از نقره است و ادراک بهتر از طلای ناب است.

Happy is the person who finds wisdom, And the person who obtains understanding. For this merchandise is better than silver, And the gain is better than fine gold.

Proverbs 3:13-14

هنگامی که با موقعیت مشکلی روبرو می‌شوم، آن زمان که عرصه را بر خود تنگ می‌بینم و چاره‌ای به جز در میان گذاشتن صادقانهٔ یک حقیقت تلخ را ندارم، حقیقتی که یک انسان خردمند را خشنود و ده هزار احمق را ناراضی میکند من گفتگو با خردمند را برگزیده و خرده گیری‌های عامه را بحساب نمی‌آورم.

When there is a difficult situation facing me-when I discover my path narrowing, and can discover no alternative for sharing an honest but unattractive truth that will please one person of wisdom and displease ten thousand fools-I choose to speak to the one, and ignore altogether the negation of the mass.

Maimonides

باید مواظب بود که عقل و هوش جای خداوند را برایمان نگیرد. گر چه مغز دارای عضلاتی قوی است ولی شخصیت ندارد.

We should take care not to make the intellect our god; it has, of course, powerful muscles, but not personality.

Albert Einstein

آتش در طول ۶ روز توسط خدا آفریده نشد، امّا در پایان شبات خداوند به آدم خرد داد تا وقتی که دو سنگ را به یکدیگر بمالد، تولید آتش نماید.

Fire was not created during the six days, but at the conclusion of the Sabbath God gave Adam the good sense to rub two stones together to make fire.

Pesahim, 54.

و سلیمان از همه انسانها، حتی از احمق‌ها، خردمندتر شد.

And Solomon became viser than all men, even than idiots.

Source unknown. Often quoted as a Midrash.

برای آنکه از یک الاغ بیشتر درک کنیم، باید کارمان بیشتر از «حمل» کتاب باشد.

To have more than the sense of a donkey, you must do more than carry books.

Bahya ben Joseph bin Pakuda

آنکه بر خرد می‌افزاید، نارضایتی را افزون میکند، و آنکه بر دانش می‌افزاید درد و پریشانی را بیشتر میکند.

عقل درختی است که ثمره آن تقوا و پرهیزکاری است.

Wisdom is a tree whose fruit is virtue.

Rabbinical saying

آنچه که خرد همچون تاجی بر سر او میگذارد، خواری همچون تخت کفش به زیر پایش میگذارد.

What wisdom places as a crown for her head, humility places as a sole for her feet.

Y. Shabbat, 1, 13.

عاقل کسی است که قبل از رسیدن به نتیجه همه جوانب را بررسی میکند.

Intelligence means a person who can see implications and arrive at conclusions

Talmud

یک خردمند باید کمی هم از مطالب احمقانه فرا گیرد. آنگاه است که ارزش خرد خود را بیشتر خواهد شناخت.

A wise man should also learn a little concerning subjects of unwisdom. He will then appreciate his wisdom more.

Zohar, iii, 47b.

بشر قابل تکامل است چون خداوند به او قدرت تشخیص و تعقل کردن داده است.

Man is capable of perfection because of the power of reason, given to him by God.

Maimonides

اگر شعور داری چه نداری و اگر شعور نداری چه داری؟

If thou hast acquired understanding, thou lackest naught. If thou hast no understanding, what hast thou?

Nedarim, 41.

دنباله‌روی اکثریت در انجام کاری پلید مباش.

You shall not follow the many to do evil.

Exodus 23:2



بهای اشتراک ۵۰ شماره ۱۰۰ ریال

تکشماره ۲ ریال

محل اداره

تهران : سه راه سیروس

گنجینه تاریخی یهودیان معاصر ایران در نیم قرن گذشته

چاپ : تهران - ایران

سالهای ۷-۱۹۴۶ میلادی مطابق ۶-۱۳۲۵ شمسی

چاپ سوم دوره کامل هفته نامه ایسرائل به اندازه و حجم کمتر به سر دبیری دکتر رحیم کهن منتشر شد.

دفتر کانون سالمندان یهودی ایرانی لوس آنجلس تلفن و فاکس : ۲۸۹-۱۰۲۶ (۳۱۰)

حافظه قوی لزوماً شرط عقل نیست.

To remember well is not necessarily a sign of wisdom.
Samuel Luzzatto

عاقلان به تمام عقاید گوش فرا میدهند.

Intelligent people must examine all opinions.
Maimonides

موفقیت در کسب و کار الزاماً ترا خردمند و با شعور نمی‌کند.

Doing well in business does not necessarily make you wise.
Hillel the Elder

توانایی فکر کردن دو خدمتگزار دارد. قوه حافظه و قوه تخیل.

The power of thinking has two servants: the power of memory and the power of imagination.
Zohar

آنانکه آگاهی و فهم دارند همه چیز دارند.

Those who have understanding have everything.
Talmud

عقل فرشته‌ای است که رابط میان خدا و آدمی است.

Reason is the angel that mediates between God and man.
Abraham ibn Ezra

در طلب خرد و آگاهی باش و با آن همه چیز را درک خواهی کرد.

Get wisdom: and with all thy getting get understanding.
Proverbs 4:7

خردمندان آنگاه که به حقیقت دست می‌یابند شاد میگردند و نابخردان هنگامیکه دروغ را کشف میکنند.

The wise are pleased when they come upon the truth, fools when they discover lies.
Solomon ibn Gabirol

فکر و شعور شالوده یک انسان است.
Mind is the foundation of man.
Ba'al Shem Tov

آنکه شعور دارد همه چیز دارد.

He who has understanding has everything.
Nedarim, 41.

قدرت تفکر به دو چیز است: اول قدرت حافظه و دوم قدرت تخیل.

The power of thinking has two servants: the power of memory and the power of imagination.
Zohar, iv, 247b.

مردان کبیر همیشه عاقل نیستند.

Great men are not always wise.
Job

حکیم جنگ جو، به از نادان صلح طلب.

فردا خیلی دیر است فرزندانتان را برای همکاری با سازمان ما تشویق کنید.
شاید این کار شما بزرگترین سرمایه و بهترین بیمه برای آینده آنان باشد.

Better a combative sage than a friendly fool.
Joseph Zabara

Stinginess خساست

حتی پرندگان هم اشخاص خسیس را میشناسند.
Even birds recognize those who are ungenerous.
Sotah, 38.

Creation · خلقت

این واژگان که «هنوز کار فراوانی باقی است تا انجام گیرد»، به این معنی هستند که آفرینش جهان هنوز پایان نیافته است.

The words "There is yet much work to be done" mean that the process of the world's creation is only in its infancy.
Pesikta Rabbati

اندیشه، طبیعت ناپیدا است، و طبیعت، اندیشهٔ پیدا.
شکوه جهان همواره متناسب با شکوه ذهنی است که بر آن تعمق می‌کند.

Thought is invisible nature, nature, visible thought.
Heinrich Heine

The splendor of the world is always in accordance with the splendor of the mind that contemplates it.
Heinrich Heine

پس از آن که خداوند نخستین انسان را آفرید، وی را در میان باغ عدن راه برد. سپس به آدمی گفت: «مشاهده کن که من چه کرده‌ام. به همهٔ این زیبایی‌های تحسین برانگیز نظر افکن. هر چه کرده‌ام، برای تو بوده است. این حقیقت را به قلب خویش بسپار، و مراقب باش که کاری شریر یا ناشایست از تو سر نزند. آفریدهٔ من؛ چراکه اگر تو به آن آسیب برسانی، دیگر کسی پس از تو نخواهد بود که آن را ترمیم کند.»

After God had created the first man, He led him on a path through the trees in the Garden of Eden.
God then said to the man, "Observe what I have done, see how beautiful and worthy of appreciation they are. Everything I have done has been for your sake. Take this to heart and do not do evil or harm. My creation; because if you hurt it, there will be no one to fix it after you."
Midrash Rabbah

چرا پروردگار فقط یک مرد را آفرید؟ زیرا پرهیزکاری و شرارت موروثی خوانده نشود.

Why did God create only one man? So that virtue and vice will not be called hereditary.
Talmud

زنجیری شگفت‌آور از عشق، و از بده و بستان، همهٔ خلقت را به یکدیگر می پیوند؛ هیچ چیزی مستقل از دیگران، و یا صرفاً برای خود وجود ندارد، بلکه همه چیز به میان وضعیتِ عملِ متقابلی زاده می‌شود که بی وقفه در جنبش است.

One incredible chain of love, of giving and receiving, unites all creation; nothing exists singularly by or for itself, but everything is born into an ongoing reciprocal state of action.
Samson Raphael Hirsch

بشر در روز ششم خلق شد. چنانچه زمانی غرور بر او چیره گردد، بجاست که به او گوشزد شود که حتی خلق یک کک بر خلقت او تقدم داشته است.

Man was created on the sixth day. If ever he is filled with pride, it can be said to him: A flea preceded thee in creation.
Sanherin, 37.

یک گروه از حسیدیم بدور رَبایشان گرد آمده و به حرفهای او گوش می‌دادند، یک نفر از میان گروه که تردیدی بر اعتقاداتش در دل داشت (از این گونه افراد در هر گروهی پیدا میشود) به منظور ریشخند از ربای پرسید:

A group of Hasidim were meeting with their rebbe, and as it is not unusual in any group to find one who doubts amid those who believe, the one who doubted thought he would make a joke at the rebbe's expense.

ای ربای تو که همه چیز می‌دانی بگو ببنیم شبهایی که حضرت «آدم» دیر به منزل می‌آمد «حوا» چه می‌کرد؟

"Rebbe," said the man, "since you know so much, can you tell us what Eve did whenever Adam came home late in the evening?" "She counted his ribs," replied the rebbe.
Hasidic folk tale

غیر از آنکه خداوند تمام موجودات را خلق کرد به آنان گفت: بیائید با همکاری یکدیگر موجود دیگری را خلق کنیم، هر کدام از شما سهمی بر او خواهید داشت. منهم ذرّای از خودم را به او خواهم داد.

After all the creatures were made, God said to them: Let us make one more creature in partnership. Each of you shall have a share in him, and I will give him a portion of Myself."
Zohar, iv, 238b.

در روایات آمده است که تا سه نسل آنوخ صورت آدمیان صورتی شبیه به میمونها بود.

It was said: "Up to the generation of Enosh the faces of the people were K'kufot--they resembled those of monkeys."
Bereshit Rabbaj. 23. 9.

آنچه مخلوق خدا است بارقه‌یی از تقدس خدا در آن است.

Everything created by God contains a spark of holiness.
Baal Shem Tov

درک اساس آفرینش و چگونه تمام حلقه‌ها اینگونه محکم و شگفت‌انگیز به یکدیگر وابسته‌اند غیر قابل فهم است. مگر اینکه دلیل آن را در حقیقت و آفریننده واحدی بدانیم.

It is impossible to understand the fundamentals of creation, how all segments are closely tied and wonderfully arranged, unless we infer the unity of the Creator and of reality.
Vilna Gaon

هر چیز در بالا و یا پایین سرچشمه واحدی دارد.

Everything above and below is one unity.
Baal Shem Tov

بشر اولیه مثل حیوانات دم داشت.

The first man had a tail like an animal.
Bereshit Rabbah, 14, 10.

در خلقت هیچ شیئی راست گوشه آفریده نشده است.

There is no rectangular thing in creation.
Y. Nedarim, 3, 2.

من (خدا) صحبت میکنم...در خواب.

I [God] do speak . . . in a dream.
Numbers 12:6

تمام چیزهایی را که شخص به فراموشی سپرده، در خوابش به فریاد آمده و طلب یاری میکند.

All the things one has forgotten scream for help in dreams.
Elias Canetti

کسی در رویاهای خویش درختی زرین و یا پیلی در حال گذر از روزن سوزن نمی‌بیند. ما در رویاهای شبانه‌مان چیزی می‌بینم که در تفکرات روزانه‌مان جریان داشته است.

In a dream no one sees a golden tree or an elephant going through the eye of a needle. We see at night in dreams only that o which we were thinking by day.
Berakot, 55.

هیچ سیترا آهَرا (روح اهریمنی) نیست که رشته باریکی از روح مقدس در آن وجود نداشته باشد، و خوابی نیست که دانه‌ای از حقیقت در انبوه کاه بی حقیقتی آن وجود نداشته باشد.

There is no Sitra Ahara (Unclean Spirit) that has not a thin thread of the Sitra Kadisha (Holy Spirit). There is no dream without a kernel of wheat (truth) in the mass of chaff (untruths).

Zohar, Tosefta, ii, 69b.

خواب و رویا Dream

خوابی که تعبیر نشده مانند نامه‌ایست که هیچ گاه خوانده نشده.

A dream that is not interpreted is like a letter that is like a letter that is left unread.

Talmud

هر شب روح هر فردی که در خواب است به دیوان محاکمات آسمانی پرواز میکند. اگر شایسته باشد مجدداً به کالبدش بازگردانده میشود.

Each night the soul of the sleeper goes before the Heavenly Tribunal. If it is found worthy, it is returned to the body.

Zohar, i, 121a.

خودبینی - خود پرستی Egotism

کسی که فکر می‌کند بدون دیگران قادر به زندگی است در اشتباه است. حتی بیشتر در اشتباه کسی است که فکر می‌کند دیگران بدون او نمی‌توانند زندگی کنند.

A man who thinks he can live without other people is wrong, and a man who thinks others cannot live without him is even more wrong.

Hassidic saying

ذکاوت از وجود دانای خودنما می‌گریزد و نبوت از وجود پیامبر خودنما.

Wisdom departs from a boastful sage, and prophecy from a boastful prophet.

Talmud

خطای درون خود را به دیگران نسبت مده.

Do not attribute the fault within thee to thy fellow-man.

Baba Metzia, 59.

انسان بیماریهای ظاهری همگان را می‌بیند به جز بیماری خودش را.

A man sees every disease of the skin except his own.

Negaim, 2, 5.



دَنیل (DANIEL)

اسحقیان

فرزند بیژن و مژگان اسحقیان، دانش آموز ممتاز کلاس هفتم با معدل A دبیرستان متوسطه پورتولا در تارزانا

ای دروازه ساز، ببین که دروازه خودت شکسته است.

Gatemaker, O see, thine own gate is broken.
Bereshit Rabbah, 67, 2.

تف سر بالا به صورت خود تف کننده خواهد نشست.

The spittle, which a man throws upward, will fall upon his own face.
Kohelet Rabbah, 7, 9.

تن پروروان فقط غذای کرمهای زمین را افزایش میدهند.

Those who increase their flesh only increase food for worms.
Ethics of the Fathers

بدون خود بودن و خود ماندن عشقی وجود نخواهد داشت.

Without being and remaining oneself, there is no love.
Martin Buber

برای آدم خودخواه، خداشناسی بی معنی است

There is no room for God in a person who is full of himself.
Baal Shem Tov

هیچ چیزی از مرد خودخواه، زشت‌تر نیست.

Nobody is as ugly as a self-satisfied man.
Hassidic saying

Suicide خودکشی

کسی که خودکشی می‌کند در دنیای آخرت جایی نخواهد داشت.

He who takes his own life has no share in the World-to-Come.
Ascribed to Talmud but not found.

Prosperity خوشبختی

بر حال کسی که از خوشبختی خود بی خبر است باید گریست.

Mourn for the man who does not know his good fortune.
Talmud

God's Court دادگاه الهی

هنگامی که یک روح در دادگاه الهی حاضر شود، از او خواهند پرسید: «آیا به انصاف رفتار کرده‌ای؟»

When a soul is judged, it is asked: Have you dealt justly?
Shabbat, 31.

تنها تصور ما از زمان بما این امکان را میدهد که یک روز را روز دادرسی بنامیم. در حقیقت دادگاه الهی یک دادگاه همیشگی است و جلسات آن دایمی است.

Only our concept of time makes it possible for us to speak of the Day of Judgment by that name; in reality it is a constant court in perpetual session.
Franz Kafka

Knowledge دانش

آموختن به شاگردان خود را با خنده و مزاح گویی شروع کن بگذار یک کمی بخندند بعد جدی شو.

Open your lesson with a joke; let your students laugh a little. Then become serious.
Talmud

اگر در دبستانی بیشتر از ۲۵ نفر بچه وجود دارد یک دستیار استخدام کن.

If there are more than twenty-five children in a school for young children, hire an assistant.
Talmud

دانش بدون مذهب احمقانه است و مذهب بدون دانش کور.

Science without religion is lame; religion without science is blind.
Albert Einstein

چرخ علم بدون دین لنگ است و دین بدون علم اشتباه است.

Science without religion is lame. Religion without science is blame.
Albert Einstein

دروس کهن را درک کن، دروس نوین را نیز درک خواهی کرد.

If you understand the old lessons, you will understand the new.
Talmud

علم بدون دین لنگ است و دین بدون علم نابیناست.

Science without religion is lame; religion without science is blind.
Albert Einstein

نگو که اگر موقعیتی ایجاد شد تحصیل میکنم چون ممکن است که آن زمان هرگز نیاید.

Don't say "I'll study when I have time," because you may never have time.

Hillel

Honesty درستکاری

سرقت از مردگان بدتر از دزدیدن از زندگان است.

It is worse to rob the dead than to rob the living.

Semahot, 9.

در دنیای آینده خوردن، نوشیدن، تولید مثل، کسب کار، حسادت، تنفر و یا مزد وجود ندارد، ولی درستکاران، تاج بر سر نشسته و از نور حضور الهی بهره‌ور میگردند.

In the future world there will be no eating, drinking, propagation, business, jealousy, hatred, or compensation, but the righteous will sit with crowns on their heads, enjoying the brilliance of the Divine Presence.

Abba Aricha

آنکه اداره اموالی را که بدستش سپرده شده طبق خواسته صاحب مال اداره نمیکند دزد خوانده میشود.

He who does not handle property entrusted to him according to the wishes of its owner, is called a robber.

Baba Metzia, 78.

Humbleness درویشی

کسی که ملامت می‌کشد و شکوه نمی‌کند را درویش می‌نامند.

He who hears himself abused, and yet keeps silent is called a Hasid.

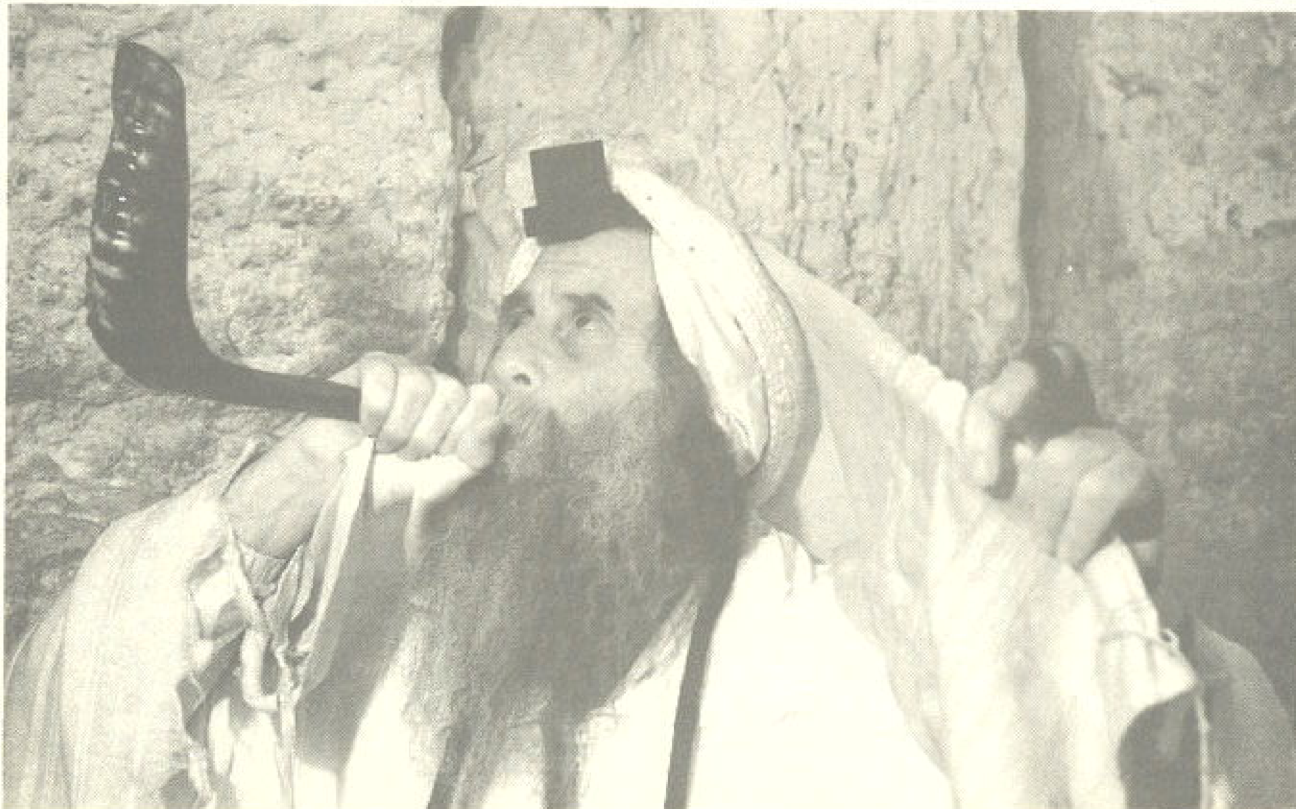
Yalkut to Psalms, 629.

اگر درویش بی خیال و خودپرستی را یافتی در همسایگی او منزل نکن.

If an ignorant man is a Hasid, reside not in his vicinity.

Shabbat, 63.

اگر کسی علاقمند به ملامت کشیدن باشد راه صحیح پیموده است.



If a man loves rebuke, he has chosen the right pathway.
Tamid, 28.

کسی که سرزنش را پذیرا شود برکت می‌یابد.

He who accepts admonition merits blessing.
Debarim Rabbah, 1,9.

ملامت کشیدن به محبت و صلح می‌انجامد.

Admonition leads to love and peace.
Sifre Debarim, 2.

Self Defense دفاع از خود

اگر کسی به قصد کشتن تو برخاست، تو او را اول بکش.

If someone comes to kill you, rise up early and kill him first.

Talmud

World To Come دنیای آینده

سه چیز را در مد نظر داشته باش تا از بلایا و ضررها مصون بمانی: بدان که از کجا آمده‌ای، به کجا میروی، و به چه کسی بطور کامل حساب پس خواهی داد.

Keep three things in mind and you will escape the results of evil: Know where you came from, where you are going, and before Whom you will have to give a full account.
Ethics of the Fathers

در عصری که خواهد آمد نه مرگ وجود خواهد داشت، نه سوگ و نه غصه.

In the Age-to-Come there will be no death, no sorrow and no tears.
Mishnah Moed Katon, 3, 9.

دنیای فانی استراحتگاه موقتی بیش نیست، دنیای باقی خانهٔ ابدی ماست.

The world is like an inn; the world to come like home.
Talmud

حتی یک حرامزاده هم سهمی از دنیای آینده خواهد داشت.

Even a bastard has a share in the World-to-Come.
Kohelet Rabbah, 4, 3.

هیچکس به دلیل شایستگی پدرش در لذات دنیای آینده شرکت داده نمی‌شود.

No one partakes of the enjoyments of the World-to-Come because of his father's merits.
Midrash Tehillim, 146, 2.



راب می‌گفت: دنیای آخرت شباهتی به دنیای کنونی ندارد، در دنیای آینده خوردن و نوشیدن، زاد و ولد، داد و ستد، حسادت و نفرت و ستیز نیست. بلکه درستکاران، تاج بر سر، از درخشندگی حضور الهی بهره‌مند میشوند.

Rab used to say: "The World-to-Come is not like this world. In the World-to-Come there is no eating and drinking, no begetting of children, no bargaining, no jealousy and hatred, and no strife. But the Righteous sit with their crowns on their heads, enjoying the effulgence of the Shekinah."

Berakot, 17a.

ربای یوحانان میگفت: «تمام پیامبران ما از اتفاقاتی که در دوران ظهور ماشیح روی خواهد داد سخن می‌گویند، ولی ماوراء گور را هیچ چشمی ندیده و گوشی نشنیده و فقط خداوند میداندکه برای آنهایی که در انتظار ش می‌مانند چه فراهم کرده است».

Rabbi Johanan said: "All our Prophets foretell only what will happen in the days of the Messiah, in the ideal future state here on earth; but as for the world beyond the grave, no eye hath seen, and no ear hath heard, but God alone knows what He hath prepared for those who wait for Him!"

Berakot, 34b.

Falsehood دروغ

مانند زنی است که در اتاق فاسق خود به جان همسرش قسم می‌خورد.

It is like a woman who is in the apartment of her lover, and swears by the life of her husband.

Tanhuma Emor, 2.

اعانه‌یی که از طریقی فریبکارانه به عنوان کمک به فقرا و بیماران جمع‌آوری شده باشد بی ارزش است.

Worthless charity is given when a woman acquires money dishonestly and then distributes it to the poor and sick.

Shemot Rabbah, 31 end.

شش خصلت در نظر خدا منفور و هفت چیز نزد خداوند پلید است: چشم پر غرور - زبان دروغ - دست آغشته به خون بیگناه - قلبی که افکار پلید میپروراند - پاهائیکه در دویدن به طرف شیطان عجله میکند - شاهد دروغگو که از هر نفسش دروغ بر می‌آید.

Six things the Lord hates, seven are an abomination to Him: haughty eyes, a lying tongue, hands that shed innocent blood, a heart that devises wicked thought, feet that are swift in running to evil, a false witness that breathes out lies, and he that sows discord among brothers.

Proverbs

چهار گروه روح خداوند را نمی‌بینند:

اول - مقلدین.

دوم - آدم ریاکار.

سوم - انسانهایی که به بدگویی و افترا عادت دارند.

چهارم - انسانهای دروغگو.

There are four groups of people who cannot see God's spirit: those who mock, hypocrites, slanders, and liars.

Midrash

مردانه بمیر ولی دروغ نگو.

Rather a man die than lie.

Rabbi Nahman of Bratslav

عوامفریبان در درگاه الهی جایی ندارند.

Hypocrites are excluded from the presence of God.

Sotah, 42a.

Hypocrisy دورویی

تلمید حاخام (دانش جوی تورا) همانند صندوق عهد تورا است که از درون و برون با طلای ناب آراسته شده بود. ربا گفت: «دانش جویی که درونش مانند برون او نیست، دانشجو نیست».

A "Talmid Hakam" (student of the Torah) should be like the ark which was plated with pure gold within and without. Rabba said: "A student who is not inwardly what he is outwardly is no student."

Yoma, 72b.

ربی بنیامین گفت: «بعضی از آموختن دو رو هستند. دیگران فرض می‌کنند که آنها پژوهشگر تورا و تلمود می‌باشند در حالیکه این طور نیست. ایشان خود را در صیصیت می‌پوشانند و تفیلین بر سر می‌گذارند ولی اشک مظلومین را در نظر نمی‌گیرند و آنها را آسایش نمی‌دهند».

Rabbi Benjamin said: "There are hypocrites of learning. It is supposed by people that they are Biblical and Talmudical scholars, but they are not. They wrap their Tallit about them and have their Tefillin on their head, 'and behold the tears of the oppressed, and they have no comforter.'" (Ecc:4:1)

Kohelet Rabbah to 4, 1.

چه زیبا سخن می‌رانی، ولی آیا به همین زیبایی آنرا انجام می‌دهی؟

Thou preachest beautifully, but is thy practice beautiful?

Yebamot, 63.

واعظ خوش سخن اما بدکار.

There is the preacher of fine words but wicked conduct.
Hagigah, 14.

Freind & Enemy دوست و دشمن

چه کسی شجاعترین قهرمان است؟ آنکه دشمن خود را به دوست تبدیل کند.

Who is the bravest hero? He who turns his enemy into a friend.

Abot de-R. Nathan, 23.

دشمن ساختن بسیار آسان است و دوست یافتن بسیار دشوار.

It is easy to acquire an enemy, but difficult to acquire a friend.

Yalkut Shimeoni on Pent., 845.

در انتخاب یک دوست، یک پله از خود بالاتر برو.

In choosing a friend, go up a step.
Yebamot, 63a.

آنکه با اشخاص فاسد مراوده کند خود فاسد است.

He who consorts with immoral people is himself immoral.

Kallah Rabbati, 3.

اگر دو شخص همزمان درخواست کمک کردند و یکی از آن دو نفر دشمن تو بود، نخست او را کمک کن.

If two men claim thy help, and one is thy enemy, help him first.

Baba Metzia, 32b.

مردی از یک لهستانی متنفذ پرسید «عقیده‌ات راجع به یهودیان چیست؟» پاسخ داد «خوک صفت، قاتل مسیح، رباخوار و غیر قابل اعتماد». ولی نظرت راجع به اسحاق چیست؟» من با تمام قلبم او را دوست دارم، مرد قابل احترامی است، مرد مهربانی است او مرا از ورشکستگی نجات داد». نظرت راجع به برل چیست؟ «من برل را در تمام طول عمرم می‌شناخته‌ام او بهترین است» و راجع به ساموئل؟ «ساموئل یک فرشته است همانطورکه همه می‌دانند».
همان مرد نزدیک مرد یهودی ثروتمند پرهیزکار رفت و از او پرسید، «عقیدهٔ تو راجع به یهودیان چیست؟» مرد پارسا پاسخ داد: «درباری از روحانیون و ملتی مقدس، برگزیدهٔ خداوندکه نامش مبارک باد». راجع



دولت و حکومت Government

اطمینان از اجرای فرمان، تنها از راه ترس از مجازات نمی‌تواند بدست بیاید. مأیوس کردن فکر، امید و آرزوکار سالمی نیست. ترس، باعث حقارت میشود، حقارت، تنفر می‌آفریند، نفرت پایه‌های حکومت را فرو می‌ریزد.

Order cannot be secured merely through fear of punishment. It is hazardous to discourage thought, hope and imagination. Fear breeds repression; repression breeds hate; hate menaces stable government.

Louis D. Brandeis

به صدای مردم گوش کن.

Listen to the voice of the people.

Samuel I

باید به دولت و حکومت احترام گذاشت.

A man must respect the government.

Mekilta Bo.

به اسحاق چه فکر می‌کنی؟ «آن دزد، آن آدم رذل؟ امیدوارم که استخوانهایش خُرد بشود حتی با نگاه کردن از شما دزدی می‌کند». راجع به برل چه فکر می‌کنید؟ «او هم مانند شخص قبلی است. بدون حقیقت و عدالت، فکر می‌کنی من به دینداری او اعتماد دارم؟ او یک احمق متظاهر است».

A man came to a Polish magnate and asked him: "What do you think of the Jews?" The answer was: "Swine, Christ-killers, usurers, not to be trusted."
"But what do you think of Isaac?"
"A man after my own heart. An honorable man. A kind man. He saved me from bankruptcy."
"And what do you think of Berl?"
"I have known Berl all my life. He's one of the best."
"And of Shmuel?"
"Shmuel is a saint, as everyone knows."
The same man went to a rich and pious Jew and asked him:
"What do you think of the Jews?" The pious man answered: "A kingdom of priests and a holy nation, the elect of the Eternal, blessed be His name."
"And what do you think of Isaac?"
"That thief? That scoundrel? May his bones be broken. He looks at you and you are robbed!"
"And of Berl?"
"A fellow of the same kind, without truth or justice."
"Do you think I am taken in by his piety? A pretentious idiot."

Ludwig Lewisohn



هنگامیکه شخصی را مشاهده میکنیم که بر گروهی حکم میراند و بر تمامی کشور استبداد روا میدارد، شمار بزرگی از انسانها را می‌بینیم که در ترس بسر میبرند. آنها از چه کسی می‌ترسند؟ در حقیقت نیروی این بردگان بگونه‌ی غیر قابل قیاسی از نیروی حکمران بیشتر است. امّا هر برده خود را رویاروی بردگان دیگر می‌بیند. و اگر این گروه بخواهند بپا خیزند، هر یک از دیگری واهمه دارد.

When we observe one person ruling over a people, dictating to the entire state, we are watching a large group of human beings conducting themselves with fear. But whom do they fear? In reality the slaves are immeasurably superior to their master in terms of power. But each slave sees himself as one against all his fellow slaves. If they desire to rebel, they are afraid of one another.

...این حکمران نیست که منبع ترس است، بلکه منبع ترس ارتش بردگان اوست که از او فرمانبرداری میکنند. بعبارت دیگر آنها از خود هراس دارند. ضعف آنان یک تخیل است، یک تصور غلط و یک اشتباه است.

. . . It is not the ruler who is the source of fear, but the army of slaves who follow his orders. Or, if you will, they fear themselves. Their weakness is an imagination, a misconception, a slave's error.

...انقلابهای بزرگ در واقع اصلاح این تصور نادرست است، یک اشتباه ناچیز در ذهن آنانی که به اسارت کشیده شده‌اند.

. . . All great revolutions are really the correcting of this misconception, a trifling error in the minds of the enslaved.

Jacob Klatzkin

برای رفاه سرزمینی که من شما را در آن درگالوت (تبعید) دیدم کوشا باشید و برای آن سرزمین دعا کنید. زیرا که رفاه خود را در رفاه آن خواهید یافت.

Seek the welfare of the land into which I have seen you carried in exile, and pray to the LORD on this land's behalf; for in its welfare shall you find your welfare.

Jeremiah 29:7

برای پایداری دولت کشورتان به درگاه خداوند دعا کنید زیرا احترام به حکومت است که از زنده زنده بلعیده شدن انسانها بدست یکدیگر جلوگیری میکند.

Be sure that you pray for the well-being of the government, for it is respect for authority that saves people from swallowing up one another alive.

Pirke Avot

مارساموئل فرمود: «قانون»، قانون کشور است».

Mar Samuel said: "The law of the state is law."

Nedarim, 28a.

برای بهروزی حکومت دعاکنید زیرا اگر ترس از حکومت نبود افراد بشر یکدیگر را زنده می بلعیدند.

Pray for the welfare of the government, since but for the fear of it, men would swallow one another alive.

Ethics of the Fathers

ارزش یک خردمند برای یک کشور بیش از ارزش یک پادشاه است.

A wise man is a greater asset to a nation than a king.

Maimonides

تندروترین انقلابیون، فردای روز انقلاب، مبدل به محافظه کار می‌شوند.

The most radical revolutionary will become a conservative on the day after the revolution.

Hannah Arendt

به امیران اعتماد نکن.

Put not your trust in princes.

Psalms

قدرت، دارندگانش را دفن میکند.

Power buries those who wield it.

Talmud

شهوت قدرت داشتن از توانایی سرچشمه نمیگرد بلکه از ضعف برمیخزد.

The lust for power is not rooted in strength, but in weakness.

Erich Fromm

خداوند به حضرت موسی فرمود «به فرعون و یا هر پادشاهی با احترام رفتارکن» حتی در زمانی که می خواهم او را قصاص بدهم.

God said to Moses: "Be respectful to Pharaoh and any king, even when it is My purpose to afflict him with My judgment."

Shemot Rabbah, 7.

از یاد مبر که برای حکومت کشوری که در آن زندگی میکنی همیشه دعاکنی. چراکه اگر حکومتی بر جا نباشد انسانها زنده زنده یکدیگر را خواهند خورد.

Be sure that thou prayest for the well-being of the government, for it is respect for authority that saves men from swallowing up each other alive.

Abot, 3, 2.

قانون کشور، بر دیگر قوانین ارجحیت دارد.

دیوار ندبه Wailing Wall

دیوار ندبه:
مادری پیر که برای همه ما اشک میریزد، خودسرانه، عاشقانه در انتظار نجات و رهایی است. آمین برزمینی که بر آن ایستاده‌ام باد. من از بی تفاوتی می‌ترسم.
از آشویتس تا به حال خوشیهای من با ماتم یکی شده‌اند، لذاتم با خاطرت بد عجین‌اند...امنیت در هیچ جا و هیچ زمانی وجود ندارد. خورشید می‌تواند کابوس باشد، انسانیت از جانوری وحشی بدتر.
...وقتی فقط برای یک لحظه درکنار «دیوار» زندگی کنید، هرگز دور نخواهید شد، اورشلیم، تنها یک گنبد نیستی، میعادگاهی برای زیارت که بعد آن را ترک کنند. بگذار اورشلیم برای باری دیگر با قوم ما سخن بگوید. با تمامی مردم.

The (Western) Wall: The old mother crying for all of us, stubborn, loving, waiting for redemption. The ground on which I stand is Amen. I am afraid of indifference. Since Auschwitz my joys grieve, pleasures are mixed with vexations. . . no security anywhere, anytime. The sun can be a nightmare, humanity infinitely worse than a beast. . . . Once you have lived a moment at the Wall, you never go away, Jerusalem, you are not a shrine, a place of pilgrimage to which to come, and then depart. Let Jerusalem speak again to our people, to all people.

Abraham Joshua Heschel

رابطه با غیر یهودیان

Treating Non Jews

ربانیم آموخته‌اند که بخاطر برقراری روابط صلح‌آمیز و بخاطر حرمت توراه که همه طریقتش صلح و آشتی است، فقیر غیر یهودی میتواند بازمانده‌های محصول درو نشده را در مزرعه یهودی استفاده نماید و به همان گونه که برای یهودی مقرر شده است. (طبق قانون یک گوشه مزرعه را دست نخورده برای مصرف مستمندان میگذارند). نیازمند غیریهودی باید بتواند غذا و پوشاک از صندوق خیریه یهودیان همانند یک یهودی دریافت نماید. اگر بیمار غیریهودی دوستی ندارد، باید آنان را عیادت کرد، همانطور که برای یهودی مقرر شده است. اگر صاحبی برای جسد غیر یهودی شناسایی نشود، باید همچون یهودیان درگذشته بوسیله یهودیان بخاک سپرده شود.

هر گاه یک یهودی یک فرد غیر یهودی را در حال کار کردن در کشتزار می‌بیند باید با خوشرویی به او درود گوید حتی اگر در سال هفتمین که یهودی در آنگاه از کار کردن منع شده است.

The Rabbis have taught: "For the sake of peaceful intercourse or for the sake of the Torah whose ways of peace, the non-Jewish poor may gather unharvested produce left over in Jewish fields, in the same fashion as the Jewish poor. The non-Jewish poor shall receive food and garments from Jewish charity funds the same as Jews. If the non-Jewish sick have no friends, they should be visited the same as the Jewish sick. If no one claims the body of the non-Jewish dead, they should be buried by Jews, the same as the Jewish dead. When a Jew sees a non-Jew at work in the field, he should greet him with words of blessing, even in the forbidden seventh year when a Jewish worker should be shunned."

Gittin, 61.

دزدیدن از بت پرست منع شده است.

It is forbidden to rob the idolator.

Y. Baba Metzia, 2, 5.

حتی یک شخص بت‌پرست هم میتواند صدیق باشد.

Even an idolator can be a Zaddik.

Bemidbar Rabbah, 8, 2.

غیر یهودیان به پشتوانه سی نفر عادل که در میان آنها هستند، زندگی میکنند.

The Gentiles live by the presence among them of thirty just men.

Hullin, 92.

درستکاران در جامعهٔ غیر یهودیان و در دنیای آخرت سهمی خواهند داشت.

The just among the Gentiles are priests of God.

Eliyahu Zuta, 20.

درستکاران در جامعهٔ غیر یهودیان در دنیای آخرت سهمی خواهند داشت.

The righteous among the Gentiles will have a share in the World-to-Come.

Yalkut Shimeonik, Prophets, Section 296.

ربای الکساندر می‌گفت: «پروردگار به غیر یهودیان چنین گفت: از نزدیک شدن به من نهراسید حتی اگر شدیداً بمن اهانت کرده‌اید. آیا من از قبول «راخاو» روسپی خودداری کردم که با یهوشوع ازدواج کرده و صاحب نوادگان ارزنده‌ای گردید؟ آیا من از پذیرفتن «یترو» کاهن بی دینان مشرک بت پرست امتناع ورزیدم که دخترش با والاترین مردها ازدواج کرد؟ آیا من وعده نداده‌ام که ناجی از نسل روت موآبی خواهد بود؟

Said R. Alexanderi: "God saith to the Gentiles: 'Be not afraid to come near Me even if thou hast offended greatly. Have I not accepted in My fold Rahab, the harlot, who married Joshua and had fine descendants? Have I not received Jethro, the Pagan Priest, whose daughter married Moses, our greatest man? Have I not promised that the Messiah will descend from Ruth, the Moabitess?'"

Pesikta Rabbati, 41, 3.

توراه در بیابان داده شد، با همه تبلیغات در جایی نازل شد که کسی را بر آنجا ادعایی نبود، زیراکه اگر در سرزمین ایسرائیل داده میشد - ممکن بود یهودیان، غیریهودیان را از داشتن جایی در آن محروم نمایند.

The Torah was given in the desert, given with all publicity in a place to which no one had any claim, lest, if it were given in the land of Israel, the Jews might deny to the Gentiles any part in it.

Mekilta on Exodus, 19, 2.

اگر زبانت را به گفتار بد درباره برادرت که از قوم و ملت تو نیست عادت بدهی، خواه ناخواه همین کار را درباره افراد قوم خود خواهی کرد.

If thou hast nabituated thy tongue to speak evil of thy brother who is not of thy own nation, thou wilt end by speaking evil of thine own nation.

Debarim Rabbah, 6, 9.

نسبت به هیچ کافری اگر حتی برادر خودت باشد نباید بد رفتاری کنی چون گناه است.

The heathen is thy neighbor, thy brother; to wrong him is a sin.

Tana d'be Eliyahu, p. 284.

کلاه گذاشتن سر یک نفر غیر یهودی بدتر از کلاه گذاشتن به سر یک یهودی است. چون علاوه بر آنکه تخطی از قوانین اخلاقی است، ارزش دین یهود را پائین آورده و خداوند قوم ایسرائل را بدنام می‌کند.

To cheat a Gentile is even worse than cheating a Jew, for besides being a violation of the moral law, it brings Israel's religion into contempt, and desecrates the name of Israel's God.

Baba Kama, 113b.

به یهودیان توصیه شده است که در راه پیشرفت یک جامعه غیر یهودی از کمک به آنان دریغ نکنند.

The Jew is recommend to resort to the aid of Gentiles in administering the affairs of his community.

Y. Gittin, 5, 9.

کسی که از بت‌پرست می‌دزدد، سرانجام از یک یهودی خواهد دزدید.

He who steals from an idolater will end by stealing from an Israelite.



در شهری که در آن هم یهودی و هم غیر یهودی وجود دارد، آنان که پول گردآوری می‌کنند باید هم از یهودی و هم از غیریهودی جمع کنند و باید فقرای هر دو را غذا بدهند، بیماران هر دو را ملاقات نمایند، درگذشتگان هر دو گروه را به خاک بسپارند و سوگواران هر دو را تسلی بخشند بدون آنکه توجه داشته باشند به اینکه آنها یهودی هستند و یا غیر یهودی و باید اموال گمشدهٔ هر دو را به صاحبانشان برگردانند.

In a city where there are both Jews and Gentiles, those who collect money should collect from both the Jews and Gentiles, and feed the poor of both, visit the sick of both, bury both, comfort the mourners regardless if they are Jews or Gentiles, and restore the lost goods of both.
Jerusalem Talmud

به شخص غریب بدی نکنید، و بر او ستم نکنید زیرا که خود شما در سرزمین مصر غریبه بودید.

And a stranger you shall not wrong; neither shall you oppress him; for you were strangers in the land of Egypt.
Exodus 22:20

تمام یهودیان و کسانی که به دین یهود گرویده‌اند، مانند برادر میباشند.

All Jews, including proselytes, are like brothers.
Maimonides

برای یک فرد یهودی کلاه‌برداری و تقلب در مورد غیر یهودی بدتر از کلاهبرداری از یک یهودی است. زیرا اینکار علاوه بر قانون شکنی موجب خفت و اهانت به یهودیت نیز میگردد.

For a Jew to cheat a Gentile is worse than cheating a Jew. In addition to breaking the moral law, it brings Jews into a position of contempt.
Talmud

دزدی از عساو به پلیدی دزدی از بنی ایسرائل است.

It is as wrong to steal from Essau as from Israel.
Nahmanides

یهودی موظف به انجام اعمال شفقت‌آمیز حتی به غیر یهودیان است.

The Jew is enjoined to do deeds of mercy to those who are not of his brotherhood.
Gittin, 61a.

گول زدن یک یهودی یا حتی غیریهودی گناه است.

It is forbidden to deceive anyone, Jew or Gentile.
Talmud



ما با آموزش از ربانیم خود آموخته‌ایم که بینوایان را چه یهودی باشند و چه نباشند حمایت کنیم و بیماران را چه همکیش ما باشند و چه نباشند عیادت کنیم و بی چیزان را چه از قوم یهود باشند و چه نباشند به خاک بسپاریم و با چنین اعمای هوادار صلح باشیم.

We have been taught by our rabbis: We lend support to the poor who are not Jewish as well as to those who are Jewish; and visit the sick who are not Jewish as well as the sick who are Jewish; and bury the poor who are not Jewish as well as the poor who are Jewish; in the interests of peace.

Talmud

بزرگان یهود هشدار خداوند تعالی را چنین توصیف کرده‌اند: «چنانچه الوهیت مرا بر غیر یهودیان عرضه ندارید، برای اینکار جریمه سختی خواهید پرداخت».

"If ye publish not My divinity to the Gentiles," the Rabbis picture the Supreme as warning Israel,"ye must pay the penalty for your refusal."

Wayyikra Rabbah, chap. 6.

یک یهودی نمیتواند گوشت یک حیوان مرده و یا در حال مرگ را به یک غیر یهودی بفروشد، مگر آنکه این امر را بر او آشکار کرده باشد...وگرنه محکوم به فریبکاری است.

One may not sell meat from a dead or mortally wounded beast to a non-Jew, unless he discloses this to him. Otherwise he is guilty of deception.

Hullin, 94.

تورات می‌گوید: «[حق، حق] را دنبال کنی». چرا تورات باید لغت حق را تکرار کند؟

ربنو بَحیه تفسیر میکند که: تورات اشاره می‌کند که چطور همان میزان حق و درستکاری که شامل حال برادران یهودی می‌شود باید شامل حال تمام غیر یهودیان نیز بشود.

The Torah states, "*Tzedek, tzedek* [Justice, justice] you shall pursue" (Deuteronomy 16:20). Why should the Torah repeat the term *tzedek?*
Rabbenu Bachaye . . . interprets that the Torah intimates how the same standard of justice and righteousness that is applied toward Jewish brothers is also to be applied toward all Gentiles.

Ahron Soloveichik

به سخنان اطرافیانت کاملاً گوش فرا ده و میان یهودی و غیر یهودی منصفانه قضاوت کن.

در داوری خود متعصب نخواهی بود: به افراد مهم و افراد ناچیز گوش فرا بده. از هیچ انسانی نترس چون قضاوت از آن خداست.

Listen fully to what those around you say and make and make just decisions between any person and another Jew or a stranger.
You will not be biased in your judgment: listen to those who are important and unimportant. Fear no man, for judgment is God's.

Deuteronomy 1:16-17

آنکه عدالت را بر شخص تازه یهودی شده روا ندارد مانند آنست که عدالت خدا را فراموش کرده است.

He who turns away a proselyte seeking justice is as if he had turned away the justice of God.

Hagigah, 5.

هنگامی که برای تسخیر شهری آنرا مورد محاصره قرار میدهید، مجاز نیستید که ساکنین آنجا را از چهار سوی محاصره کنید، بلکه تنها از سه سوی تا بدینگونه بدانهایی که می‌خواهند فرار کنند و زنده بمانند این امکان را داده باشید. ما از کیشمان آموخته‌ایم که این روش به موسی داده شده است.

When you want to capture a city and for this purpose lay siege to it, you are not allowed to encircle the community on all four sides but only on three sides so that those who want the chance to escape can leave and keep their lives. . . .
We have learned from our tradition that this policy was given to Moses.

Mamonides

پیامبران، هم به قوم یهود و هم به بت پرستان مهر می‌ورزند.

The prophets had compassion both upon Israel and idolaters.

Tanhuma Balak, 1.

رابطه زناشویی Married Life

حسادت مرد نسبت بهمسرش گواه آنست که او را دوست دارد ونشان میدهد که به هیچ زن دیگری به دیده ستایش نمی‌نگرد.

A man's jealousy for his wife proves his love for her, and demonstrates thereby that he looks with admiration at no other woman.

Zohar, i, 115b.

اگر مردی بی ایمان باشد باعث می‌شود که زن او نیز بی ایمان شود.

A faithless husband makes a wife faithless.

Talmud

ربای شمعون بن گمالیئل می‌گوید: اگر شوهری از کار کردن همسرش جلوگیری کند، او باید این همسر را طلاق داده و مخارج عقدش را بدهد، زیرا بیکاری یکی از علل بروز دیوانگی است.

Rabbi Simeon ben Gamaliel said: "If a husband has restrained his wife from doing any work, he should grant her a divorce and pay the Ketubah, for idleness is a cause of insanity."

Mishnah Ketubot, 5,5.

پر بار باشید و زاد و ولد کنید و به زمین ذخیره تازه بدهید.

Be fruitful and multiply, and replenish the earth.

Genesis

برکت خداوند در جایی است که زن و مردی با شادمانی با هم زندگی می‌کنند.

The blessing of the Lord is found only where there is a happy communion of man and woman.

Zohar, i, 55b.

مرد باید کمتر از آنچه می‌تواند بخورد و همسر و فرزندانش را بیش از آنچه که باید احترام بگذارد.

A man should eat less than he can afford, and should honor his wife and children more than he can afford.

Hullin, 84.

مرد باید مواظب باشد که همسرش را نیازارد و باعث گریستن او نشود.

A man should be careful not to irritate his wife and cause her to weep.

Baba Metzia, 59.

زن، شادمانی قلبی مرد است.

A wife is the joy of a man's heart.

Shabbat, 152.

مردی که چشم به درآمد همسرش داشته باشد هرگز برکت نخواهد دید.

He who looks for the earnings of his wife sees never a sign of blessing.

Pesahim, 50.

مردی که چشم براه مرگ همسرش باشد که ارثیهٔ او را بگیرد به دست وی دفن خواهد شد.

He who awaits his wife's death in order to inherit her possessions will be buried by her.

Tosefta Sotah, 5.

همبستگی میان زن و مرد راز ایمان واقعی است.

The bond between male and female is the secret of true faith.

Zohar

هر مرد پادشاه خانه خود است.

Every man is king in his own home.

Abot de-R. Nathan, 28.

مرد باید مواظب احترام همسرش باشد.

A man should be careful of his wife's honor.

Baba Metzia, 59.

مرد فقط در همسر اولش شادمانی خواهد داشت.

A man can find contentment only in his first wife.

Yebamot, 63.

خانه یعنی بانوی خانه.

Home means one's wife.
Talmud

وقتی هدف رفتن به آشیانه خودت است سختی سفر را حس نمی‌کنی.

If you know you're going home, the trip is never too hard.
Chofetz Chaim

خشم در میان خانه و خانواده مانند لک زدگی میوه است.

Anger in a home is like rottenness in a fruit.
Talmud

بی اخلاقی در خانه مانند کرم میوه است.

Immorality in a home is like a worm in a fruit.
Sotah, 3.

Mysticism راز الهی

پروردگار مقدس که ستایش بر او باد، مکانی به خود اختصاص داده است که نامش Mistarim (راز) است.

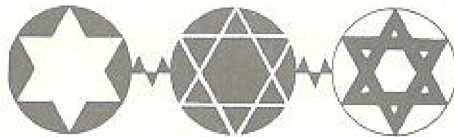
The Holy One Blessed Be He has a place reserved for Himself, and its name is "'Mistarim'-Mystery"!
Hagigah, 5b.

.. چهار ربای بزرگ در خداشناسی غوطه‌ور شدند. بن عزای نگریست و جان داد، بن زوما نگریست و عقلش را از دست داد، الیشا آخر نهال‌های توراه را برکند (از دین خارج شد)، و فقط ربای اکیبا بسلامت خارج شد.

Four Rabbis indulged in theosophy: Rabbi Akiba, Rabbi Elisha ben Abuyah, Simeon ben Azzai, and Simeon ben Zoma. Ben Azzai looked and died; Ben Zoma looked and lost his mind; Elisha Aher cut down the plants of the Torah; only Rabbi Akiba made his exit in safety.
Hagigah, 14b.

همانگونه که نمک به تنهائی غذا نیست ولی برای خوش‌مزگی به غذا زده میشود، کبالا گر چه به سختی قابل فهم و بی مزه است ولی به توراه طعم و مزه می‌بخشد.

Though not itself food, salt adds flavor to dishes. The same is true of Kabbalah (Jewish mysticism)-though scarcely comprehensible-and tasteless-in itself, it adds flavor to the Torah.
Shneur Zalman



Confidentiality رازداری

کوه چشم دارد و دیوار گوش.

The mountains have eyes and the walls have ears.
Pirke de Rabbenu ha-Kadosh, 3.

Usury رباخواری

سربلند آنکسی است که به فرد محتاج «چه یهودی و چه غیره» بدون چشم‌داشت بهره، پول قرض دهد.

Whoever does not lend money on interest, either to a Jew or Gentile, walks with honor.
Talmud

رباخوار ترسی از خداوند ندارد. پروردگار میفرماید: «هر که از رباخواری در این دنیا تأمین زندگی کند، جایی در آن دنیا نخواهد داشت».

The usurer has no fear of God. God says, "Whoever lives on usury in this world will not inhabit the next world."
Exodus Rabbah

God's Mercy رحمت خداوند

خداوند خودش خالق است و از بندگان خود نگهداری میکند. او خود ساخته و خود حمایت خواهد کرد.

God created and He provides; He made and He sustains.
Tanhuma, Buber, Wayyera, par. 24.

هنگامیه مصریان (دوران موسی و فرعون) در حال غرق شدن بودند فرشتگان خواستند آواز بخوانند. امّا خدا فرمود: مخلوقات دست من در حال مرگ هستند و شما میخواهید آواز بخوانید؟

When the Egyptians were drowning, the angels wished to sing. But God said: "My handiwork is dying, and you wish to sing?"
Megillah, 10.

غیر یهودیان محصول کار خودم هستند و قوم بنی اسرائیل هم مخلوق من هستند، آیا باید اولی را بخاطر دیگری منهدم کنم؟

The Gentiles are My handiwork, and the Israelites are My handiwork. Shall I destroy the former for the sake of the latter?
Sanhedrin, 98.

Salvation رستگاری

برای پناهندگی مکانهای بسیار وجود دارند و برای رهایی و رستگاری فقط یک مکان هست. اما امکانات رهایی نیز، همچون مکانهای پناهندگی بسیارند.

There are countless places of refuge, there is only one place of salvation; but the possibilities of salvation, again, are as numerous as all the places of refuge.
Franz Kafka

تنهایی من باعث صعود من است.

My lowliness is my exaltedness.
Shemot Rabbah, 45, 5.

رفتار غیریهودیان با یهودیان

Treating Jews by Non Jews

همانگونه که «مورد سبز» برای کسیکه آن را ببوید خوشبو و برای آنکه دندانش بگیرد تلخ مزه است، اسرائیل نیز برای ملتی که با آن مهربانی کند خوشبختی آورده و برای آنانکه نسبت به آن بدرفتاری روا دارند، بدبختی خواهد آورد.

As the myrtle is sweet to him who smells it, but bitter to him who bites into it, so Israel brings prosperity to the nation which grants them kindness, and depression to the people which afflicts them with evil.
Esther Rabbah, 6,5.

کسی که به قوم یهود کمک کند مانند آنست که به خداوند کمک کرده باشد.

He who aids Israel is as if he had aided the Shekinah.
Tanhuma, Wayyehi.

کسی که از قوم یهود دفاع کند خداوند او را بالا می‌برد.

He who defends Israel is uplifted by God.
Pesikta Buber, Berakah.

تا زمانی که از ترس از یهودی بودن رها نشده‌ایم، آزادی ما کامل نخواهد شد.

Our emancipation will not be complete until we are free of the fear of being Jews.
Mordecai M. Kaplan



اگر تئوری نسبیت من اثبات شود آلمان مرا آلمانی خواهد شناخت و فرانسه مرا متعلق به همه دنیا اعلام خواهد کرد. ولی اگر تئوری من به اثبات برسد، آنگاه فرانسه مرا آلمانی خواهد خواند و آلمان خواهد گفت که من یک یهودی هستم.

If my theory of relativity is proven successful, Germany will claim me as a German and France will declare that I am a citizen of the world. If my theory should prove to be untrue, then France will say that I am a German, and Germany will say that I am a Jew.

Albert Einstein

بزرگترین عمل ناحقی که شکسپیر در حق یهودیان کرد این بود که...با تأکید روی نکات منفی مذهب و نژاد شایلوک، او را نمونه‌ای از جامعه‌اش معرفی کرد. شکسپیر انسانهای ناخلف دیگری هم معرفی کرده ولی هرگز دین آنها را به خطاهایشان ارتباط نداده است.

The great wrong that Shakespeare did the Jewish people was . . . that by emphasizing at every evil point Shylock's race and religion, he made him as a type of his people . . . Shakespeare painted many other villains. . . yet never did he associate their religious creed with them.

گناهانی که آنها مرتکب شدند شخصی به حساب می‌آمد اما خطای شایلوک به یهودیت نسبت داده شد.

. . . The villainies they executed were individual, the villainy of Shylock was made to be Jewish.

Edward N. Caliseh

تنفر از یهودیت در نهایت، تنفر از مسیحیت است.

Hatred for Judaism is at bottom hatred for Christianity.

Sigmund Freud

پرسشی که پس از کابوس کشتار همگانی یهودیان (هالوکاست) برای بسیاری از ما پیش آمد این بود که «در آشویتس، خداوند کجا بود؟» و پاسخی که داده شد این بود «انسان کجا بود؟»

The question asked by many of us after the nightmare of the Holocaust was:
"At Auschwitz, where was God?"
And the answer that was given:
"Where was man?"

Dialogue of Holocaust survivors

خیابانی در تمام شهر رم نیست که در آن کسی با شمشیر کشته نشده باشد و این ملت شیطان صفت به ریختن خون یهودیان ادامه خواهد داد. آخرین نصیحت من به شما این است: از یکدیگر مراقبت کنید، به صلح و عدالت عشق بورزید، شاید هنوز هم جای امیدواری باشد.

There is not a street in all of Rome where someone is not killed by the sword, and this evil nation will continue to shed innocent Jewish blood. My last advice to you is: Care for one another, love peace and justice; perhaps there is yet some hope.

Yeshebab the Scribe (last words before martyrdom)

صدای آشویتس چه فرمانی می‌دهد؟ به یهودیان فرمان داده شده که یهودی باقی بمانند...آنها به هیچ وجه نباید از انسان و دنیای او ناامید گردند و بدامان بدگمانی پناه برده و یا فقط به دنیای دیگر چشم دوزند.

What does the Voice of Auschwitz command? Jews . . . are commanded to survive as Jews. . . . They are forbidden to despair of man and his world, and to escape into either cynicism or otherworldliness.

Emile Ludwig Fackenheim

ما نسلی هستیم که کسی برای ما دعا نمی‌کند.

We are a generation that lacks someone to pray for us.

Rashi (after witnessing the slaughter of the First Crusade)

آخرین کسی که از یهودیان متنفر است با آخرین یهودی خواهد مرد.

The last person to hate Jews will die only with the last Jew.

Victor Adler

Soul روح

روح از سه قسمت تشکیل شده است: قدرت زندگی، نیروی عقل و قدرت احساس برتر.

The soul consists of three parts: power of life, power of endurance, and the power of higher feeling.

Zohar, I, 81a.

روح هم مثل بدن پدر و مادر دارد.

The soul, like the body, has a father and mother.

Zohar, ii, 12a.

Leadership رهبری

رهبری که ملت اسرائیل را با فروتنی رهبری می‌کند در دنیای آینده نیز آنان را رهبری خواهد کرد.

A leader who guides Israel with humility shall lead them also in the World-to-come.

Sanhedrin, 92.

عالمان دین گفته‌اند که: «ترجیح بده که دم شیر باشی تا سر روباه».

The Rabbis have said: "Be rather a tail to a lion than the head of a fox."

Abot, 4:20.

اعمال رهبر به مانند کردار ملت است. اگر رهبر عادل باشد، ملت عادل است؛ و اگر او بی عدالتی کند، ملت نیز بی عدالتی کرده و به خاطر گناهان رهبر مجازات می‌شسوند.

The acts of the leader are the acts of the nation. If the leader is just, the nation is just; if he is unjust, the nation too is unjust and is punished for the sins of the leader.

Zohar, ii, 47a.

ربی زیرا فرموده: «میتوانیم از سومین فرمان که: «تو نمی‌بایست نام خداوند را بیهوده به کار بری» این درس را بگیریم که: «تو نمی‌بایست نام و نشان پر اهمیت برای خود اختیار کنی تا قاضی و رهبر شوی زمانی که در حقیقت لیاقت آن مقام را نداشته باشی».

Rabbi Zeira said: "We may learn from the third commandment: 'Thou shalt not take the name of the Lord thy God in vain' this lesson: Thou shalt not take the name of being worthy to become a judge or leader if in truth thou art unworthy."

Pesikta Rabbati, 22, 4.

اگر گله‌ای وجود نداشته باشد چوپان چه باید بکند؟

If there is no flock, what shall the shepherd do?

Yalkut to Pentateuch, 187.

آنکه بدنبال رهبری است عمرش کوتاه است.

The years of him are shortened who runs after leadership.

Berakot, 55.

چرا یوسف قبل از برادران خود درگذشت؟ زیرا که بر آنها حکمرانی میکرد.

Why did Joseph die before his brothers? Because he was masterful and ruled over them.

Berakot, 55.

قبل از انتخاب به مقام ریاست دادگاه مردی که بمن پیشنهاد نامزدی این مقام را میداد میخواستم جلوی شیران بیفکنم. ولی پس از انتخاب اگر کسی پیشنهاد استعفاء بمن میداد میخواستم آب جوش بر او بریزم.

Before I was elected to head the court, I would have thrown to the lions anyone who would have suggested to me to become a candidate. After my election, I would throw boiling water on anyone who would suggest that I resign.

Menahot, 109.

رهبر یک نسل نمونه آن نسل است.

Like generation, like leader.

Arakin, 17.

افراد بزرگ در مقابل پلیدی نسلی که در آن هستند چه میتوانند بکنند؟

What can the great ones do if their generation is evil?

Taanit, 24.

بر خلاف ظاهر، این اسب نیست که جنگجوی دلاور را تا پیروزی بر پشت می‌کشد، بلکه این خود دلاور است که اسب را تا پیروزی پیش می‌برد.

The horse does not carry the hero through to victory, but the hero carries through the horse.

Matnot Kehuna to Bereshit Rabbah, 68, 9, as Jerushalmi.

رهبری عمر آدمی را کوتاه می‌کند.

Leadership shortens life.

Talmud

حرامزادهٔ عالم بر رهبر مذهبی بیسواد برتری دارد.

A learned bastard takes precedence over an unlearned High Priest.

Mishnah, Horaiyot, 13.

همه راه‌ها یکی است.

It is all one path.

Zohar

Women زن

زن با ارزش را چه کسی تواند یافت؟ زیرا که ارزش چنین زنی از جواهرات بیشتر است. شوهرش در دل به او اطمینان پیدا مینماید. او در تمام روزهای زندگیش به شوهر خود نیکویی میکند و نه پلیدی.

A woman of valor, who can find? For her price is far above rubies. The heart of her husband does safely trust in her, and she has no lack of gain. She does him good and not evil all the days of her life.

فرزندانش بپا خاسته و او را احترام می‌نمایند؟ همسرش نیز چنین کرده و او را بستاید.

. . . Her children rise up and call her blessed; her husband also, and he praises her.

Proverbs 31:10-12, 28 (sung by a husband to his wife on every Sabbath)

هرگاه روحی از آسمان بر زمین فرود اید، بخشی از آن به کالبد کودک پسری و بخش دیگر به کالبد کودک دختری رود و آنگاه که خداوند اراده نماید یکدیگر را باز یابند و پیمان زناشویی ببندند. این همبستگی واقعی است.

When a soul comes down from Heaven, it is both male and female. The male aspects enter a male child and the female aspects enter a female child. If they are deserving, God will cause them to find each other and to join in marriage. This is a true union.

Zohar

وجود چند ناخدا در یک کشتی موجب غرق آن میشود.

Too many captains will sink a ship.

Talmud

کسی که بدرفتاری را با لبخند جواب می‌دهد شایسته رهبری است.

When a man can accept abuse with a smile, he is worthy of becoming a leader.

Rabbi Nahman of Bratslav

موسی شخص مناسبی برای توبیخ و ملامت یهودیان بود. اگر کس دیگری این کار را می‌کرد پاسخ میدادند که «آیا شایسته است که نان ما را خورده و شراب ما را نوشیده است و ما را سرزنش کند؟» اما موسی می‌توانست بگوید که «من نه خر کسی را گرفته‌ام و نه پول از کسی دریافت داشته‌ام».

Moses was the appropriate person to rebuke Israel. Had another person done so, they could have retorted: "Should a man who has eaten our bread and drunk our wine, come to rebuke us?" But Moses, who could declare: "I have taken no one's ass nor have I accepted a fee from anyone," could rightly offer rebuke.

Kohelet Rabbah, 3.

شمار بسیاری از مردم نیاز وافری به فرمانروایی دارند که تعظیمش کنند و به فرمانش گردن نهند، کسیکه حتی گاه بر آنها ستم کند.

The great majority of people have a strong need for authority that they can admire, to which they can submit, and which. . . sometimes even ill-treats them.

آنکه پُست و مقامی را قبول میکند تا از آن بهره‌برداری شخصی کند، بهتر از فرد زناکار نیست.

He who accepts office in order to profit by it is no better than an adulterer.

Pesikta Rabbati, Asseret ha-Diberot, 2-4.

خوش آن جامعه‌ای که بلند پایگان آن به سخنان زیردستان گوش فرا میدهند زیرا که در چنین اجتماعی زیردستان نیز به بزرگان گوش فرا میدهند.

Happy is the generation where the great listen to the small, for it follows that in such a generation the small will listen to the great.

Talmud

کسانی که اعتماد مردم را می‌دزدند، رئیس دزدان هستند.

He who steals men's confidence is chief among thieves.

Mekilta Mishpatim.

بانویی که عشق و محبت دریافت کند آنرا با عشق و محبت پاسخ خواهد داد و چنانچه مورد خشم قرار گیرد به همان اندازه خشم ابراز خواهد کرد.

A wife who receives love gives love in return; if she receives anger, she returns anger in equal measure.
Zohar, iv, 259b.

زن بمانند شمعی است که از شمع دیگر روشن شده باشد. همچنانکه دو شمع نور یکسانی میدهند نور شور و زن نیز یکسان است.

A woman is like a candle kindled from another. As two candles give forth the same light, so is the light of the husband and the wife the same.
Zohar, iv, 167a.

نیکوکاری یک زن نیک سیرت را پایانی نیست چنانچه تبه کاری یک زن بد طینت را حد و مرزی نیست.

There is no end to the goodness of a good woman, nor is there any end to the wickedness of an evil woman.
Midrash Tehillim, 53.

گناهان اسرائیل همواره به پاس زنان پرهیزکار هر نسل بخشوده میشود.

Israel is always redeemed for the sake of the pious women of the generation.
Yalkut Shimeoni Ruth, 606.

بیست و سه زن نیک در قوم یهود و ۹ تن از ملل دیگر در تورا بقرار زیر نامبرده شده‌اند:

Twenty-three good women in Israel and nine in other nations are mentioned in the Bible.
1. Sarah; 2. Rebekah; 3. Rachel; 4. Leah; 5. Jochebed; 6. Miriam; 7. Deborah; 8, the wife of Manoah; 9. Hannah; 10. Abigail; 11. the woman of Tekoah; 12. the widow whom Elijah helped; 13. the Shunamite; 14. Ruldah; 15. Naomi; 16. Jehosheba; 17. the wife of one of the prophets aided by Elisha; 18. Esther; 19-23. the five daughters of Zelophehad.
Those of other nations were: 1. Hagar; 2. Osenath; 3. Zipporah; 4. Shiphrah; 5. Puah; 6. Bathia, who brought up Moses; 7. Rahab; 8. Ruth; 9. Jael.
Midrash Tadshe, 21.

به تعداد پیامبران مرد، پیامبران زن در اسرائیل وجود داشتند.

There were as many prophetesses as prophets in Israel.
Shir ha-Shirim Rabbah, 4, 22.

رسم و سنت هر زنی توراه است.

The custom of women is Torah.
Y. Pesahim, 4, 1.

یک زوج پاکدامن مدت ده سال با هم زیستند ولی از آنجا که صاحب اولادی نشدند از یکدیگر طلاق گرفتند. مرد با زنی هرزه ازدواج کرد که او را تبدیل به مردی بی بند و بار و بی اعتنا به عفت کرد و حال آنکه زن پارسا به مردی ناپاک و بد طینت شوهر کرد و شوهرش را تبدیل به مردی پرهیزکار و عفیف ساخت. حکما گفته‌اند: این زن است که رفتار و کردار مرد را تعیین میکند.

A pious couple lived together for ten years, and having no children, were divorced. The man married an impious woman and she transformed him into a man of wickedness. The pious woman married a man of wickedness and she transformed him into a man of goodness.
The Sages declare: "Woman determines man's behavior."
Bereshit Rabbah, 17.

در برابر هر زنی که مردی را به حماقت میکشاند، زنی وجود دارد که مردی را از حماقت میرهاند.

For every woman who makes a fool out of a man, there is another woman who makes a man out of a fool.
Samuel Hoffman

پرسش بزرگی که هرگز بدان پاسخی داده نشده، و من علیرغم سی سال پژوهشم نتوانسته‌ام به آن پاسخ بدهم، اینست که: یک زن چه میخواهد؟

The great question that has never been answered, and which I have not yet been able to answer despite my thirty years of research into the female soul, is: What does a woman want?
Sigmund Freud

خداوند به زنان خرد ویژه‌ای عطا کرده است که مردان از آن محروم‌اند.

God has endowed women with a special sense of wisdom which man lacks.
Niddah, 45.

آنکه زنش را همچون خود دوست داشته و برای او بیش از خود احترام روا میدارد، کتاب مقدس به او گفته است: «باید بدانی که خانه‌ات در آسایش است».

He who loves his wife as himself, and honours her more than himself--to him the Scriptural promise is uttered: "Thou shalt know that thy tent is in peace."
Yebamot, 62b.

زنها زیورآلات را از خوشمزه‌ترین غذاها بیشتر دوست دارند.

A woman loves ornaments better than the finest viands.
Midrash ha-Gadol, 469.

زنان از مردان هوشمندتر آفریده شده‌اند.

Woman was bequeathed more intelligence that man.
Judah ha-Nasi, Talmud

ربی خوزه که در گالیله زندگی میکرد، دختر خواهر خود را به همسری برگزید. این زن همیشه با شوهر خود سر دعوا داشت و حتی در جلوی شاگردان ربی نیز به او بی احترامی می‌کرد.

روزی ربی العازار بن عزریا به دیدار مدرسه دوست خود ربی حوزه آمده بود و بر طبق رسم ربی حوزه او را به صرف غذا دعوت نمود. همسر ربی حوزه با ناراحتی و عصبانیت به شوهر خود اعلام کرد که چون انتظار مهمانی را نداشته، فقط مقدار کمی شلغم برای غذا درست کرده است. ربی العازار گفت که بدان رضایت دارد. با شنیدن این حرف همسر ربی حوزه با خجالت به ربی العازار اعتراف کرد که شلغمی در کار نیست و در حقیقت مرغ سرخ کرده و به مقدار کافی برای غذا آماده شده است.

پس از بازگشت به مدرسه ربی العازار به ربی حوزه نصیحت کرد که زن خود را طلاق بدهد و مقداری پول به او داد تا با آن مهریه زن را بپردازد.

زن با طلاق موافقت نمود و با یکی از نگهبانان شهر ازدواج نمود. اندکی پس از ازدواج شوهر جدید در سانحه‌ای کور شد و زن بر حسب روزگار مجبور شد دست همسرش را گرفته و از خانه‌ای به خانه دیگر برده و تقاضای کمک کند. اما آن زن حاضر نشد که همسرش را به گدایی؛ به خانه شوهر سابقش ببرد. روزی که پول بسیار کمی از گدایی بدست آورده بودند؛ مرد کور به همسرش اصرار کرد که او را به خانه ربی حوزه ببرد تا از او درخواست پول و کمک کنند. زن به دستور شوهر خود گردن نگذاشت، شوهرش او را کتک زد. در این زمان، ربی حوزه که گریه‌های زن قبلی خود را شنید و از ماجرا آگاه شد برایشان خانه‌ای کوچک تهیه کرد و از آن به بعد نیازهای زندگی را برایشان فراهم می‌آورد. با اینحال شنیده شد که زن می‌گفت: «من کتک خوردن از دست شوهر فعلی‌ام را به قبول کردن کمکهای ربای حوزه ترجیح می‌دهم. زیراکه شوهر فعلی‌ام فقط جسم مرا به درد می‌آورد ولی همسر قبلی‌ام روح و روان و درون مرا تحت تأثیر قرار داده است.

Rabbi Jose, the Galilean, married his sister's daughter. She proved to be a woman of a contrary disposition, and did not hesitate to show him disrespect in the presence of his Disciples. Once Rabbi Eleazar ben Azariah visited the School of Rabbi Jose. When meal-time arrived, Rabbi Jose invited his guest to dine with him. His wife showed her displeasure and said: "I have prepared only a dish of turnips, not having expected a guest." When the guest declared that he would be satisfied with this, the woman shamefacedly admitted that she had really prepared a meal of fried birds. When the two Rabbis returned to the School, Rabbi Eleazar counseled Rabbi Jose to divorce his wife, and made him a gift of money to pay for her settlement portion.

The woman accepted the divorce, and married a town-watchman. Later her husband was blinded in an accident, and she was compelled to lead him from house to house asking donations. She refused, however, to visit the house of her former husband.



One day when the collection was discouragingly small, the blind man insisted that she visit Rabbi Jose as well. When she declined, her husband beat her. Rabbi Jose heard her cries, and learning of the argument, he secured for them a small house, and provided for them henceforth all their necessaries.

Nevertheless the woman was heard to say: "It was easier for me to bear the blows of my husband than to accept the charity of Rabbi Jose. The first only injured my body, but the latter touched the very soul within me."

Y. Ketubot, chapter 11.

مهمترین عاملی که خانه مردی را تبدیل به کانون زندگی میکند زن اوست. هر گاه زن بر طبق اصول و آیین اسرائیل رفتار کند شخینا (روح خداوند) هرگز خانه او را ترک نخواهد کرد.

The chief influence transforming a man's house into his home is his wife. The Shekhinah will not forsake his house if his wife keeps it according to the ways of Israel.

Zohar, i, 50a.

آنکه با زن پارسایی ازدواج کرده در حقیقت زندگیش پر بارتر شده است.

That man's life is indeed enriched who is wedded to a virtuous woman.

Shabbat, 25b.

زن به تو داده شده است که با او طرح بزرگ زندگی را جامه عمل بپوشانی، به تو داده نشده که او را برنجانی و بیازاری. او را میازار که خداوند شاهد اشکهایش خواهد بود.

Thy wife has been given to thee in order that thou mayest realize with her life's great plan; she is not thine to vex or grieve. Vex her not, for God notes her tears.

Ketubot, 61a.

شایستهٔ زن نیست که بیکار و بیهوده بنشیند.

It is not seemly for a woman to sit in idleness.

Y. Ketubot, 5, 6.

مرد متأهل از خداوند برکتی دوگانه خواهد داشت: برکتی برای خود و برکتی برای همسرش.

The married man receives a double blessing from God: one for himself, and one for his wife.
Zohar, i, 233b.

مرد متأهل نمی‌تواند بدون اجازهٔ همسرش از خانه بیرون رود.

A married man may not leave his home without his wife's consent.
Zohar, i, 79a.

اگر مرد و زنی قابل باشند نور الهی در بین آنها خواهد بود وگرنه به آتش خواهند سوخت.

If a man and wife are worthy, the Shekinah abides among them; if not a fire will consume them.
Sotah, 17.

در میان اعضاء خانواده خود ترس بیش از حد حکمفرما مساز.

Do not inspire overmuch fear among the members of thy household.
Gittin, 6.

چه کسی ثروتمند است؟ مردی که زنی پارسا داشته باشد.

Who is wealthy? The man with a virtuous wife.
Rabbi Akiva

مردیکه همسر خود را به اندازه خود دوست بدارد، به او بیشتر از خود احترام بگذارد، فرزندانش را درست پرورش داده و آنان را در موقع مقتضی به خانهٔ بخت بفرستد، کسی است که درباره او گفته شده: «و تو خواهی دید که آرامش در خانه‌ات برقرار است.»

He who loves his wife as himself; who honors her more than himself; who rears his children in the right path, and who marries them off at the proper time of their life, concerning him it is written: "And thou wilt know that thy home is at peace."
Yebamot, 62.

هر آنکس که نسلی را به وجود میآورد، برایش پوشاک فراهم میآورد.

He who brings forth a generation clothes it.
Y. Kilaim, 9, 4.

چند دستگی در میان یک خانه، منجر به ویرانی آن می‌شود.

Dissension in a house will lead to its destruction.
Talmud

در جشن و مراسم، یک مرد موظف است همسر و خانوادهٔ خود را شاد سازد.

On a festival a man must make glad his wife and his household.
Pesahim, 109.

تسلیت

جناب آقای مهرداد دلرحیم درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده و برای شما و خانواده‌های وابسته صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم.

سازمان سیامک

اگر آدرس جدیدتان با آدرس روی چک اهدائی شما به سازمان سیامک، متفاوت است ما را در جریان بگذارید تا نامه سپاس و رسید معافیت مالیاتی‌تان به ما بازگردانده نشود.

متشکریم

زندگی Life

من پیش روی تو حیات و ممات را، لعنت و برکت را قرار داده‌ام. تو حیات را انتخاب کن.

I have set before you life and death, the blessing and the curse; therefore choose life.

Bible, Deuteronomy 30:19

دلیل زندگی خوشبخت بودن نیست انسان با ارزش بودن است.

The purpose of man's life is not happiness, but worthiness.

Felix Adler

من ساکن موقت این جهان خاکی هستم.

I am a sojourner on the earth.

Psalms 119:19

زندگی کوتاهتر از این است که کوتاه باشد.

Life is too short to be little.

Andre Maurois

در جهان آینده از من نخواهند پرسید که: «چرا در زندگی خود، مُشه نشدی؟»، بلکه خواهند پرسید: «چرا زوشیا نبودی؟»

In the coming world, I will not be asked, "Why weren't you Moses?" Rather, I will be asked, "Why weren't you Zusya?"

Rabbi Zusya

بیفادگی محض، بیفایدگی محض، همه‌اش بیهوده و بیفایده است.

Utter futility! Utter futility! All is futility!

Ecclesiastes

نگران فردا مباش. کی میدونه امروز چه به سرت می‌آید.

Don't worry about tomorrow. Who knows what will happen to you today?

Talmud

یهودیت این باور است که زندگی را باید مقدس شمرد و با دین آن را شکل داد. بشر باید همواره با پیروی وجدانی از قوانین اخلاقی خود را به درجه انسانی برساند.

Judaism is the belief that all life should be sanctified and transfigured by religion. . . . Man is to humanize himself by conscious adherence to the moral law.

Claude Montefiore

امروز بخور و بنوش که فردا خواهی مرد.

Eat and drink for tomorrow we die.

Isaiah

علمای اسرائیل همواره برای رفاه دختران قوم یهود اهتمام کامل مبذول داشته‌اند.

The scholars of Israel have always labored diligently for the welfare of the daughters of Israel.

Ketubot, 2.

خانمها اسلحه خود را همیشه به همراه دارند (خنده، گریه و غیره)

A woman's weapons are always with her. (Tears, smiles, etc.)

Yebamot, 115.

مردی که با زن پارسایی ازدواج کند، فرمانهای توراه را به طور کاملا انجام داده است.

He who weds a woman of piety has observed the entire Torah.

Yalkut to Ruth, 606.

در گرفتن پوشاک از مؤسسهٔ خیریه و پرداخت غرامت برای آزادی، زن بر مرد ارجحیت دارد.

A woman takes precedence over a man in being provided with clothing from the Charity Chest, and in being ransomed.

Horaiyot, 4, 6.

چه کسی میتواند زنی شایسته را بیابد؟ زن شایسته از یاقوت پر بهاتر است.

Who can find a woman of valor? Her price is far above rubies.

Proverbs

یک زن با حیا فرزندان خوبی به بار می‌آورد...

A modest woman has good children.

Rabbi Nahman of Bratslav

هر چه برکت در خانه هست از برکت وجود بانوی خانه است.

Whatever blessing dwells in the house comes from her (the wife).

Baba Metzia, 59a.

زن، مرد جوان فقیر را به مرد پیر پولدار ترجیح میدهد.

A woman loves a poor young man more than a rich old man.

Ruth Rabbah, 6, 4.

به همان میزانی که مرد به شخینا (نور الهی) در شبات اهمیت می‌دهد، به همان اندازه او و همسرش در دنیای دیگر پاداش خواهند گرفت.

To the degree that a man gives joy to the Shekinah on the Sabbath, he and his wife receive joy in the World-to-Come.

Zohar Hadash Tikkunim, 117b.

در پنج سالگی به آموختن متون تورات بپرداز. در ده سالگی قوانین میشنا را فرا بگیر. در سیزده سالگی ده فرمان را رعایت کن. در پانزده سالگی تلمود را بیاموز. در هیجده سالگی تشکیل خانواده ده. در سن بیست در جستجوی منبع درآمد بپرداز. در سن سی به قدرت (قوت) کامل خود راه پیداکن. در چهل سالگی به فهم و درک برس. در پنجاه آماده نظر دادن شو. در شصت، کهولت سنی ات را به دست می آوری. در هفتاد موهایت سپید خواهد شد (برف پیری بر سرت خواهد نشست). هشتاد هدیه قدرت ویژه را به ارمغان می آورد. در نود تحت فشار سالها خمیده خواهی شد. در صد سالگی مانند آن است که مرده‌ای و از جهان رخت بر کشیده‌ای.

At five years of age, study Scripture; at ten, study Mishna; at thirteen, fulfill the commandments; at fifteen, study Talmud; at eighteen, get married; at twenty, seek a livelihood; at thirty, enter into your full strength; at forty, reach understanding; at fifty, prepare to give counsel; at sixty, you attain old age; at seventy, your hair turns white; at eighty, you acquire the gift of special strength; at ninety, you bend under the weight of years; at one hundred, it is as if you are already dead an have departed from this world.

Ethics of the Fathers

خوی ویرانگر، زادهٔ زندگی‌های سرخورده و عمرهای تلف شده است.

968. Destructiveness is the outcome of unlived lives.

Erich Fromm

زندگی تو نسبت به زندگی دیگران الویت دارد.

Thine own life comes before the life of thy fellow's.

Baba Metzia, 62.

آنکه یک زندگی را نابود کند به گناهکاری کسی می‌باشد که تمام دنیا را نابود کرده باشد و آنکه یک زندگی را نجات دهد مانند آنستکه دنیایی را نجات داده باشد.

Whoever destroys a single life is as guilty as though he has destroyed the whole world. Whoever saves a single life, it is as though he saved the whole world.

Talmud

زمانی برای عشق ورزیدن و زمانی برای تنفر، زمانی برای شادمانی است و زمانی برای گریستن.

There is a time to love and a time to hate, a time to rejoice and a time to weep.

Ecclesiastes

برای گروهی از ما یک عمر تلاش لازم است تا بزندگی جاویدان برسیم. برای گروه دیگر برای رسیدن بدین هدف یک لحظه هم کافی است.

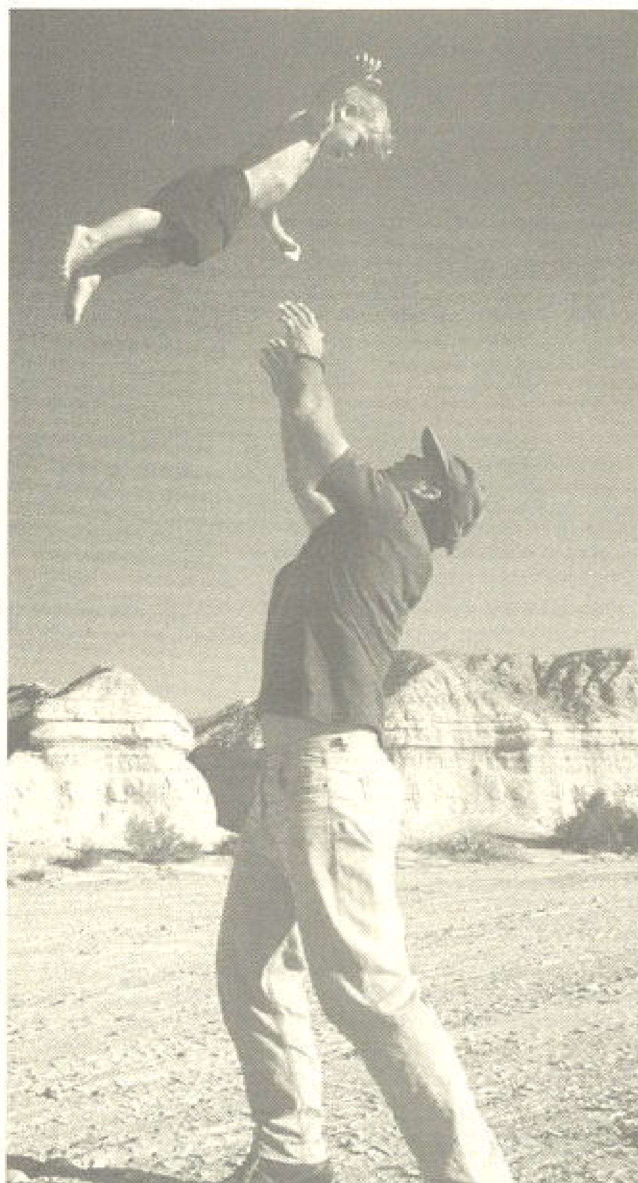
Some of us achieve eternity after a lifetime of struggle, others in a moment.

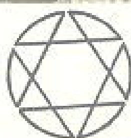
Judah ha-Nasi, Talmud

زندگی سه شخص بی ارزش است: شخصی که بیش از حد مهربانی می‌کند، شخصی که زود عصبانی می‌شود، آنکه انتقاد و عیب‌جویی بیش از اندازه کند.

There are three people whose lives are unworthy--the overly compassionate, the hot tempered, and the hypercritical.

Talmud





سرزمین اسرائیل Israel

صیونیسم بیشتر بازگشت یهودیان به دین است تا برگشت به سرزمین یهود.

Zionism is the return of Jews to Judaism, before they return to the Jewish land.

Theodor Herzl

ساختن یک کشور برای ما به معنی بازگشت به سرزمینمان میباشد. ما صدها دهکده‌ی عرب نشین یافتیم، ما آنها را بیرون نراندیم...در خاک تازه صدها آبادی یهودی نشین بنا کردیم...ما صرفاً زمینی را خریداری نکردیم، بلکه ما زمین را خلق کردیم...در باتلاقهای Hedera صدها یهودی از مالاریا جان خود را از دست دادند ولی آنجا را ترک نکردند تا بدین وسیله یک سرزمین سالم تبدیل شود...با ابزارهایمان، با عرق جبین، با عشق و فداکاری این سرزمین را از نو می‌سازیم تا در آنجا مستقر شویم، بدون اینکه به کسی زیانی رسانده باشیم.

Building a State means for us a return to the soil. We found hundred of Arab villages. We didn't take them away. . . . We established hundreds of new Jewish villages on new soils. . . . We didn't merely buy the land, we re-created the land. . . . In the swamps of Hedera hundreds of Jews died of malaria, and they refused to leave that place until it was made healthy. . . With our toil, our swear, and with our love and devotion, we are remaking the soil to enable us to settle there, not at the expense of anybody else.

David Ben-Gurion

کشوری که در اسرائیل بوجود خواهد آمد ارزش خود را نه براساس و نه بر پایه ثروت مادی، قدرت نظامی و یا پیشرفتهای علمی به ثبوت خواهد رساند بلکه با ارزشهای انسانی و معنوی خود را تثبیت خواهد کرد.

The State on Israel will prove itself not by material wealth, not by military might or technical achievement, but by its moral character and human values.

David Ben-Gurion

زندگی در سرزمین ایسرائل معادل ارزش همهٔ میتصواهاست (این را همچنین در مورد شبات، صیصیت و کمک به فقرا هم گفته‌اند).

Living in Eretz Yisrael is equal to the weight of all Mitzwot. (Said also of the Sabbath, Charity and the Tzizit.)

Sifre, Reeh.

ما نباید کشورمان را به یک بت تبدیل کنیم بلکه باید آنرا سنگ بنایی قرار دهیم که به خداوند منتهی می‌شود.

We must not turn our country into an idol, but a stepping-stone toward God.

Simone Weil

کسی که در فلسطین زندگی کند بدون گناه است.

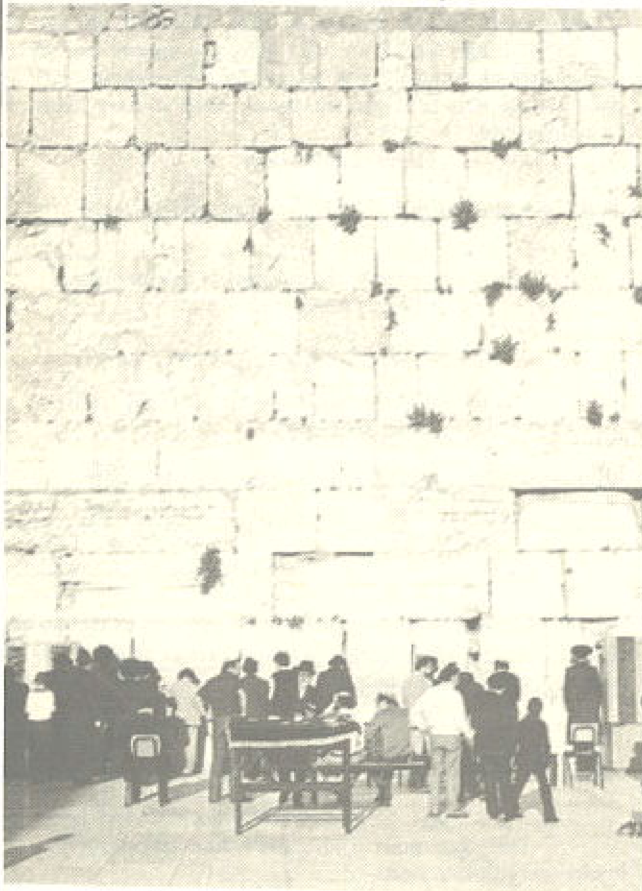
He who resides in Palestine is without sins.

Ketubot, 111.

در گالوت، معاش شخص یهودی از غیر یهودیان تأمین میگردد اما در فلسطین از طریق شخینا (خداوند).

In the Diaspora a Jew's livelihood comes to him through non-Jews, but in Palestine, through the Shekinah.

Zohar, iv, 235a.



صیونیسم فقط یک تعصب ملی نیست، بلکه آخرین حربه یهودیان بر علیه انهدام و نابودی است.

Zionism is not simply national or chauvinistic caprice, but the last desperate stand of the Jews against annihilation.

Arthur Ruppin

Silence سکوت

بهترین درمان هرکار پلید سکوت است.

For every evil, silence is the best remedy.
Yebamot, 87a.

ربای اکیبا می‌گوید: «حصار عقل خاموشی است».

Rabbi Akiba said: "The fence of wisdom is silence."
Abot, iii, 17.

گاه آنکه خاموشی می‌گزیند پاداش میگیرد. گاه آنکه سخن می‌گوید پاداش میگیرد.

At times he who keeps silence receives reward. At times he who speaks receives reward.
Zebahim, 115.

سکوت برابر است با اقرار.

Silence is equivalent to confession.
Yebamot, 87.

چگونه است که تکان دهنده‌ترین لحظات زندگیمان ما را به خاموشی وا می‌دارد؟

Do not the most moving moments of our lives find us all without words?
Marcel Marceau

Wise Speech سنجیده‌گویی

هر چه کمتر بگوئی، بیشتر سخنت را خواهند شنید.

The less you talk, the more you're listened to.
Abigail Van Buren

به زبان خویش بیاموز: «نمی‌دانم»، در غیر اینصورت ممکن است چیزی از خود بسازی که بعداً دست و پا گیرت شود.

Teach thy tongue to say: "I do not know," lest thou invent something and be trapped.
Berakot, 4a.

اگر افکار مردم مانند زبانشان به آسانی قابل کنترل بود، هر پادشاهی بر تخت سلطنت براحتی می‌نشست.

If people's minds were as easy to control as their tongues, every king could rest easy on his throne.
Baruch Spinoza

نقل قولی سنجیده و به موقع، مانند نانی در قحطی است.

A quotation at the right moment is like bread in a famine.
Talmud

حرف خویش را اول سنجیده و سپس بیان کنید.

Judge your words before you utter them.
Talmud

یک انسان پریشان حال را مسئول گفتارش ندانید.

Do not hold a man responsible for what he says in his distress.
Talmud

دهان انسان نشان دهندهٔ شخصیت اوست.

A man's mouth reveals his character.
Zohar, iv, 187a.

از جر و بحث نتیجه درستی به دست نخواهد آمد

No good results from a quarrel.
Shemot Rabbah, 30.

Oath سوگند

آنچه که با آب و آتش امکان نابودیش نیست، با سوگند دروغ نابود می‌شود.

That which cannot be destroyed by fire or by water is destroyed by a false oath.
Shebuot, 39.

آنکه در جواب سوگند آمین گوید، گویی او خود آنرا بیان داشته است.

He who responds "Amen after an oath is as if he had pronounced it.
Shebuot, 29.

گفتن (آری) یا (نه) هر دو سوگند است.

"No" is an oath. "Yes" is an oath.
Talmud

شایعه Gossip

گناه زبان بد از بت‌پرستی بیشتر است.

Greater is the sin of the evil tongue than the sin of idolatry.

Midrash Gadol u-Gedolah, 18.

این طریقت شایعه پردازان است: با تعریف و تمجید شروع می‌کنند و با تهمت و افترا ختم می‌کنند.

This is the way of gossipers: They commence with praise and end with derogation.

Tanhuma Shelah, 9.

هر آنچه که پُل در مورد پیتر می‌گوید بیشتر در مورد پُل به ما اطلاعات می دهد تا در مورد پیتر.

What Paul says about Peter tells us more about Paul than about Peter.

Baruch Spinoza

ارزش شایعه کمتر از به چشم دیدن است.

Hearsay is of less worth than the evidence of the eye.

Mekilta Jethro, 19, 9.

تهمت بی جا سه کس را می آزارد: آنکه تهمت می‌زند، آنکه بر وی تهمت زده شده و آنکه انجام عمل به وی نسبت داده شده.

472. Slander injures three persons: the slanderer, the recipient of the slander, and the person slandered.

Arakin, 15b.

شبات Shabbat

روز شبات تواناترین فرشته نگهبان مردم اسرائیل شد...در محله‌های یهودی وقتی چراغ شبات روشن میشد یهودیان محله هم ابزار کار و زحمات روزانه‌اش را به کناری می‌گذاشت و تمام اهانت‌ها و نابرابری‌ها به دور ریخته میشد. با عشق خداوند که در یک روز از هفته تا شبات، دوباره پیش او بر میگشت. همانطور هم سربلندی و عزت انسانی به کلبه محقر او وارد می‌شد.

The Sabbath became the most capable patron saint of the Jewish people. . . .The ghetto Jew shed all the toil and trouble of his day-to-day life once the Sabbath lamp was lit. All insult and iniquity was thrown off. The love of God, which came back to him one day in seven on the Sabbath, returned to him also his honor and human dignity even in his lowly hut.

Hermann Cohen

شبات به منزله شهبانویی است که با آمدنش فقیرترین خانه تبدیل به کاخ می‌شود.

The Sabbath is . . . the queen whose arrival transforms the humblest home into a palace.

Judah Halevi

در روز شبات چه چیزی آفریده شد؟ آسایش، فراغت فکر و استراحت بدن.

What was created on the Sabbath day? Contentment, peace of mind, and physical rest.

Bereshit Rabbah, 10, 12.



استراحت مرحله‌ای است از آرامش بین انسان و طبیعت. کار سمبلی از اختلاف و تضاد است، استراحت بیانگری از وقار، آرامش و آزادی است. (درباره شبات).

Rest is a state of peace, between man and nature. Work is a symbol of conflict and discord; rest is an expression of dignity, peace and freedom.

Erich Fromm

شبات روز صلح و صفا میان انسان و طبیعت است. با کار نکردن و شرکت نکردن در مراحل طبیعت و تغییرات اجتماعی، انسان خود را از زنجیر طبیعت و زنجیر زمان رها میسازد.

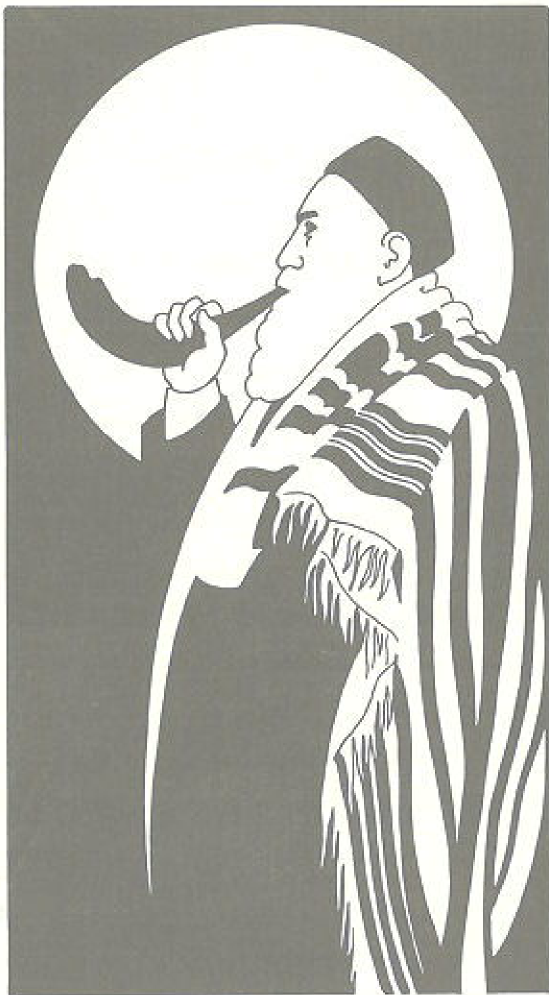
900. The Sabbath is the day of peace between man and nature . . . By not working--by not participating in the process of natural and social change--man is free from the chains of nature and from the chains of time.

Erich Fromm

اهمیت خطر جانی از شبات بالاتر است.

Danger to life takes precedence over the sanctity of the Sabbath

Shabbat, 75.



بیش از آنکه یهودیان شبات را نگاه دارند، شبات نگهبان یهودیان بوده است.

More than Israel kept the Sabbath, the Sabbath kept Israel.

Ahad Ha'am

لباس شبات نباید مانند لباس روزهای عادی باشند.

Thy Sabbath garment should not be like thy week-day garment.

Shabbat, 113.

اگر جنگی قبل از شبات شروع شده باشد، یهودیان اجازه دارند که جنگ را در شبات ادامه بدهند. چه برای دفاع و چه برای حمله.

If a battle has commenced previous to the Sabbath, Jews are permitted to continue fighting on the Sabbath, whether in attack or in defense.

Shabbat, 192.

شبات پیشوازی از رسیدن ماشیح است، همانطوری که دوران ماشیح بنام شبات ابدی نامیده شده است.

Sabbath is the anticipation of the messianic time, just as the messianic period is called the time of "continuous Sabbath."

Erich Fromm

به علت کمبود جا دنباله‌ی این مجموعه در شماره‌ی آینده منتشر خواهد شد.

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله سی و هشتم

۶۳. دمکراسی و انتخابات

دمکراسی صدها سال قبل از میلاد در شهرهای یونان به وجود آمده و به مرور زمان شکل ها و تعریف های مختلف بخود گرفته است. از قرن هیجدهم به بعد، فلاسفه و اساتید علوم سیاسی و انسانی مطالب فراوانی در بارهٔ ماهیت دمکراسی نوشته اند، خلاصه اینکه تا امروز هیچگونه توافقی در محور تعریفی واحد و مورد پذیرش همگان وجود ندارد. لاجرم آنچه در پی می آید اندیشه هایی است که با صدای بلند ابراز میگردد، و هدف اصلی اش برانگیختن فکر خواننده است و نه ارشاد او به پذیرفتن این اندیشه ها.

کوشش من در نوشتن این مقاله، و سایر مقالات، مبتنی بر این پایه است که بتوانم در بارهٔ جامعه خودم، یعنی یهودیان ایرانی، آزادانه سخن بگویم. با چنین هدفی، خواننده بیطرف و کنجکاو میتواند مشکلات کار مرا درک کند. چون از یک سو عملاً در جایی (کشور اسرائیل) زندگی میکنم که شرایط کلی اجتماعی و سیاسی آن با شرایط جامعهٔ پاره شده یهودیان ایرانی در ایران و آمریکا فرق میکند. از سوی دیگر، در میان این تفاوتها دنبال وجوه مشترکی میگردم که بتوانم به آسانی گوشه های پاره شده این ریسمان دو هزار پانصد ساله را بهم گره بزنم؛ اقرار میکنم که گاهی مأیوسانه میگویم این کار شدنی نیست.

مدتها پیش، یکی از ماهنامه های ما یهودیان ایرانی نوشتاری در بارهٔ دمکراسی داشت که از نظر جامعه شناسی جالب بود. به عبارت دیگر، اگر فردا کسی بخواهد بداند پاره ای از تحصیلکرده های ما چه برداشتی از ماهیت دمکراسی دارند، قرائت این نوشتار میتواند به کار تحقیقی او کمک کند. من کاری به این نویسنده یا آن نویسنده ندارم ومقصودم فقط توجه به درک پاره ای از مردم از دمکراسی است. در این سالها که وضع داخلی ایران دگرگون شده، مردم، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، سخت به فکر دمکراسی افتاده اند و بازار دمکراسی طلبی داغ شده است. بیشتر آنها گمان میبرند که دمکراسی یک پدیده مقدسی است که اگر بدون آمادگی آن را از آسمان به زمین بیاورند و تمام اصول آنرا اجرا کنند آنوقت همه مردم خوشبخت و همه مشکلات حل خواهند شد.

نویسنده مقاله که نامش را نبرده ام، و معلوم بود بدون مطالعه دست به قلم برده است، برای اینکه نهاد های کوچک جامعه خود را بکوبد، «مغرضانه» مسأله انتخابات را علم کرده، نهاد خود را دمکرات و دیگران را غیر دمکرات معرفی نموده است. نمی خواهم از کسی یا از نهادی دفاع کنم، ولی معتقدم که نویسندگان جامعه، به خصوص رهبران جامعه، نباید عوام فریبی بکنند. درست است که انتخابات پایه دمکراسی است، **ولی برقراری انتخابات هرگز نمیتواند ضامن دمکراسی باشد.** اگر از نحوه انتخابات، که خوْد نواقص فراوانی دارد، صرفنظر کنیم، و گمان بریم که فلان انتخابات پاکیزه و بی عیب برگزار شده، بازهم نمی توانیم ادعا کنیم نهادی، یا جامعه ای، که این انتخابات را انجام داده بر اساس دمکراسی انجام وظیفه میکند.

امروز، کم و بیش، در تمام کشورهای خاور میانه انتخابات برگزار میشود و همه پارلمان دارند، ولی از دمکراسی خبری نیست. چرا؟ برای اینکه، در تمام این کشورها، بجز اسرائیل، آنچه را در قاموس کشورهای غربی «اپوزیسیون» میخوانند وجود ندارد. در هر جامعه یا کشور باید در مقابل یک یا دو نهاد مرکزی نهادهای کوچک و بزرگ دیگری وجود داشته باشند که آزادانه، ولی از روی نزاکت، صداقت، احساس مسئولیت و سازندگی، کارهای نهاد مرکزی را بازرسی کرده و از نادرستی ها انتقاد کنند. چنین نهاد هایی، که مطبوعات یکی از آنهاست، باید وجود داشته باشند تا بتوان حرف از دمکراسی زد. وجود اپوزیسیون یک خوبی دیگر دارد و آن آبیاری، شکوفایی و تقویت استعدادها بخصوص در میان نسل جوان است. متأسفانه، پاره ای (شاید بسیاری) از سران جامعه ما تحمل شنیدن عقاید مخالف را ندارند و این خود نخستین عامل نقض اصول دمکراسی است. **اختلاف عقیده داشتن نشانه دشمنی**

نیست، بلکه نشانه بلاغت و رشد فکری جامعه است. اگر دمکراسی فقط انتخابات است، هیتلر هم از طریق انتخابات برگزیده شد و عاقبت کار را همه میدانیم.
حقیقت این است که امروز در هیچ جای دنیا دمکراسی به مفهوم واقعی وجود ندارد، یا اگر دارد من از آن اطلاع ندارم. آنچه انگلستان دمکرات در قبال ایرلندی ها میکند عکس دمکراسی است. روش آمریکا با سرخ پوستان، که صاحبان اصلی این سرزمین هستند، منتهای بی انصافی و نقض فاحش اصول دمکراسی است. دولت اسرائیل اگر بخواهد، بدون اعطای حقوق شهروندی به تمام ساکنان عربِ سرزمین های اشغالی، به حکومت خود بر آنها ادامه دهد، چنین روشِ اداری با یک ملت بیگانۀ تسخیر شده هیچگونه همخوانی با اصول دمکراسی ندارد. من این سه نمونه را از سه کشوری آوردم که در حفظ و رعایت اصول دمکراسی در سراسر جهان کم نظیرند. در هر سه کشور نه تنها انتخابات کاملاً آزاد است، بلکه دستگاه بازرسی و انتقادی آنها، به صورت احزاب اپوزیسیون و مطبوعات، با آزادی تام و بدون ترس و واهمه انجام وظیفه میکنند.

۶۴ ـ انتخاب نماینده اقلیت مذهبی در ایران

دمکراسی را حکومت مردم بر مردم ترجمه و تفسیر کرده اند. و این کم وبیش ترجمه و تفسیر درست واژه یونانی «دموس ـ کراتیا» است. بنا براین، در ایران، در ارتباط با موضوع این بخش از مقاله، یا دموکراسی وجود ندارد، یا اینکه یهودیان، ارامنه و زرتشتیان جزئی از «مردم» نیستند. در ترکیه آمدند دموکراسی برقرار کردند و قوانین انتخابات را عوض کردند بدین معنی که اقلیت های مذهبی از این ببعد دوش بدوش برادران و هموطنان ترک در انتخابات عمومی شرکت کنند. به عبارت دیگر، انتخابات داخلی در جامعه یهود ترکیه برای انتخاب نماینده یهودی در پارلمان لغو گردید. در نتیجه، اگر در گذشته یهودیان نمایندگانی در پارلمان ترکیه داشتند، پس از برقراری «دمکراسی»، نمایندگی خود را در پارلمان از دست دادند. مسأله اینجاست: آیا با لغو ماده مخصوص مربوط به اقلیت های مذهبی در ایران، بیست یا سی هزار نفر یهودی ایرانی ساکن آن کشور میتوانند نماینده ای در مجلس داشته باشند؟ به نظر من جواب منفی است. بنا بر این، یک قانون «غیر دمکرات»، در این مورد بخصوص، به نفع یک اقلیت مذهبی در ایران عملی میگردد.

آنچه در ایران باید مورد انتقاد قرار بگیرد مسدود بودن بسیاری از ادارات و وظایف اداری و دولتی در برابر اقلیت های مذهبی است. همانطور که در کشور عرب همسایه، عراق، یا در کشور مسلمان مراکش، در گذشته یهودیان به درجه وزارت رسیدند، هیچ مانعی نمی بینم که چرا یک فرد شایسته یهودی، که در رشته مخصوص خودش سرآمد همگان است، به عنوان وزیر در کابینه ایران انتخاب نشود. کما اینکه وزیر دارایی در اوائل شکل گیری استقلال در عراق یک نفر یهودی بود که توانست خدماتی شایسته در پیشرفت اقتصادی کشورش انجام بدهد. یهودیان، مانند سایر برادران مسلمان ایرانی خود، مردمی باهوش و با استعدادند، دولت ایران نباید این گنجینه انسانی را صرفاً به علت تفاوتهای مذهبی نادیده بگیرد.

۶۵ ـ حکومت اکثریت

ذهن مردم را چنین پروریده اند که حکومت اگر میخواهد دمکرات باشد باید در دست اکثریت قرار بگیرد. باز هم در اینجا مشکل تازه ای پیش می آید. فرض میگیریم در یک کشور خیالی که هزار نفر جمعیت دارد نهصد نفر آنها افرادی بزهکار و کژ رفتارند ـــ یا اینکه عقل سالمی ندارند، یا بی سوادند و یا دارای عیبی دیگرند. اگر در این کشور انتخابات برگزار بشود لاجرم حکومت به دست اکثریت می افتد. گرچه اصول دمکراسی رعایت شده، ولی نتیجه بر همه معلوم است. این موضوع باید ما را به فکر وادارد و از خود بپرسیم آیا لازم است در چنین کشورها، یا جوامع، اصول دمکراسی را رعایت کرد؟ بنا بر این، باید چنین پنداشت که «دمکراسی» خود بخود چیزی خوب یا بد نیست، و عملی ساختن آن مستلزم شرایطی است که یک جامعه باید واجد آنها باشد.

من نهاد هایی را در جوامع یهودی ایرانی در اسرائیل و آمریکا می شناسم که هیچگونه ادعای سروری بر دیگران ندارند و انتخابات عمومی، یا حتی داخلی، هم ندارند ولی بهتر و مفید تر از منتخبین نهاد های بزرگ و مرکزی جامعه کار میکنند و به جامعه استفاده میرسانند. البته همه اینها مشروط است و کسی

نباید از این نوشتار نتیجه گیری نادرست کند. منظور خود را در بالا نوشتیم؛ ما فقط خواستیم مردم را به فکر وا داریم که سطحی و عجولانه در بارهٔ بد بودن یا خوب بودن دمکراسی قضاوت نکنند. مسلم این است که اگر نهادی در یک جامعه سالم و پیشرفته خود را مرکزی و متعلق به تمام افراد جامعه میداند، این نهاد قبل از همه چیز باید حتماً سر وقت و دقیقاً مراسم انتخابات را زیر بازرسی یک هیأت نظارِ کاملاً بیطرف انجام بدهد، وگرنه انحلال فوری هیأت مدیره این نهاد از واجبات و ارکان دمکراسی است.

۶۶ ـ دمکراسی و علم

اگر رأی اکثریت را یک رفتار مبتنی بر اصل دمکراسی بدانیم، شاید خواننده تعجب کند اگر بگوییم که هیچگونه سازش و همخوانی میان علم و دمکراسی وجود ندارد. کار محقق، که یک کار علمی است، نمی تواند و نباید با معیار های معمول در نهادی که وظایفش خدمات اجتماعی است اندازه گیری شود. به عبارت دیگر، نمیشود و نباید یافته های علمی یک محقق را به جلسه ای برد و از افراد نظرخواهی کرد که رأی بدهند فلان یافته علمی خوب است یا بد است، درست است یا درست نیست. علم کاری با بد بودن و خوب بودن چیزی ندارد. بد بودن و خوب بودن علم ارتباطی با ذات علم ندارد، بدی و خوبی را باید در ذات و ماهیت انسانها جستجو کرد. آفتاب همان آفتاب است، ولی این آفتاب گچ را سفت و موم را شُل میکند. این تغییر ماهیت را باید در ذات گچ و موم جستجو نمود. وانگهی، درست و نادرست بودن یک یافته علمی باید در چارچوب یک نهاد علمی، که افراد متخصصش هیچگونه هدف و غرضی جز توجه به ذات و ماهیت آن یافته ندارند، ارزیابی بشود. من مثال پایین را، که در جایی دیگر آورده ام، در اینجا نیز تکرار میکنم: اگر در یک جامعه هزار نفری، ۹۹۹ نفر آنها رأی بدهند که یک خط کشیده شده روی کاغذ املایِ کلمه مار است، و فقط یک نفر کلمه نوشته شده با م ا ر را مار بخواند، نمیشود و نباید در این مورد از اکثریت پیروی کرد.

در پاره ای از جوامع چون آگاهی درستی از ماهیت علم وجود ندارد، محققین آن جوامع در منتهای رنج و مضیقه بسر میبرند — از سقراط گرفته تا گالیله و آندره ساخاروف. از این روی، در کشورهای پیشرفته، دانشگاه ها و محققین را کاملاً آزاد گذاشته اند. دولت، سازمانها و افراد متمکن در نگاهداشت دانشگاه ها کمک مالی میدهند، ولی به هیچ وجه در کار آنها مداخله نمی کنند، دهان کسی را که در کسوت اجتهاد بر کرسی استادی نشسته است فرو نمی بندند، قلم راستین او را نمی شکنند و چیزی را که مغایر وجدان و اصول علمی و تحقیقی اوست از او درخواست نمیکنند. علم و تحقیق فقط زیر سایه چنین انضباطی به شکوفایی میرسند.



تازه‌های پزشکی



از
دکتر نیسان بامداد

نیروی باور و ایمان در پزشکی

افراد با ایمان و پابند به دعا و نیایش از تندرستی بیشتر بهره‌مند هستند

در نوشتاری که چندی پیش زیر عنوان «نیروی دعا و ایمان در پزشکی» به خوانندگان ارجمند تقدیم کردم، بطور گسترده از بکارگیری این توان در درمان بیماران سخن رانده شد. اینک در پشتیبانی از این دیدگاه به پژوهش تازه‌ی دانشمندان دانشگاه **Duke** در این باره اشاره می‌کنم:

در یک بررسی بسیار گسترده، دانشمندان دانشگاه **Duke** نشان دادند که سالمندان ۶۵ سال به بالا که در آیین‌های مذهبی شرکت می‌جویند ۴۰ درصد کمتر دچار فشار خون بالا می‌شوند.

در این بررسی که از ۴۰۰۰ نفر ساکنین کارولینای شمالی (**North Carolina**) برای مدت ۸ سال (از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۴) به عمل آمد، دانشمندان، فشار خون سیستولیک و دیاستولیک شرکت کنندگان را بطور منظم یادداشت کردند.

برآیند این بررسی بدین شرح است: سالمندانی که دست کم هفته‌ای یکبار در آیین‌های مذهبی شرکت می‌کنند و یا آنهایی که به یکتاپرستی ایمانِ پایدار دارند و به دعا می‌پردازند، دارای فشار خون دیاستولیک پایین‌تری هستند. فشار خون دیاستولیک اگر بالاتر از میزان طبیعی باشد نشانگر امکان بروز بیماریهای قلبی، حمله‌ی قلبی و سکته‌ی مغزی است. فشار خون دیاستولیک مربوط به هنگامی است که قلب در حال استراحت است. فشار خون سیستولیک مربوط به هنگامی است که قلب در حال انقباض است تا خون را به تمام بدن برساند. میزان فشار خون سیستولیک و دیاستولیک بطور طبیعی ۱۳۵ روی ۸۰ (۱۳/۵ روی ۸) است.

پژوهشگران می‌گویند، اگر چه ما نمی‌توانیم ثابت کنیم که ایمان پایدار به خالقِ لایزال چگونه روی بهداشت، بهزیستی و تندرستی اشخاص اثر می‌کند، ولی با آمار و ارقام نشان می‌دهیم که این نیرو کارساز است.

بررسی‌های بی شماری تا کنون انجام شده که همگی نشانگر کارساز بودن نیروی باور و ایمان روی تندرستی است.

اشخاصِ با ایمان کمتر دچار افسردگی می‌شوند. دستگاه ایمنی نیرومندتری دارند و بهتر می‌توانند در برابر اعتیاد مقاومت کنند. گزارش دانشگاه **Duke** در نشریه‌ی پزشکی **International Journal of Psychiatry in Medicine** شماره‌ی اوت ۱۹۹۸ انتشار یافته است. □



سازمان سیامک

من و همسرم، گیل بسیار خوشوقتیم که همراه با سازمان سیامک روش هشانا و یوم کیپور را جشن بگیریم.



پیت ویلسون
فرمانداری کالیفرنیا

درود به تمام دوستانم در جامعه یهودی ایرانی جنوب کالیفرنیا.
آرزو میکنم که شما و خانواده‌تان از سلامتی و بهروزی در سال آینده برخوردار باشید.

هاوارد برمن
عضو کنگره آمریکا

سازمان سیامک

گرمترین درودهایم را برای جشن روش هشانا بپذیرید برای شما و خانواده‌تان بهروزی آرزو میکنم. سال نو مبارک.



باربارا باکسر
عضو سنای آمریکا

سازمان سیامک
شانا توواً

گرمترین آرزوهایم را برای سالی شیرین بپذیرید. با آرزوی اینکه امسال بخاطر دعایمان، شایسته برقراری صلح در خاورمیانه باشیم.
خداوند نامتان را در کتاب زندگی با شادمانی، سلامت و صلح رقم زده و مهر نماید.



براد شرمن
نماینده کنگره آمریکا

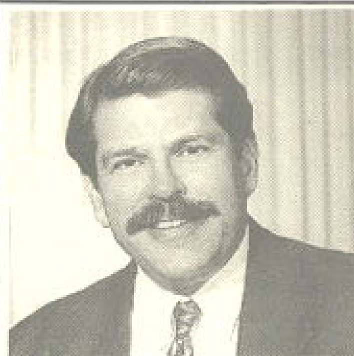
با آرزوی سالی توأم با خوشبختی.



جولین دیکسون
عضو کنگره آمریکا

سازمان سیامک

بهترین تبریکات و آرزوهایمان را برای این ایام متبرکه به دوستانمان در جامعه یهودی ایرانی تقدیم میکنیم.



زو و باربارا یاروسلاوسکی
نماینده حوزه پنجم لس آنجلس کانتی

اگر انسان خوش قلبی هستید و وقت دارید، در کارهای داوطلبانه و خیریه سازمان سیامک شرکت کرده و با ما به دیگران کمک کنید این کار، زیباترین تجلّی انسان بودن شماست.

درخواست آگهی پیوند دلها

نشریه چشم‌انداز برای آشنایی جوانان یهودی در شرایطی ساده و سالم این صفحه را ترتیب داده است.

خواهشمندیم این فورم را کاملاً پر نموده و به آدرس زیر ارسال دارید.

روی پاکت مرقوم فرمایید «**پیوند دلها**» در این صورت این نامه تنها توسط مسئول مربوطه باز خواهد شد و کلیه اطلاعات محرمانه خواهد ماند.

به هر فرد یک شماره کد داده خواهد شد.



نام و نشانی افرادی که مایل به آشنایی با شخص آگهی دهند باشند، در اختیار آگهی دهنده قرار خواهد گرفت تا در صورت تمایل با آنان تماس حاصل نمایند.

برای جلوگیری از هرگونه سوءتفاهم احتمالی لطفاً کپی کارت شناسایی خود را با فرم بفرستید.

سازمان سیامک، هیچ گونه مسئولیتی در قبال صحت و سقم اطلاعات داده شده از طرف آگهی دهندگان و افرادی که به آگهی‌ها جواب می‌دهند، نخواهد داشت.



(۳۱۰) ۴۷۱ - ۹۴۲۷

P.O. Box 3074, Beverly Hills, CA 90212

- **اگر مایل به انتشار پیام خود در این صفحه نیستید خواهشمند است ما را مطلع کنید.**
- **هزینهٔ آگهی برای شش شماره ۲۴ دلار میباشد.**

آگهی دهنده

نام .... نام خانوادگی .... قد ....

تاریخ تولد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

آیا قبلاً ازدواج کرده‌اید؟ بله ☐ نه ☐ اگر بله، تعداد فرزندان ....

نشانی:

تلفن خانه ( ) محل کار ( )

خصوصیاتی که مایلید در مورد شما بدانند:

همسر مورد علاقه:

سن .... قد .... میزان تحصیلات .... شغل ....

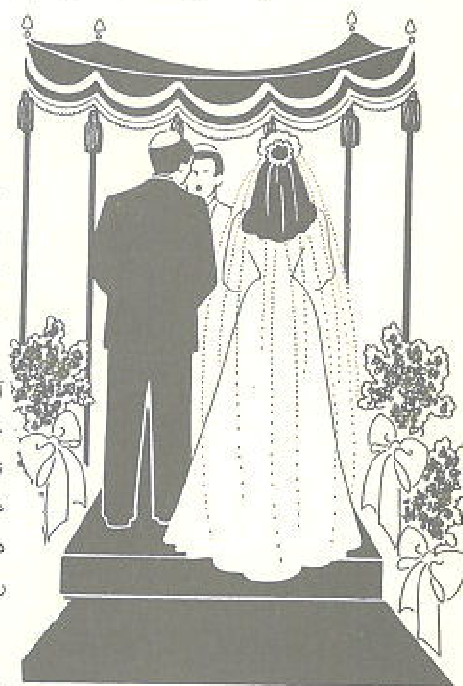
مجرد ☐ قبلاً متاهل ☐

خصوصیاتی که مایلید در همسر آینده بیابید:



پیوند دلها

برای تماس با افراد زیر با تلفن
۹۴۲۷-۴۷۱ (۳۱۰) تماس حاصل نمائید



آقایی هستم ۴۴ ساله دارای یک دختر سیزده ساله از همسر آمریکایی خود، شغل آزاد، درآمد کافی مایل به ازدواج با خانمی بین ۳۰ تا ۳۷ ساله، قبلاً ازدواج کرده مهم نیست، خوشگل و خوش اندام و سازگار و پای‌بند به اصول اخلاقی. کد ۶۲۷۶۲

خانمی هستم ۴۵ ساله، دیپلمه، شاغل، دارای سه فرزند از ازدواج قبل، خونگرم، خانواده دوست و معاشرتی، خوش اندام، اهل ورزش و مسافرت، علاقه‌مند به طبیعت و موسیقی و عاشق زندگی مایل به آشنایی و ازدواج با آقایی تا سن ۵۵ سال، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده، با درآمد کافی، ورزشکار، خونگرم، انساندوست، اهل زندگی، مسافرت و معاشرت و دست و دلباز. کد ۶۳۳۲۸

دختر خانمی هستم ۲۹ ساله، خوشگل، جذاب، خونگرم، تحصیلکرده، علاقمند به طبیعت، موسیقی و ورزش میباشم. مایلم با شخصی با خصوصیات مشابه تا سن ۴۰ سال آشنا و ازدواج نمایم. کد ۶۰۹۲۱

دختر خانمی هستم ۳۹ ساله، ازدواج نکرده، با مدرک لیسانس، زیبا، خوش اندام، مهربان و خوش قلب، پای بند به اصول اخلاق و از خانواده‌ی اصیل. مایل به ازدواج با آقایی هستم ۴۵ تا ۵۵ ساله، تحصیل کرده، خوش اخلاق، با شخصیت، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده. کد ۶۰۷۷۳

خانمی هستم ۳۷ ساله، دارای لیسانس، قد ۵/۶، شغل آزاد، قبلاً ازدواج کرده، زیبا، خوش اندام، با هوش و فعال، اجتماعی و مهربان، خواهان ازدواج با آقائی تحصیلکرده، جذاب، بدون اعتیاد، با مسئولیت، خوش اخلاق و مهربان می‌باشد. کد ۶۰۳۶۵

آقایی هستم ۳۶ ساله، تحصیلکرده آمریکا و از خانواده اصیل، خوش قلب، خوش اندام، خوش تیپ، رومانتیک، با شخصیت، روشنفکر و با احساس، علاقمند به موسیقی و مسافرت مایل به ازدواج با دختر خانمی ۳۰-۲۴ ساله تحصیلکرده، خوش قلب، روشنفکر، علاقمند به تشکیل خانواده می‌باشم. کد ۶۱۴۵۵

آقایی هستم ۳۹ ساله، با قد ۵/۱۱، تبعهٔ آمریکا، تحصیلکرده، شاغل، علاقه‌مند به تمام ورزش‌ها و سرگرمی‌ها، عاشق زندگی کردن در آمریکا، مایل به آشنایی و در صورت توافق ازدواج با دوشیزه‌ای ۲۵ تا ۳۵ ساله، زیبا، خوش هیکل، همپا و دوست و رفیق خوب زندگی در شادی‌ها و گرفتاری‌ها می‌باشم. کد ۶۱۵۰۳

دختر خانمی هستم قبلاً ازدواج نکرده، فوق دیپلم، شاغل، مهربان، خوش اخلاق، با محبت، اهل خانه‌داری مایل به ازدواج با آقائی مجرد یا قبلاً ازدواج کرده تا ۶۰ سال، سالم، با مسئولیت و پایبند به خانه و خانواده با درآمد کافی برای زندگی راحت می‌باشم. کد ۶۱۵۰۰

آقایی هستم ۴۱ ساله، تحصیلکرده، قد بلند، روشنفکر، با اصالت، معتقد به ارزشهای اخلاقی و علاقمند به مسافرت و موسیقی مایل به آشنایی و ازدواج با دختر خانمی تا سن ۳۷ سال با شرایط فوق می‌باشم. کد ۶۱۹۱۴

آقایی هستم ۳۸ ساله، فوق لیسانس، با شغل آزاد، بقول دوستان خوش تیپ، خوش‌پوش و خوش برخورد. مایل به آشنائی با دوشیزه یا خانمی حدود ۳۰ سال با حداقل لیسانس، خوش اندام، خوش اخلاق، مجرد یا مطلقه بدون فرزند. کد ۶۰۵۲۰

دختر خانمی هستم ۳۸ ساله، فوق دیپلم، قد "۵'۲، شغل آزاد، زیبا و مهربان، پای بند به اصول اخلاق، مایل به آشنایی با آقایی ۵۰-۴۰ ساله جذاب و با وقار، علاقمند به تشکیل خانواده، اهل ورزش و با درآمد مکفی. کد ۳۴۴

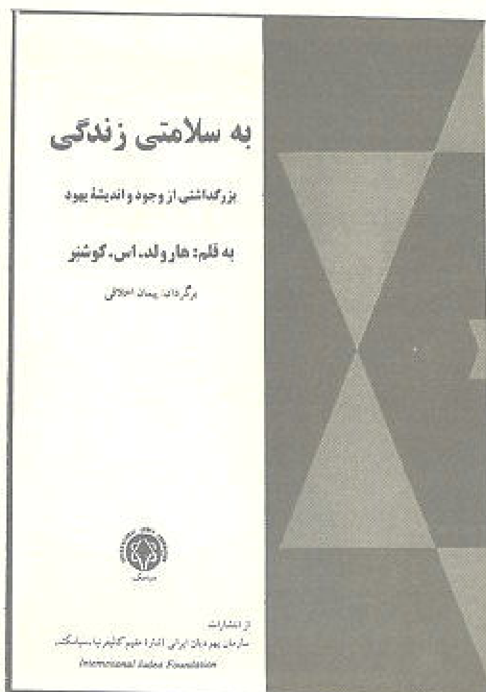
دختر خانمی هستم ۴۲ ساله، مهندس کامپیوتر، مهربان، خوش قلب، خنده‌رو، خوش هیکل، اهل ورزش، احساساتی، اجتماعی و خانه‌دار خواهان ازدواج با آقایی تا سن ۵۰ سال، قد بلند، تحصیلکرده، شاغل، مهربان، اجتماعی، راستگو، مؤدب، با شخصیت، احساساتی و مهربان. کد ۶۱۹۶۲

آقایی هستم ۶۱ ساله، پزشک، بیوه، دارای دو فرزند با درآمد مکفی، نسبتاً خوش قیافه با سلامتی کامل، با شخصیت، خوش قلب، مهربان، خوش پوش و علاقه‌مند به موسیقی مایل به آشنایی و ازدواج با خانمی زیبا و سبزه گون، قد و هیکل متوسط، مجرد یا قبلاً ازدواج کرده باشد و تمایل به داشتن فرزند نباشد، فعال، شاغل، اجتماعی و مهربان و پایبند به اصول اخلاقی. آشنا به زبان انگلیسی. کد ۶۳۶۴۲

آقایی هستم ۴۳ ساله، قد ۵.۸ ، خوش اندام، خوش تیپ علاقه‌مند به خانواده و مسافرت، شاغل درجه اول، متدین، خواهان همسری ایرانی، سن زیر ۴۰ سال، متدین و متناسب با خودم. کد ۶۳۲۳۵



درباره کتاب بسلامتی زندگی



● از اعطای «تورا» در بیابان سینای گرفته تا تدوین «تلمود» در بابل، نوشته‌های فلسفی «هارامبام» در اسپانیا و یا نظریات عمیق «فروید» و «اینشتین» در اروپا بیشترین قسمتهای تاریخ یهود در بیرون از مرزهای اسرائیل شکل گرفته تا درون آن. پس عشق ما به اسرائیل بخاطر...

● آیا داستان عجیب «ابراهیم» در سفر پیدایش برای قربانی کردن اسحق، حالت بت میتصوای اسحق را دارد؟

● یک بار «مارتین بوبر» خداشناسی را «صبحت درباره خداوند» و مذهب را «تجربه کردن خداوند» تعریف کرده درست مثل فرقی میان خواندن فهرست غذای رستوران و خوردن شام.

● خواندن تورا مثل حالت زنی است که شوهرش در سفری تجارتی و دور است و با خواندن چند باره نامه‌های شوهرش بر تنهایی خود چیره می‌شود.

● این پرسش که «نیایش چه معنی‌ای دارد؟» به همان اندازه بیجاست که مثلاً بپرسیم «غروب چه معنی دارد؟» و یا سئوال کنیم که «یک گل به چه معنی است؟»

● هویت یهودی ما بیشتر در رابطه با والدین و اجدادمان و نسلهای پیاپی یهودیان که پیش از آنها آمدند و ایمانی را به ما رسانده‌اند، شکل میگیرد تا رابطه مستقیم ما با خداوند.

به نقل از کتاب بسلامتی زندگی نوشته ربای هارولد کوشنر، ترجمه و انتشار به زبان فارسی به همت سازمان سیامک.

اگر میخواهید خارج از حدود متعارف با یهودیت و یهودی بودن خودتان آشناتر شوید، این کتاب را حتماً بخوانید. این کتاب باعث می‌شود به یهودی بودن خود بیشتر افتخار کرده و جواب سئوالات فرزندان و یا دوستان غیر یهودی خود در مورد یهودیت را با اطمینان خاطر بیشتری بدهید.

فقط با اهدای ۲۶ دلار، این کتاب با ارزش و خواندنی که هر خانواده ایرانی باید در خانه خودش داشته باشد را برای شما به هر کجای آمریکا ارسال میکنیم.

تلفن: ۹۴۲۷ - ۴۷۱ (۳۱۰)   فکس: ۹۴۲۸ - ۴۷۱ (۳۱۰)

نام خانوادگی - نام: L/Name__________ F/Name__________

شماره‌ی آپارتمان: Apt. No.__________

خیابان: Street__________

شهر، ایالت، پیش شماره: City__________ State__________ Zip Code (________)



ty and respect? How do they treat people who they do not have to be nice to? How do they treat their parents and siblings? Do they have gratitude for all the good their parents gave them? If not, it is unlikely that they will ever have gratitude for what you do for them. Above all, I would want to know if this person gossips and speaks badly about others. Someone who gossips cannot truly be someone who loves other or themselves! Don't be fooled just because while you're dating she treats you like a prince. Find out how she treats other people as well.

Question #5: ***Do I feel safe expressing my feelings and thoughts with this person?***

This question goes to the heart of the issue of communication. The essence of a good relationship is good communication. The essence of good communication is feeling that one can express his thoughts and feelings without being "punished" for doing so. Do I feel relaxed with this person? Can I be myself with this person? Does he feel that he can express his feelings openly to me? If you are in a relationship with someone who makes you feel afraid to express what you feel, then get out quickly. A colleague of mine defines an abusive relationship in just this way. He suggests that an abusive person is someone who makes you feel afraid to express what you think and feel. Be very careful with this question! There are far too many relationships that are abusive in nature.

Question #6: ***Does he or she understand the difference between men and women?***

This is a crucial issue because men and women are so very different in their needs that it's essential to fully understand these differences. A woman's essential need is for love while a man's essential need is for support and encouragement. It has been said in a joking way that most women suffer from the well known children's emotional disorder of ADD-- attention Deficit Disorder! Judaism has for thousands of years understood this clearly and has gone so far as to make it a legal obligation for a man to make sure his wife is emotionally and sexually satisfied. Men and women who live under the illusion that men and women are the same, are setting themselves up for potentially serious problems down the road.

Question #7: ***Is there anything I hope to change about this person after we're married?***

This is a big mistake that far too many people make. As a colleague of mine says, "You certainly can expect someone to change after marriage....for the worse!" I always ask people who have doubts about a prospective mate, to ask themselves if they would marry this person the way they are today, assuming that he or she would never change from the way they are now. If you cannot fully accept someone the way he or she is now, do not marry in the hope that they will change in the future.

People often ask me how important is physical attraction? Judaism has a very clear position on this issue. A person should be physically attracted. In fact it is a mistake to marry someone to whom you don't feel attracted. Although it is important not to make it the most important criterion for marriage, it is also important not to undersestimate its importance.

Marriage is one of the biggest decisions you will ever make. It makes sense to do your homework by asking all of the important questions before you make your decision.

Rabbi Dov Heller has Masters degrees from Harvard University and Antioch University in clinical psychology. He received his rabbinic ordination in Jerusalem. Currently he is the director of the Aish HaTorah Counseling Center and works as a psychotherapist in private practice.



SEVEN QUESTIONS YOU MUST ASK YOURSELF WHEN YOU'RE DATING

By Rabbi Dov Heller

No one who is in the market to get married wants to make a mistake. Yet, with a divorce rate close to 50%, it appears that lots of people are making mistakes somewhere. The major mistake that people make when dating is that they think in terms of finding the right person. The problems people have in marriage are not due to picking the wrong person, rather their problems are caused because both individuals don't know how to have a mature and fulfilling relationship. It's never the fault of any one person, but a function of both together that create the problems. I know of a number of couples who when dating, overlooked discussing such fundamental issues as their attitudes towards children and how they wanted to raise them. Impossible, you say? Unfortunately it's not uncommon for people to overlook important issues like this one and which usually result in serious problems later. This problem can be avoided if one has a good check list to guide his or her thinking.

Another common mistake people make is in their attitude towards love. If you ask most people why they are getting married, they will tell you that they are in love. Love should never be the main reason for getting married and for good reason. Being in love most always means being infatuated and infatuation can never form a strong enough foundation upon which to build a lifetime relationship.

I suggest that there are stronger reasons for getting married other than love. Here are seven questions you cannot afford not to ask yourself when you are seriously considering marring someone.

Question #1: ***Do we share a common life purpose?***

This is the most important question of them all because it forces you and your prospective mate to think about whether there is anything deeper that the two of you share besides you love for each other. Another way to ask this question is: What do you both value as individuals that you want to share with each? Dealing with such questions presupposes that you take life seriously and approaches life with a certain maturity and honesty.

Some people, for example, share a hobby or some other similar interest. Some share their interest in children and having a family. Some share a spiritual goal that will become the foundation of the marriage. Ideally, two people should share a common life purpose that possess as much meaning as possible. Remember, two things can happen in a marriage. You can grow together or you can grow apart. Without a shared life goal, you run the risk of growing apart.

Question #2: ***What baggage is this person bringing with him/her into the relationship?***

One must do everything possible to find out if the person you're dating has any serious psychological problems. Has this person ever been in therapy? And if so, for how long and for what? Are there any psychological problems in the family? Was there any kind of abuse in the family? What is their work history? By researching carefully, one can often detect if there are any serious problems.



Question #3: ***How refined is his/her character?***

The best way to determine the quality of a person's character is to know whether he or she works on themselves on a regular basis. What does this person do with their spare time? Do they waste it watching T.V., reading magazines and newspapers, or do they do something that enriches themselves and helps them to grow? I think a crucial issue to determine is how materialistic a person is. A person whose top priority is acquiring and having materialistic things, will generally not be a person who works on perfecting his or her character. Is this the type of person you want to live with the rest of your life?

Question #4: ***How do they treat other people?***

You must know to what degree this person actually loves and cares about other people. Is this person essentially a giver or a taker? Do they treat other people with sensitivi-

DON'T GO GENTLY ON YOM KIPPUR

By Ted Roberts

Leah was old and Leah was sick. That's why she lifted her head from the pillow and called out - in her heart- to her G-d. To be more specific, she called out or the Malech Hamoves, the Angel of Death. With her entire being, she pleaded- Take me. Take me. And G-d and his angels heard. After all, this was Leah Rizenberg. A 7-candle soul on the ethical scale. A soul as sweet smelling as the aroma of the shabbos challah she baked every Friday - until she was stricken.

However, it must be admitted that Leah suffered from one slight imperfection. She procrastinated, she delayed. Why burden today with tomorrow's obligation. "Why rake leaves today - they'll blow away tomorrow," she often said. And she loved Gin Rummy; her favorite from of procrastination.

When the angel on duty that night heard the call erev Yom Kippur, he immediately dispatched the Malech Hamoves to collect this priceless soul and begin the preparations necessary to receive her illustrious Neshoma; and "turn her around" as they say in the Transition Division, upstairs. The soul must be refitted for a newborn - it was the ultimate in recycling.

Luckily, the Malech Hamoves was already on earth attending to business; which was excellent. Never since the first half of the forties had he been so busy. There was famine in Africa and bloody wars in the Balkans. The Angel of Death was in a great mood - he liked to stay busy - when he arrived in New York City to pick up Leah.

He came to her as she struggled through an uneasy sleep. "Leah, it's me," he whispered. "You called me - the friend of the sick and the sufferers."

Immediately, she was awake. "Ah," she gasped. "You're a prompt old bird. You couldn't have waited fifteen minutes?"

"You call - we haul," replied the visitor, who was accustomed to malignment. "After 82 years, 73 days, and approximately 6 hours what's the significance of another fifteen minutes? ANOTHER goodbye to your family? ANOTHER pill? Come - you're as old as stone - take my hand. The Transition Division tells me there's an impatient infant in the womb of a lovely mother - her first. A perfect fit for you Neshoma. They await you in a quiet suburb of Lisbon - you'll love the summers."

Leah waved a crooked finger in the Dark Angel's face. "Wait a minute, wait a minute. Not just yet. It's Yom Kippur. Tisha B'AV is a holiday to die on - not Yom Kippur. I'm feeling a little better. How 'bout a quick hand of Gin? You know, next week I'll be a great grandmother."

The angel, who had been through eons of final scenes like this, knew it was best to humor the reluctant ones. He considered it unprofessional to drag them off wailing as they clung to the bedposts. A messy scene - bad for his reputation.

"One game of Rummy - only one I'm in demand all over the world. I really can't give each client much more than a few moments. They're calling me from Bosnia. And my Asian Regional Manager tells me that business is booming in India - plenty of muslim and Hindu customers. We've got 'em lining up to take a number."

The petitioner listened, but said nothing. She dealt the first hand and although she wasn't at the top of her game, she easily subdued her impatient guest. But not by so much that he didn't consent to a second game. The stakes? "OK, OK, if I lose, I'll go today - right now," agreed Leah.

As she picked up the deck and skillfully built a hand that would catch her foe with a handful of pictures, she prattled. Who was the family in Lisbon that awaited her Neshoma? "Did you know that my own granddaughter in Queens is scheduled to deliver, G-d willing, NEXT week? So why couldn't I...."

Her opponent threw down his cards. "Don't even think it," he screamed. It is NOT done. You're assigned to Lisbon, not New York. And I can't wait a week for you."

As he ranted, Leah drew her card; and quietly, almost apologetically whispered, "Gin".

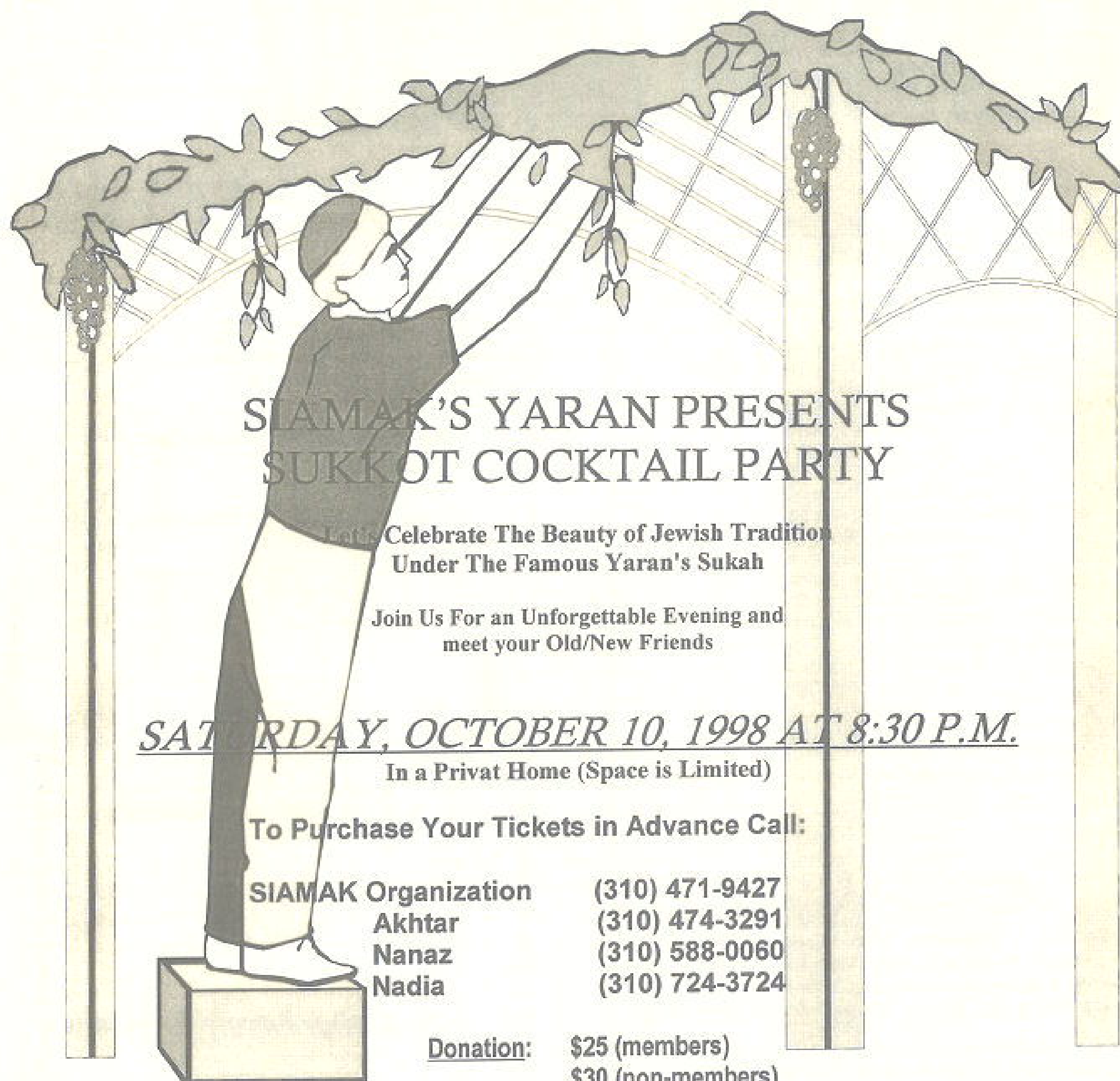
So the Angel, not accustomed to defeat by mortals, agreed to one final match. If she won, she could hang around a full week and provide the soul of her own great grandchild. A loss, she agreed, meant a clasp of the Angel's cold hand and prompt departure even though it was Yom Kippur.

It was a classic encounter - like Jacob and the angel. Leah struggled. And the Malech Hamoves played with the intensity of the fiend that he was.

I won't tell you who won, but a here's a clue; 25 years later in Queens, New York, there was a heck-uva Gin Rummy player named Leah who cherished the memory of a great grandmother she never met. A lady who wouldn't go gently on Yom Kippur.

Ted Roberts is a syndicated Jewish humorist whose work has appeared in the Forward, Hadassah, Wall Street Journal, and the New York Times.

חג הסכות



SIAMAK'S YARAN PRESENTS SUKKOT COCKTAIL PARTY

**Let's Celebrate The Beauty of Jewish Tradition
Under The Famous Yaran's Sukah**

**Join Us For an Unforgettable Evening and
meet your Old/New Friends**

SATURDAY, OCTOBER 10, 1998 AT 8:30 P.M.

In a Privat Home (Space is Limited)

To Purchase Your Tickets in Advance Call:

SIAMAK Organization	**(310) 471-9427**
Akhtar	**(310) 474-3291**
Nanaz	**(310) 588-0060**
Nadia	**(310) 724-3724**

Donation: $25 (members)
$30 (non-members)
$35 (after October 7th) (No Exception)

SUCCOT

CHASHM ANDAAZ

VIEW POINT

CHASHM ANDAAZ
is published monthly by
International Judea Foundation
a.k.a. SIAMAK (A non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council of Greater Los Angeles
P.O. Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel: (310) 471-9427
Fax: (310) 471-9428

Basic subscription rate $26.00, 1 year. For subscription queries, call administration at (310) 471-9427
second-class postage paid at Los Angeles, California

CONTENTS

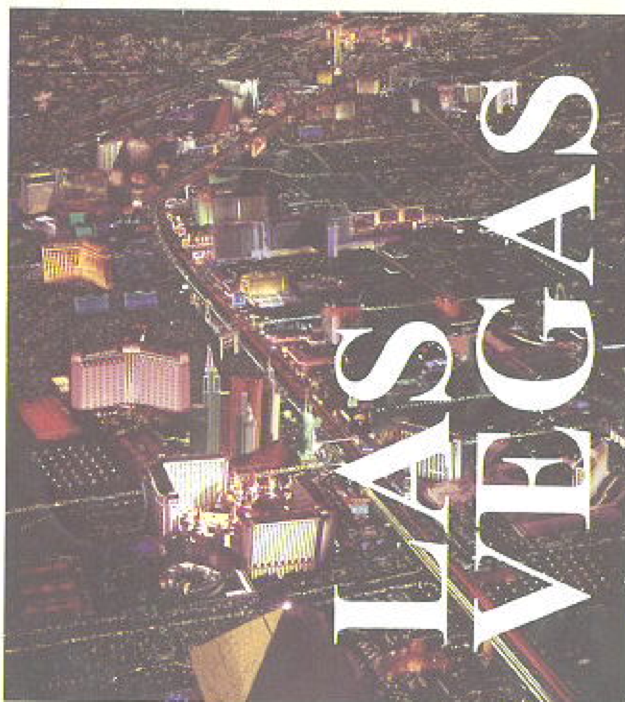
Volume VIII Number 63

L'Shonah Tovah

5759

To All Our Family & Friends

بالاترین رشد جمعیت و کمترین میزان بیکاری در امریکا را فقط در شهر



سال نو یهودی را به همه همکیشان عزیزم تبریک می‌گویم



بشنوید می‌توانید تمام اطلاعاتی که لازم دارید را با تلفن جویا شوید.

بیائید به لاس وگاس بیائید و از نزدیک رشد بی‌سابقه این شهر و محل مورد نظر خود را ببینید.

بپرسید و بدون مطالعه نخرید. با سرمایه‌گذارانی که میلیون‌ها دلار در سال گذشته با پیشنهاد من سرمایه‌گذاری کرده‌اند، صحبت کنید.

می توانید پیدا کنید

زمین

مستغلات

شاپینگ سنتر

فکس ۱۵۵۱-۷۹٦ (۷۰۲)

اگر می‌خواهید در لاس وگاس همیشه برنده باشید، پول خود را فقط روی این شماره بگذارید

702– 493– 5858



International Judea Foundation
P.O. Box 3074 – Beverly Hills, CA 90212-9879

C70 P494*********ECRLOT**C-011
SHOHREH NOWFAR
5324 CREBS AVE
TARZANA CA 91356-4013

NON-PROFIT ORG
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 5013
Santa Clarita, CA